

شماره ۱۰۱۲ - شماره مخصوص ژوئیه

بهای مجله فقط 1 پوند

آمریکا 2 دلار

اروپا 5/1 یورو

زنگاره

ناگفته ها از جام جهانی



تور اروپایی استاد گلپا



رقیب جدید خوانندگان لس آنجلس



ایرج قادری در آکواریوم

Looking for your dream home in
Turkey?

Look no further...

hits

homes in the sun
www.hitsinternational.co.uk

international.co.uk

آیا بدنبال خانه رویایی خود هستید ؟

ما آنرا در ترکیه و در شهر زیبای Akbuk - Nr Bodrum

با مناظری باورنکردنی و منحصر بفرد

و قیمتهائی استثنائی به شما ارائه خواهیم کرد

سرمایه گذاری آسان و مطمئن



Hits شرکت ساختمانی بین المللی

پروژه های وسیع انبوه سازی در کشورهای

ترکیه - آلمان - ایرلند و انگلستان



دفتر مرکزی در انگلستان

Call: 01325- 316828 or 07725643640



چای خانوم خانوما



Khanum Khanuma Tea

چای خانوم خانوما را در سراسر اروپا از فروشگاههای ایرانی خریداری نمایید

Confident Dental Practice

دکتر علیرضا هاشمی جراح دندانپزشک با ده سال سابقه در کاشتن دندان و زیبایی
عضو انجمن ایمپلانت بریتانیا (ADI) و انجمن بین المللی ایمپلانت (ICOI)
در کلینیک دندانپزشکی کانفیدنت در خدمت هموطنان عزیز می باشد

بعد

قبل



۱- کاشتن دندان (Implant)

۲- سفید کردن دندان با لیزر (Teeth)

۵- لامینیت چینی (Porcelain Laminate)

خدمات

این کلینیک

تخصصی

دندانپزشکی

عبارت است

از :

NHS & PRIVATE

خواهشمندیم جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

Tel: 020 - 7388 8556

www.confident66.com

66Hampsted Road, London NW1 2NT

نزدیکترین آندرگراوند: Warrent St. & Euston Square

سفره ایرانی با نان ایرانی زیبا تر است

نان شکران باب ذائقه هر ایرانی



نان شکران در بسته بندیهای واکيوم (بدون هوا) همیشه تازه و سالم خواهد بود

نان شکران در انواع مختلف برای ذائقه مشکل پسندان :

نان تافتون تنوری خشخاشی ، نان لواش تنوری ، نان تافتون سبوس دار ، نان لواش زعفرانی
و به زودی نمونه های دیگری از نان تازه ایرانی ارایه خواهدشد

شرکت نان شکران از آلمان در اروپا نماینده فعال می پذیرد

شرکت نان شکران کلیه سفارشات شما را در سراسر اروپا با سریعترین سرویس ۲۴ ساعته به شما تحویل خواهد داد

Address : Wittestrass 2 21109 Hamburg

Tel: +49 (0)40 63650618

Fax: +49 (0)40 63650619

Email: info@shokran.de

goldenphone

Digital Communication



گلدن فون

Line Rental from £4.99 **



برای آگاهی از جدید ترین و بهترین
تعرفه ها و مدل های گوشی موبایل
با کارشناسان فارسی زبان ما
تماس بگیرید و یا به وب سایت
www.goldenfone.co.uk

مراجعه نمایید

020 8434 0561

020 8434 0562 دفتر

020 8434 0563 فکس

07958 181 878 مسعود

07950 111 222 اردوان

آخرین مدل گوشی های
GSM

9

انواع سیم کارتهای
Pay As You Go



Address: 1, Olympic Way ,
Wembley , Middlesex , HA9 0NP



T-Mobile



* Terms & conditions apply, Call us for details
. Offer available for a limited period only

www.goldenphone.co.uk

حجب داد گاهی خواهد بود



محمود سرابی

دادگاه های ملی در برابر ملت ایران خواهند نشست و جوابگوی پرونده های عیان و پنهان خود خواهند بود هر چند تصور کنند که دست کسی به ما نمی رسد که این نیز تصویری خام است وقتی ملتی در پی مجرمان خود باشند در هر کجای جهان که باشند از قانون مجازات ملی در امان

نخواهند بود اینان سالیان درازی است که با بی شرمی و وقاحت با دریافت دستمزدهایی آلوده به خون آزادیخواهان ایرانی به ریش اخلاق و وجدان و شرف نداشته خود خندیده اند. روزی هم زمان گریه های ندامت خواهد رسید.

(ما سیاسی نیستیم) شعاری هدفمند و برنامه ریزی شده و پر خرج از حکومت ملایان است که به وسیله مشتی بی وطن و سود جو در خارج از کشور تبلیغ میشود و متأسفانه بسیاری از هموطنان عزیز هم بدون توجه به این طرح شوم آن را زمزمه می کنند.

عشق و علاقه، تعصب و غیرت به مسائل و حوادث وطن و هموطنان در هر انسانی یک غریزه طبیعی و ابتدایی است و هیچ ارتباطی به وابستگی داشتن به مسائل سیاسی ندارد.

مسئولیت اخلاقی وظیفه انسانی در هر کجای دنیا حکم می کند که هر جنبنده ای که خود را انسان می نامد در برابر رویدادها و حوادث که شاهد آن است واکنش نشان دهد. کما اینکه شما در صحنه ای شاهد حتی کتک خوردن سگی به وسیله صاحبش باشید نسبت به چنین صحنه ای عکس العمل نشان می دهید و اعتراض می کنید ولی حالا چگونه ممکن است در برابر چشممان ما انسان ایرانی، رژیم جنایتکاری چون جمهوری اسلامی صدها هزار هموطن من و تو را اعدام کند، معتاد کند، به فساد و فحشاء بکشاند، غرق فقر و تنگدستی کند بیمار روانی کند و ما با عنوان بی هویتی و بی مسئولیتی بگوئیم «ما سیاسی نیستیم» و خود را به ناکجا آبادی که رژیم ساخته است حواله دهیم؟

قدر مسلم هیچ انسانی آنهم انسان ایرانی شرافتمند اینگونه رفتار نمی کند و اینگونه نمی اندیشد ما فرزندان مکتب والای انسانی سعدی ها هستیم که صدها سال پیش گفته اند :

تصور کنید در آینده ای نه چندان دور سرزمین اشغال شده فعلی کشورمان و این رژیم ضد ایرانی و قرون وسطایی مانند هر رژیم دیکتاتور دیگری سقوط خواهد کرد و با تکیه بر تجربیات تلخ و عبرت آموز این دوران سیاه و نکبت بار ملت رنج کشیده و زخمی ایران در آزادی کشورشان این فرصت تاریخی و طلایی را خواهند داشت که دادگاه های ملی و میهنی بر پا سازند و بر عملکرد و پرونده افرادی رسیدگی کنند که طی این سالهای مصیبت بار چرخ پنجم منافع حفظ این رژیم بودند. افرادی که در لباس شریک دزد و رفیق قافله تمام تلاش خود را کردند که این رژیم را مدت بیشتری سر پا نگهدارند اینان با قلم، میکروفن و دوربین، با کانون و انجمن و جامعه و هر دکانی دیگر سالها تلاش کردند ایرانیان را به بی هویتی یا انحراف بکشانند. گناه کار ترین این افراد کسانی بوده اند که بذر شوم و طرح سرمایه گذاری شده رژیم را پیاده کردند و به شعار ما (سیاسی نیستیم) پرداختند و هرگز پاسخی هم به این سوال بزرگ آزادیخواهان ایران ندادند که ما سیاسی نیستیم یعنی چی؟

ما سیاسی نیستیم می تواند وابستگی به احزاب و گروه های سیاسی باشد که این حق طبیعی و مسلم هر انسان است که وابسته یا هوادار گروهها و سازمانهای سیاسی نباشد هدف از ترویج طرح کثیف ما سیاسی نیستیم از سوی این سوداگران بی وجدان یعنی اینکه : در عمل ما انسان نیستیم ما برایمان مهم نیست بر سر ایران و ایرانی چه می آید ما وارد حیطه حیاتی سرنوشت کشورمان نمی شویم و به ما ربطی ندارد گروهی خونخوار و ایرانی کش چه بر سر مملکت ما می آورند.

ما سیاسی نیستیم می تواند از دیدگاه فعالیتهای سیاسی مورد قبول باشد و کسی وارد تشکیلات سیاسی نشود ولی وظایف انسانی، میهنی و ملی او چه میشود؟ اخلاق، وجدان و شرف یک انسان چه میشود؟ چگونه می توان ادعای ایرانی و انسان بودن داشت و بی خیال و بی تفاوت بود.

مسبب و مسئول تمامی این شرایط خجالت آور و سرزنش کننده کسانی هستند که این سالها تلاش کردند این نمایش تهوع آور و کثیف (ما سیاسی نیستیم) را بر صحنه اجرا کنند و به تماشاگران فریب خورده این نمایش ضد ملی جوایی از قبیل پاسپورت سفرهای بیلاقی، قشلاقی جایزه بدهند به جشنها و مراسم شکم چرانی سفارت ها و مجمع اسلامی ها دعوت شوند و ...

اما همانگونه که همیشه در تاریخ تکرار شده و خواهد شد روزی همه این مزدوران و بازیگران این نمایش شوم بر صندلیهای

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 8731 1992

Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ هر ماه منتشر می شود



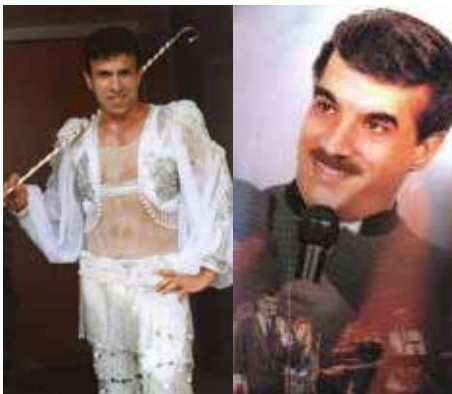
مرجان پس از سالها سکوت برای وطن خواند



مرجان بازیگر فیلم های فارسی که خواننده هم شد با ظهور جمهوری اسلامی مانند سایر هنرمندان خانه نشین شد و سالها خبری از او نبود تا اینکه او هم پس از ۲۵ سال سکوت به خارج از کشور آمده و آلبومی به نام «شب های خط خطی» را به بازار داد. مرجان در این آلبوم چند ترانه سیاسی هم خواند تا نشان دهد او درد و غم مردم را می شناسد و هنرمندی است که خود را سفیر و نماینده مردمش می داند هنرمند واقعی در زمانه ما اعتبارش به کلامی است که می خواند

مادر و پدر مرده های هنری

اند ولی امروز بیماری پدر و مادری فوت شده را بهانه می کنند و جالب است که هر چه رژیم به اینان چون دستمال یک بار مصرف نگاه می کند باز هم از روی نمی روند که از جمله رفتگان : سعید راد، سعید کنگرانی، رضا ژبان، بهمن مفید و آوازه خوانان النگو به دستی چون بیژن مرتضوی، جهان، امیر رسانی، هوتن، خردادپای و پیشکسوت همه مرتضی خان عقیلی که راه بازکن هنرمندی است .



خلاصه وقتی این کارنامه غم انگیز را می بینیم آنگاه باید درود بر شرف و معرفت هنرمندانی فرستاد که هرگز شیطان نتوانست و سوسه ای در جسم و روحشان کند و استوار و مقاوم ایستادند و اگر اقدامی هم کردند در جهت افشاء گری چهره پلید رژیم ضد ایرانی خمینی بوده است .

وقتی در صحنه هنری ایرانیان خارج و داخل کشور هر روز شاهد فرو پاشی یک چهره هستیم که به خاطر اندک شهرت بیشتر یا شهوت صحنه یا اندک درآمدی تن به هر ذلت و خواری می دهند که غبار غمی سنگین بر دلها می نشیند که چگونه هنرمندی که مردم دوستش دارند و همیشه احساسات و عواطف خود را نثار اینان کرده اند تا این حد راحت به خود فروشی شخصیت یک هنرمند می پردازند گروهی که از دست رژیم آدمخوار ملایان فرار کرده اند و به خارج گریخته اند کاسه گدایی بازگشت به سرزمین خون گرفته از پیکر میلیونها ایرانی را به دست گرفته اند و همگی این هنرمند نماها هم دردی مشترک دارند که یا مادرشان یا پدرشان مریض است و بونهای آخر



زندگی آنهاست در حالی که چند تایی از این بی پدر و مادرها سالها پیش بی پدر و مادر شده

دفتر مشاوره حقوقی لطفی زمانی

کارهای حقوقی خود را با اطمینان خاطر می توانید به ما بسپارید:

امروزه تمامی کارهای جاری و بازرگانی بستگی به رعایت قوانین و مقررات و استفاده به موقع و بهینه از آنها دارد

- ۱ - ثبت شرکتها و موسسات جاری طبق قوانین و مقررات کشور انگلستان
- ۲ - پذیرش نمایندگی برای شرکتها و موسسات جاری از هر نقطه جهان
- ۳ - اخذ ویزای تحصیلی (داری مجوز رسمی از معتبرترین دانشگاهها و کالجهای کشور انگلستان)
- ۴ - تنظیم قرار دادهای جاری
- ۵ - رفع مشکلات اعتباری
- ۶ - تهیه و ارسال ارقام مورد نیاز شرکتها و موسسات جاری طبق مقررات کشور انگلستان
- ۷ - دریافت ویزای سرمایه گذاری و جاری

لطیف زمانی با دارا بودن مدارک و سابقه درخشان می تواند بهترین مشاور و همراه در کارها بزرگ جاری و حقوقی شما می باشد

6C Ballards Lane
Finchley Central
London N3 2HA

Tel: 020 8371 6999
Fax: 020 7900 3321

www.latifzamani.com
E-mail:
info@latifzamani.com





بزرگداشتی از منوچهر وثوق

در او جای نداشتنه است و امروز احترام و منزلته او به عنوان یک هنرمند کارنامه صد فیلمهای او نیست بلکه رعایت اصول یک بازی شرافتمندانه است که منوچهر بر میثاق انسانی، ملی خود ایستاده است و هرگز به خاطر سفری بیلاق، قشلاق به ایران اشغال شده ملایان عرب نژاد از اصول خود کوتاه نیامده است شب بزرگداشت منوچهر وثوق گویا در شهرهای فرانکفورد در آلمان یا لندن برپا خواهد شد.

با خبر شدیم چند تن از دوستان نزدیک و چهره های علاقه مند به او در صدد هستند تا مراسم خاطره انگیزه بزرگداشتی از منوچهر وثوق هنرپیشه دوست داشتنی سینمای ایران را برگزار نمایند. منوچهر وثوق از هنرمندان متعهد و تبعیدی است که همه سالهای غربت با پابندی به اصول ملی و میهنی جهت آزادی ایران استوار ایستاده است و هرگز لحظه ای وسوسه سفرهایی به خانه ویرانه پدری

بازار داغ لس آنجلسی ها بدریج بی رونق میشود



طرحها و برنامه های وزارت اطلاعات رژیم آخوندی محدود به سیاست و اقتصادی نیست بلکه مهمترین بخش آن مربوط به تبلیغات مربوط به فروش اجناس انسانی، هنری هم می باشد که نمونه آن را در راه اندازی کانالهای ۲۴ ساعته فقط موزیک می توان بود.

توجه و علاقه ایرانیان داخل و خارج از کشور به هنرمندان به خصوص لس آنجلس نشینان باعث شد که رژیم هم دست به کار شود و پس از طرح ارسال هنرمندان دست ساز خود به خارج در فکر رقیب سازی داخلی هم برآید آن هم در کشوری که این نوع موزیکهای غربی حرام محسوب می گردد ولی وقتی رژیمی شوق و درجا اندازی و خاتم داشتن را حلال می کند و اسم صیغه بر آن می دهد تا نان جاکشی حلال باشد دیگر موزیک که جای خود دارد به هر حال وزارت اطلاعات و ارشاد اسلامی با راه اندازی کانالهایی چون ایران موزیک، پرشیا موزیک و پیوند با کانالهای دیگر مانند pmc و طپش، ایران و غیره، بساطی فراهم کردند تا جوانان زیرزمینی در ایران به تولید کارهای موزیک بپردازند البته به قول رژیم از نوع مبتذل که صد البته تفاوت



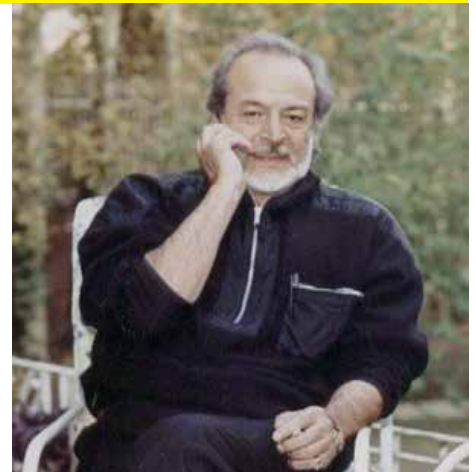
چندانی با کارهای لس آنجلسی ندارد و اکثراً از همان جنس بنجول هستند ولی به هر حال دنگ دنگی و مزخرفاتی به اسم شعر و معجون که به درد جامعه بی هویت می خورد و چون مارک منوع دارد پیشتر هوادار پیدامی کند و همین بازار جدید باعث شده که نقش لس آنجلس نشینان به تدریج کمزنگ تر شود و این حراس و ترس به سراغشان بیاید که کار به کجا خواهد کشید وقتی خواننده ای از راه رسید با اولین آلبوم خود در ایران به مرز تولید چند میلیون سی دی می رسد هنرمندان خارج که در حسرت رقصهای چند هزارتایی هم هستند نگران بازار از دست رفته خود می شوند البته نه هر هنرمندی چون هنرمند به خاطر داشتن مایه و نبوغ و استعداد و هنر ذاتی که نگران چیزی نیست بلکه کسانی نگران می شوند که بدون صدا، بدون قیافه دلچسب، بدون کاراکتر و شخصیت انسانی و تنها، تنها با وقاحت و پررویی و سماجت و پول خرج کردن خود را به عنوان هنرمند خالی بند جا زده اند.

آقای ایرج قادری شما نگران فرار کرده ها نباشید فکری به حال مانده ها بکنید

قهرمان اتومبیلرانی در ایران است که قهرمان فیلم امین حیایی می خواهد به خارج برود و قهرمان جهان شود که این قهرمان پرورش یافته حکومت اسلامی و تکامل یافته زیر نظر دایی محترمش که ایرج قادری می باشد در کمال ناجوانمردی نیمه شب بدون خداحافظی از دایی و دخترش که نامزد قهرمان می باشد به ترکیه می رود یعنی تا همین جای کار نشان می دهد بچه به دایش می رود و راه و رسم بی معرفتی را نشان می دهد در ترکیه طبق فیلمهای ساخته شده ایرانی دزدها دار و ندار ایرانیان را می دزدند و سپس اجبار باعث میشود کار این فراریان به فساد و دزدی و اعتیاد و کارهای خلاف بکشد و نهایتاً دایی می آید چون قهرمان فیلم های مو سرخه: خنجر از پشت و همه را لت و پار می کند و با ایتار جانش را هم می دهد با مرگ خود در این فیلم ما نیز فاخته ای بر کارنامه هنری این عزیز از دست رفته خوانده باشیم

در ادامه توجه شما را به بخشی از مصاحبه وی در مورد فیلم اکواریم جلب می کنیم:

اعتیاد و دزدی رسیدن مردان و خلاصه در خارج از کشور غیر از بدبختی و بدنامی : هرزه گی و مرگ چیز دیگری وجود ندارد و این شعارهای فیلم اکواریم ایرج قادری است از ایرج قادری باید پرسید در سفرهای تفریحی و تجاری که به خارج از کشور تشریف می آورند حتما ایرانیان بسیاری را دیده اند که اکثریت مطلق آنان با عزت و احترام و سر بلندی و غرور در مجامع جهانی زندگی می کنند دو نسل ایرانی در خارج از کشور در میان تمامی ملل کوچ کرده از کشورشان از رتبه علمی و موفقیت های اقتصادی در مقام نخست جهان قرار دارند در کشورهای پیشرفته ای چون امریکا: استرالیا: کانادا: انگلستان : آلمان : فرانسه : ایتالیا و سری به مراکز علمی و پژوهشی بزرگترین دانشگاه های جهان بزنید ببینید که جوانان ایرانی چه افتخارها برای خود و کشورشان به دست آورده اند آمار گران و محققان جهانی ارزش مغزهای فراری ایرانیان را بالاتر از تمامی چاه های نفت ایران قیمت گذاری کرده اند . آقای قادری آن انگ کثیف وزارت اطلاعات بر جامعه ایرانیان خارج از کشور نمی چسبد فراری از ایران که صد البته معلوم است چرا فرار کرده اند از پس مشکلات و زندگی خود به راحتی بر می آیند شما فکری به حال مانده هایی چون خودتان بکنید که حق های مسلم و طبیعی تان را باید با چه قیمت گزافی از حکومت هنر پرور آخوندی بگیرید! فیلم اکواریم قصه یک



فیلم اکواریم آخرین ساخته ایرج قادری است و پس از ۲۷ سال او فرصت می یابد که خودش هم جلوی دوربین برود و نقش «دایی» را بازی کند دایی ایرج قادری می خواهد سایه ای از خان دایی جمشید مشایخی در قیصر باشد ولی آن کجا و این کجا؟

شعار فیلم ایرج قادری در اکواریم شعار تبلیغاتی وزارت اطلاعات است که با صرف هزینه های بسیار که مصرف آن هم داخلی است می خواهد بگوید که هر چی در ایران بدبختی و مصیبت و نکبت و فساد : اعتیاد و شلاق و اعدام است بهتر از فرار از ایران است فرار از ایران یعنی فروپاشی خانواده به فحشاء کشیده شدن زن و فرزندان دختر: به

قادری پس از انقلاب و ساخت فیلم «تاراج» از ادامه ی فعالیت در سینما منع شد ولی در اواخر سال ۱۳۷۱ با ارسال نامه ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ضمن تشریح موقعیت خودش در سینمای قبل و پس از انقلاب و اظهار ندامت از خطاهایش، برای فعالیت سالم و فرهنگی

سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون

آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ،سی دی و ویدیوهای ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.

Tel: 020 7603 8909

347Kensington High St. W8



چرا من سالها بازی نکردم؟ و خودم هم جواب آن را نمی‌دانم.

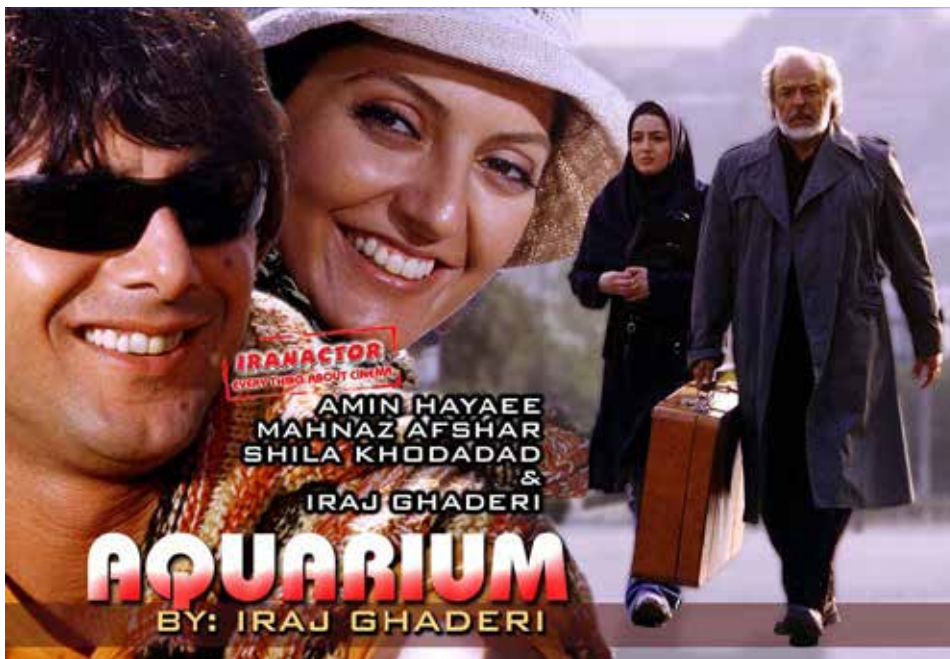
از ناملایمات خسته شده‌ام و به هم ریخته‌ام دیگر به این شکل قصد کار کردن ندارم. کارگردان باید سرجای خودش باشد و هر کس دیگر جای خودش. من وقتی کارگردانی می‌کنم خیلی وقت‌ها که می‌بینم کار معلق است مجبور به دخالت می‌شوم و این کار را سنگین می‌کند و من را که اصلاً خستگی



ناپذیر هستم به هم می‌ریزد. من تمرین‌ها و کارهایم را کرده‌ام و کارنامه‌ای دارم که کاملاً مشخص است.

فتانه با خولی تازه

فتانه از چهره‌هایی بود که یک شبه ره صد ساله رفت شهرت و محبوبیت فتانه در آن سالهای اولیه کوچ ایرانیان به غربت ایران را هم تسخیر کرد فتانه فراز و نشیب بسیار



دیده است یاد کرد و گفت: آن شب بغض داشتم اما از خوشحالی نبود بلکه از دربه‌دري و بدبختی‌هایی که داشتم و سالهای زیادی که از بین رفت. من باختم و تمام زندگیم سیاه شد گاهی کاری هم کردم و منون هستم که به من مجوز دادند اما معتقدم دیر شده است. وی افزود: ممکن است بگویند آقای قادری بی‌معرفت کردید و چطور این حرف‌ها را می‌زنید. من می‌گویم تشکر می‌کنم اما در دلم این است و نمی‌دانم به چه دلیلی این سال‌ها را گم کردم. خیلی از آدم‌هایی که در نظام محترم هستند بعد از دیدن این فیلم از خود پرسیدند

در سینما اظهار آمادگی کرد که مورد موافقت قرار گرفت.

وی در گفتگویی در مورد فیلم «آکواریوم»، ضمن تشکر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای دادن پروانه نمایش به این فیلم گفت: نهایت محبت را به من داشتند و حتی مدیران جدید هم دوباره فیلم را دیدند و مشکلی در اکران آن ایجاد نکردند.

قادری از شب اکران «آکواریوم» و اینکه پس از سال‌ها خود را روی پرده سینما در کنار مردم

Prosper Business Center

دفتر کار از هفته ای ۶۹ پوند

در بهترین منطقه کیلبورن لندن NW6

خدماتی مانند :

Council Tax

منشی

برق

آب

نظافت

در اجاره منظور گردیده است

Tel: 020 7328 0002

146-154 kilburn High Road NW6



رستوران ونیزیا در قلب گلاسکو



Venezia



با لذیذترین و متنوع‌ترین غذاهای ایرانی و فرنگی
مکانی زیبا و استثنایی جهت مهمانیهای شما

Venezia 363 Argyle Steet, Glasgow G2

8LT

Tel: 0141 572 1572 Fax: 0141 572



علی پاکپور

صراف مجاز از سال ۱۳۳۲

برای مشاهده جدول برابری روزانه ارزهای خارجی با ریال ایران
همه روزه می توانید به وب سایت ما مراجعه کنید

Ali Pakpour

FOREIGN EXCHANGE ESTABLISHED IN 1953

Tel: 02088 688 788 / 0207 584 23 23

Mobile : 07979 73 73 73 / 07979 61 61 61

Fax: 0208 866 73 73 / 0207 584 35 39

Email: info@alipakpour.com www.alipakpour.com



اکبر گلیا در اروپا

مردم به او را کم نکرد .
اکبر گلیایگانی در ماه اکتبر در تور اروپائی
خود در کشورهای فرانسه ، انگلستان و
آلمان کنسرت خواهد داشت و پس از سالها
این فرصت را بوجود می آورد تا هواداران
و دوستداران صدای جاودانه گلیا او را از
نزدیک ببینند و با عاشقانه ترانه هایش به
اوج احساس و عاطفه پرواز کنند.
در همین شماره مجله رنگارنگ سومین
قسمت مصاحبه او را می خوانید و از

اکبر گلیایگانی خواننده حنجره طلائی
ایران به اروپا می آید و برای دوستداران
صدای زیبا و خاطره انگیز خود به صحنه
خواهد رفت . اکبر گلیایگانی از هنرمندان
ماندگار دنیای موسیقی ماست عاشقانه
خوان چند دهه در تاریخ موسیقی ایران
زمین که چند نسل با صدای او زندگی
عاطفی کردند هر چند ۲۰ سال سکوت
گلیا که قفل و زنجیر حکومت ممنوعه
باعث آن بود هرگز ذره ای از عشق و علاقه

با کمترین هزینه ، مدرک دانشگاهی انگلستان را دریافت کنید

دانشجویان عزیز
آیا نگران شهریه زیاد تحصیل در دانشگاههای انگلستان هستید ؟
با مراجعه به ما آسان می توانید مدرک تحصیلی از دانشگاههای
انگلستان را با حداقل هزینه دریافت کنید.
دوره های دانشگاهی ۳ ساله ما در رشته های بازرگانی ، کامپیوتر
هتلداری و صنعت جهانگردی با هزینه ای حدود ۶۲۰۰ پوند در
سال برگزار می گردد. (ورود از سال اول ، دوم یا سوم مقدور است)

جهت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

MBA, BBA, BSc, BA -all with flexible entry

WEST LONDON COLLEGE **WLC**

Drop in for a chat. (We're opposite Selfridges).
Or phone for our Prospectus.

Parliament House, 35 North Row, London W1K 6DB
Tel: 020 7491 1841 www.westlondoncollege.com



شروع ترم
جدید از ماه
اکتبر



خدمات ارزی
پرشیا

با ۲۵ سال سابقه خدمات ارزی و بازرگانی در انگلستان و ۵۰ سال در صنعت جواهر

Tel: 020 7483 0012

Mobile: 07974 784 790

Fax: 020 7722 5673

Dubai: 0097 150 658 7062

در جواهری

Haideh's Happy Gems, 8a Northways Parade (Argos روبروی)
Finchley Road, Swiss Cottage, London NW3 5EN



با مدیریت

محمد توکلی

Licence
No:

1
2
1
3
7
1
3
8
0
0
0
0
0



ماهان

نامی قابل اعتماد در تهیه و تولید مواد غذایی در خارج از کشور

شرکت ماهان با عرضه بهترین اجناس ایرانی اعم از سبزیجات خشک، ترشیجات، شیرینی های ایرانی، انواع آجیل و خشکبار، زعفران، مرباجات و خرمای رطب، برنج باسماطی مهیار و پلوپز شهرزاد، بستنی و فالوده اصیل ایرانی و همچنین ارایه محصولات شرکت های یک و یک ، مهیار در خدمت هموطنان عزیز است.

سسپیس و کالباس باب طبع ایرانیان



بستنی ، فالوده و دوغ گازدار سنتی

در تمامی اروپا شهره عام و خاص است

سفره خود را با محصولات ماهان رنگین کنید



, MAHAN FOOD Ltd
21A, DRAGON ROAD
LONDON NW10 6JN

Tel: 020 8963 0012

Fax: 020 8963 0090

تلویزیون ۲۴ ساعته جهانی جادویی پرشیا Persia Magic TV از اول اکتبر در سستلایت هات برد میهمان ویژه دهها میلیون فارسی زبان در سراسر جهان خواهد بود .



هر شب یک فیلم سینمایی انتخابی با حضور یک یا چند تن از عوامل ساخت فیلم که دسترسی به آنان در خارج از کشور امکان پذیر خواهد بود . هفت سریال جذاب و دیدنی که بینندگان هر روز شاهد یک سریال خواهند بود بچه ها فارسی زبان مادرست : آموزش زبان فارسی با متدی جدید و متنوع و شادی آور و سرگرم کننده برای فرزندان خانواده های ایرانی در خارج از کشور. انگلیسی زبان اول جهان است : آموزش زبان انگلیسی به وسیله اساتید و معلمان برجسته آموزش از دانشگاه ها و مراکز علمی معتبر برای همه کسانی که مایلند زبان انگلیسی را با شیوه ای جدید و ساده بیاموزند ورزش : برنامه ای ویژه با حضور چهره

فارسی زبانان در سراسر جهان شاهد تلویزیونی متفاوت ، مستقل و با حضور هنرمندان بزرگ و سرشناس خارج از کشور برنامه های تلویزیون جادویی پرشیا با سرمایه ای که پشتوانه آن دلهای عاشق ایرانی است راه اندازی خواهد شد در تلویزیون ۲۴ ساعته جادویی پرشیا از شعارهای آبکی سیاسی گرفته تا نان را به نرخ روز خوردن به هر قیمت خبری نیست . برای نخستین بار میلیونها فارسی زبان در سراسر دنیا شاهد تلویزیونی حرفه ای با برنامه های حرفه ای خواهند . نمونه ای از برنامه های تلویزیون جهانی تلویزیون جادویی پرشیا شامل :

سوپر مارکت آما

در قلب فینچلی سنترال

هر آنچه یک خانواده ایرانی احتیاج دارد در سوپر



غرفه مخصوص تلفن همراه
فروش ، تعمیر و بازکردن قفل

تازه ترین
گوشت و مرغ

ساعت کار : ۸:۳۰ صبح تا ۱۰:۳۰ شب

TEL: 020 8349 3414

**ALMA SUPER MARKET
151-153 BALLARDS LANE
FINCHLEY CENTRAL
LONDON N3 1LJ**



دارای ایده ای نو و جالب هستند با دفتر مرکزی تلویزیون جادویی پرشیا تماس بگیرند.

سرمایه گذاری مطمئن با فعالیتی ملی و مستقل و درآمدی حساب شده با ضوابط قانونی و حقوقی بین المللی . شما هم یکی از : آگهی دهندگان ، اسپانسر ها و یا سرمایه گذاران تلویزیونی باشید که هر ایرانی با دیدن برنامه های آن به خود خواهد بالید که شاهد تصاویری خلاق ، مبتکرانه و جدید و استثنایی خواهد بود .

جهت اطلاعات بیشتر با دفتر مرکزی در لندن تماس حاصل نمایید :

تلفن :

020 8731 9333

فکس :

020 8731 1992

می نماید .

اکتبر امسال بزرگترین شگفتی

سال افتتاح برنامه های ۲۴

ساعته تلویزیون جادویی پرشیا



های محبوب و سرشناس در رشته های مختلف ورزشی در سطحی حرفه ای و کارشناسانه برای عاشقانه ورزش .

مسابقه و سرگرمی

فرهنگ و ادبیات با حضور بزرگان فرهنگ و ادب ایران زمین میان پرده های جذاب و دیدنی گزارشها و مساحبه های جالب با سوژه های روز

میزگردهای اجتماعی ، هنری ، ورزشی و سیاسی و دهها برنامه دیگر که هر ایرانی باید ببیند و قضاوت کنند که تفاوت یک کار حرفه ای در چیست!

تلویزیون ۲۴ ساعته جادویی پرشیا

از سراسر نماینده می پذیرد

تلویزیون ۲۴ ساعته جادویی پرشیا

به خریداران برنامه ساعتی واگذار

می کند .

تلویزیون ۲۴ ساعته پرشیا برای

برنامه های پر بیننده خود سرمایه

گذار و اسپانسر دعوت به همکاری

خواهد بود .

تلویزیون ۲۴ ساعته جهانی پرشیا

مجیک

هنرمندان ، شعرا و نویسندگان و اهل

قلم ، ورزشکاران و صاحبان طرحهای

جدید تلویزیونی دعوت می نماید چنانچه

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE&FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St

London W1K 6WD

Under New Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email:ravandi@emirates.net.ae

محمود سربابی

این روزها شاهد امضای بیانیته‌ها، طومارها و حمایت‌های وسیع بین‌المللی جهت آزادی اکبر گنجی هستیم. دولت آمریکا و اتحادیه اروپا در بالاترین سطح خواهان آزادی اکبر گنجی شده‌اند. من عمیقاً با گنجی، همسر و فرزندان درگذشته و همچنین دیگر اعضای خانواده‌اش احساس همدردی می‌کنم و هیچکس مخالفتی هم با این تلاش‌های بین‌المللی نداشته و ندارد. امروزه همه از بیماری آسم گنجی سخن می‌گویند و یک گزارش دو هزار صفحه‌ای پزشکی از وضعیت او ...

اما برخی از دوستان (اکنون اصلاح طلب) اکبر گنجی که او هیچ مرزبندی با آن‌ها ندارد. در پانزدهم مرداد سال ۶۷ ساعت ۳ بعد از ظهر ناصر منصوری را که فلج قطع نخاعی بود روی برانکاره به قتل‌گاه برده و به دار کشیدند. ساعت حوالی ۵ بعد از ظهر همان روز محسن

چه زمان متوجه شد بر سایر شهروندان ایرانی تیر و گلوله بارید؟ و ایشان و هم‌زمان‌شان مقابل جنایت خمینی از چه زمان ایستادند؟ آقای گنجی شما متاع فاسدی هستید که دوستان فروشنده اجناس قلابی می‌خواهند



در بازار مکاره بی‌اطلاعی عمومی به فروش برسانند و گرنه که جنابعالی سوابق طلایی و درخشان تان در کارنامه مبارک ثبت است و شما بعنوان یک شهروند متعهد و مبارز علنی و رسماً اعلام کردید که در برابر هر ظلم و جنایتی اخلاقاً خواهید ایستاد و گرنه شریک جرم جنایتکاران هستید.

من از شما می‌پرسم زمانی که شما در ترکیه وابسته فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی بودید و همین آقای منوچهر متکی وزیر امور خارجه فعلی هم نقش بسیار فعالی در اجرای اوامر تروریسم بین‌المللی ایفاء می‌کرد و در آن زمان یعنی سال ۶۷ که اعدام‌های دهشتناک در زندانهای کشور سیل خون برآه انداخت شما در برابر این جنایات چه کردید؟

اخلاقاً شریک جرم شدید و سکوت کردید؟ امیدوارم نگوئید بی‌اطلاع بودید چون شعار زندانی منافع اعدام باید گردد هر ساعت از رادیو و تلویزیون و مطبوعات و نماز جمعه‌های رژیم شنیده می‌شد.

آقای گنجی در همان سال که در ترکیه بودید به گواه مطبوعات ترکیه چند ایرانی مخالف رژیم خمینی از جمله ابوالحسن مجتهد زاده بوسیله عوامل سفارت دزدیده شدند که به ایران بازگردانده شوند؟

بد نیست توجه شما را به قسمتی از سخنان ایرج مصداقی یکی از صدها زندانی دربند زندانهای خمینی جلب کنیم:

اکبر گنجی با صراحت در کتاب و مانیفست‌های سیاسی خود می‌نویسد: ما به عنوان یک شهروند از پایمال شدن حقوق دیگر شهروندان مطلع میشویم. از جرمی مطلع می‌شویم از آن پس اخلاقاً موظف هستیم در مقابل جنایت سکوت نکنیم و گرنه سکوت در مقابل جنایت هم به نوعی شرکت در جنایت محسوب میشود و به اندازه خود جنایت !!؟

چنانچه تنها و تنها همین چند خط بالا از هزاران گفته‌های اکبر گنجی را ملاک و معیار قضاوت کارنامه زندگی ۲۷ ساله او در رژیم جمهوری اسلامی قرار دهیم سوال این خواهد بود که اکبر گنجی و همپالکی‌ها و همفکران او در طول این ۲۷ سال تا کجا‌ها از جنایات هولناک مطلع بوده‌اند؟



روح الله خمینی تا زمانی که خود زنده بود قدرت اول تمامی تصمیم‌گیری‌های کشت و کشتار در زندانها، حمله به خانه‌های مردم، یورش به استانهایی چون کردستان، خوزستان، فارس و قتل عام بیش از صد و بیست هزار ایرانی بود و اکبر گنجی‌ها از چه زمانی بعنوان یک شهروند مطلع شدند چه بر سر دهها هزار نوجوان و جوان و زن و مرد شهروند آمد و پیکره‌های پاک اینان با گلوله‌های سرب‌ریز مریدان خمینی مانند اکبر گنجی‌ها دریده شد؟ و هنوز هم امثال گنجی‌ها از «امام زدایی» در جمهوری ملایان ناراضی هستند و شیونشان بر آسمان است

از اکبر گنجی باید پرسید بعنوان یک مقلد فدایی خمینی که گنجی سمت محافظت از او را هم بعنوان پاسدار نمونه بعهدہ داشت از



محمدباقر را که به طور مادرزادی از دو پا فلج بود به دار کشیدند. به فیلم غریبه و مه بیضایی که او بازیگر آن است، نگاه کنید. در همان ساعت و در همان سری، غلامرضا مشهدی ابراهیم که از بیماری پیشرفته قلب رنج می‌برد و تنها پسر مادرش بود را به دار کشیدند

در بعد از ظهر شنبه ۲۲ مرداد ۶۷ کاوه نصاری که دچار فراموشی بود و گذشته خود را به یاد نمی‌آورد و یک پایش نیز در اثر بیماری سیاتیک فلج شده بود. پس از یک حمله صرع شدید در حالی که مانند تکه گوشتی بود، قلمدوش ظفر جعفری افشار، یکی از هم‌بندان به قتل‌گاه رفت و ... من شاهد زنده همه این جنایاتم.



این جماعت هرزه هزار رختخواب باز هم بر جنازه ملت چون جغد شوم حضور دارد اگر اکبر گنجی قهرمان است همکاران و دوستان و همقطاران او هم قهرمان آزادی هستند!

وقتی گنجی می گوید دوستان قهرمان او کسانی چون حجاریان، کدیور، مجتهد شبستری، عبد الکریم سروش هستند. فقط جای خلخال و لاجوردی و حسین شریعتمداری خالی است که فرش قرمز زیر پایشان انداخته شود؟!

به راستی ما ایرانیان را چه می شود؟ عقل، منطق، شعور، ارزیابی، تجزیه و تحلیل درسهای تاریخ، کارنامه افراد، عملکرد گروهها، همه و همه، به تمسخر بی هویتی و لا ابالی گری انگاشته شده است؟! که کار به چنین وضع تهوع آوری برسد که قاتلان و مزدوران و چپاولگران ملتی، قهرمانان همان ملت باشند

پر بی جهت نیست که می بینیم نام افرادی را ایرانیان به فرزندان خود می نهند که صاحبان اصلی آن نامها در طول تاریخ، سراسر کشور ما را مورد حمله، تجاوز و ویرانی و کشتار قرار داده اند. امثال چنگیز، تیمور، هولاکو... گویی این ارثیه شوم تاریخی چون خونی فاسد هنوز در در رگهای بعضی انسانهایی به نام ایرانی جریان دارد که قاتل خود را قهرمان می داند!

تازه آمدیم پله اول، شما که با انقلاب دزدیده شده بوسیله خمینی پاسدار مخصوص او بودید بفرمایید طی ۲۷ سال گذشته فهرست وار در جنایات رژیم چه نقشی داشتید؟ در سال ۵۸ و کشتار هزاران کرد بیگناه شما چه نقشی داشتید؟

در سرکوب و یورش بیرحمانه به مردم ترکمن صحرا و قتل عام رهبران آنان، آقای گنجی شما چه مسئولیتی داشتید؟

در ساختار و پایه گذاری مخوه ترین تشکیلات ضد مردمی سپاه پاسداران شما چه نقشی داشتید؟

کسی از گنجی پرسد چرا حتی یک بار پرونده زندگی گذشته خود از آغاز انقلاب اسلامی را اعلام نمی کنی؟!

کسی از گنجی پرسد تلاشهای تو در جهت جا انداختن اهداف اصلاح طلبان غیر از زمان خریدن بیشتر برای ادامه زندگی ننگین ملایان بوده است؟!

کسی از اکبر گنجی پرسد: جمهوری که تو ادعای آن را دارید چه حکومتی خواهد بود؟ تو که هنوز خود را سرباز وفادار به آرمانهای امام خود خمینی می دانی با نمایش مظلوم نمایی و نقش بازی کردن در قالب زندانی سیاسی غیر از این است که باز هم داری برای رژیم زمان می خری و با حمایتهای چپاولگر خارجی چون مترسک خیمه شب بازی در پارتی های زرد و بندهای جهانی مانند قلم طلایی، پالان نقره ای، دست بیل برنز و غیره، فروشنده متاع مسمومی علیه ملت ایران هستی.

کسی از گنجی پرسد چگونه است که ایشان فقط با رسانه های خارجی و عوامل جا انداز رژیم مانند انجمن سخن لندن و امثالهم گفتگو و مصاحبه می کند و با دیگر رسانه های ملی و مستقل ایران روبرو نمی شود؟

شاید اکبر گنجی لیستی را که وزارت اطلاعات در جیبش گذاشته است را در بیاورد اسامی خودی و غیر خودی معلوم می گردد اکبر گنجی و امثال او حتی لیاقت ته صف مبارزین واقعی ملت ایران را هم ندارد و هر چه امروز بر صحنه است نمایش کثیف و ضد ملی دلالهای دولتهای خارجی و حقوق بگیران و مزدوران خارج از کشور نشین امثال پوفیوزهایی چون نوری زاده ها، فرخ نگهدار ها و خانابا تهرانی ها، پیروز مجتهد زاده ها و ...

جماعتی بی همه چیز بعنوان روشنفکر جیره خوار از حکومت شاه تا ولایت خمینی بر علیه منافع ایران حرکت کرده اند همین آن و آشغالهایی که نعلین خمینی ملعون را با شعر، قصیده، مقاله و کلمات جفت کردند تا ملتی تاوانی چنین سنگین بپردازند.

در همین روز ها سید مرتضی میرمحمدی که هر دویایش را (به عنوان قصاص پایی که از یک پاسدار به هنگام دستگیری شکسته بود) در بازجویی با چکش شکسته بودند، به دار کشیدند.

در همین ایام مادر صونا در بند اوین، شاهد رفتن دو دخترش سهیلا و مهری به قتل گاه بود و او را فریاد رسی نبود.

دوستان اکبر گنجی (باند نبوی - آرمین) بخصوص سعید حجاریان و... که او را «پهلوان اکبر» می نامد در برنامه ریزی این جنایت شرکت داشتند. عباس عبدی نیز مشاور دادستان کل کشور بود. از جنایات سالهای اول دهه ۶۰ که توسط آن ها برنامه ریزی و اجرا می شد، چه بگویم؟

از گنجی به عنوان واسلوا هاول ایران نام برده می شود، ترجمه ای آن این است که در ذهن عده ای وی چه بسا برای رهبری اپوزیسیون و ... آماده می شود.

فراموش نکنیم که اکبر گنجی در کشوری که آیت الله منتظری ۱۷ سال پیش به محکومیت قتل عام زندانیان سیاسی پرداخت، هنوز اشاره ای به این جنایت بزرگ علیه بشریت نکرده است.

فراموش نکنیم او در حالی کلمه ای در محکومیت این جنایت بزرگ علیه بشریت بر زبان نرانده که دکتر محمد ملکی علیرغم پیروی، ضعف جسمی و نداشتن پشتوانه بخشی از حاکمیت، به روشن ترین وجه خواستار مجازات عاملان قتل عام ۶۷، این جنایت بزرگ شده است. سعدی چه موشکافی دقیقی کرده بود:

گر از بسیط زمین عقل منهدم گردد
به خود گمان نبرد هیچ کس که نادانم

اکبر گنجی که با دو وزارتخانه ارشاد و فرهنگ اسلامی و وزارت خارجه (۲) و همچنین عقیدتی - سیاسی سپاه پاسداران در سیاه ترین سالهای جمهوری اسلامی همکاری داشته، امروزه نه تنها از مردم شریف میهنش طلب عفو و بخشش نمی کند که در مرخصی چند روزه ای که آمده بود از قاطعیت «امام خمینی» سخن به میان آورده و آن را به رخ دیگران می کشد.

من اما این قاطعیت را در قتل عام سال ۶۷ و همچنین کشتارهای دست جمعی سالهای ابتدایی دهه ۶۰ و سرکوب هموطنان در کردستان و گنبد و ... دیده بودم، گنجی نگفته است که قاطعیت امام را در کجا دیده است؟

به هنگام مرخصی اخیرش او بار دیگر در حلقه کسانی قرار گرفت که دست در خون بهترین فرزندان این میهن دارند. آیا این تنها یک اتهام است؟

ورزش و سازمان کودن ملل!



و لوت های مسلح اسلامی دوائر دولتی را در "سومالی" به تصرف درآوردند و اعلام کردند تا برقراری يك "حکومت اسلامی" در آن کشور، دست از کشت و کشتار نخواهند کشید! فکرش را بکنید اگر اوضاع بر همین منوال پیش رود و سازمان ملل تا این حد بی خاصیت و ریشه گیر و سهل انگار، حتی نسبت به مفاد قانون اساسی خود باقی بماند، مالک اسلامی موجود که پسوند اسلامی يدک نمی کشند با الگوی آدمکش های سومالی، جمهوری اسلامی ایران، و جاهای دیگر بیش از يك چهارم کرسی های سازمان ملل را اشغال کنند، خیال می کنید چه خواهد شد؟ مجمع عمومی سازمان ملل را زنانه مردانه خواهند کرد؟ ماشین نویس ها و سکرترها چارقد زیرگلو گره می زنند و نماینده های مرد با دیپلماتها و رهبران زن دست نمی دهند؟ کاش فقط همین ها بود! هر روز در سازمان ملل با شروع در هر جلسه باید فاتحه ای هم برای تمدن امروزی متکی بر حقوق بشر بخوانند و مابقی نسل بشر هم درصدد بازسازی دموکراسی در همه ی جهان به خطر افتاده، به صرافت کوچ به سیاره ای دیگر بیفتند و در بیت سعدي هم بر سر لوحه سازمان ملل دستکاری شود که بنی آدم نه اعضای يك پیکرند و نه در آفرینش ز يك گوهرند

والسلام نامه تمام!

۱- در بازی پایانی کله زدن "زیدان" کاپیتان سرشناس فرانسوی به سینه مدافع ایتالیایی و اخراج او از میدان با يك کارت قرمز حیرت يك ميليارد تماشاگر این مسابقه را برانگیخت حرکتی که ماهها و چه بسا سالها مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

۲- فرض بر آن است که خواننده این یادداشت با این قاعده در بازی فوتبال آشناست که صدور دو کارت زرد و پیاپی در يك بازی برابر است با يك کارت قرمز یعنی اخراج بی چون و چرای بازیکن

و حقوق بشر درس لازم نمی گیرد. از تجربیات و خطاهای خویش هم چیزی نمی آموزد و به جدید نظر در رفع آن خطاها نمی پردازد. این سازمان در اوایل سال های هشتاد با پذیرفتن پسوند اسلامی برای ایران — یعنی کشوری که قبلاً هم به عنوان کشوری اسلامی در سازمان ملل عضویت داشت — به يك خطای آیین نامه ای دست زد. چون مطابق با روح و مفاد اعلامیه حقوق بشر که اساسنامه و پشتوانه حقوقی این سازمان است، می توانست از پذیرش اولویت به مذهبی خاص در عنوان رسمی يك کشور، خودداری کند. اما چنین نکرد و با این خطای آشکار اجازه داد جمهوری اسلامی الگویی بشود برای افراطیون مذهبی مالک اسلامی دیگر تا با توسل به کشت و کشتار به نام "الله" به حکومت برسند و از سازمان ملل تغییر نام رسمی خود را با افزودن پسوند "اسلامی" مطالبه کنند.

امروزه هشت کشور به تقلید از جمهوری اسلامی عنوان رسمی خود را در سازمان ملل تغییر داده اند! و بعد از این همه جنایات انجام شده و این همه تبعیض و ستمی که نسبت به پیروان ادیان و آیین های دیگر در آن مالک به عمل آمده، هنوز سازمان ملل به روی خود نمی آورد که همه این پیش آمدهای خشونت بار و خون های ریخته شده زیر سر سهل انگاری و خطای بیست و هفت سال پیش خود او بوده است.

بدین ترتیب اگر سازمان های اجتماعی و بین المللی و دیگر رهبران سیاسی خیراندیش چاره اندیشی نکنند و سازمان ملل را برای جبران خطایی که مرتکب شده تحت فشار نگذارند، این بازی خونین و خطرناک همچنان ادامه خواهد داشت. همین چند هفته پیش لات



مسابقات جام جهانی فوتبال سال ۲۰۰۶ نسبت به هفده دوره گذشته دو ویژگی منحصر به خود داشت:

يك — از نظر تعداد تماشاگر تلویزیونی و شنونده گزارش های رادیویی — که به یمن گسترش وسایل ارتباطی صوتی و تصویری جهان را به راستی چون جامعه ی واحدی به هم ارتباط داده است — رکوردی بی سابقه به دست آورد.

دو — از جهت شیوه اجرایی، که شدت عمل و اختیارات بیشتر داوران را به نمایش گذاشت. در هیچ يك از دوره های پیشین جام جهانی این همه اخطار به بازیکنان داده نشده است. در بازی هلند و پرتغال "والنتین ایوانف" داور روسی مسابقه با صدور بیست کارت زرد و قرمز و با اخراج چهار بازیکن سرشناس از میدان، رکورد تازه ای در اداره يك مسابقه از خود به جا گذاشت. (۱) دلیل این شیوه عمل داوران را مفسرین ورزشی غالباً به راه یافتن خشونت در بازیها و بالا رفتن برخوردهای خشن بازیگران نسبت داده اند و سیاست فیفا (فدراسیون بین المللی فوتبال) را در باز گذاشتن دست و بال داوران، در تعدیل خشونت ها، تایید می کنند.

همین طور که بازیها رو به پایان می رفت، این سئوال برای پیش می آید که سازمان های بین المللی دیگر از جمله سازمان ملل متحد در تعدیل خشونتی که جهان را در گرفته است چرا از این فدراسیون ورزشی کارآمد و آینده نگر درس کافی نمی گیرند؟ و عذر حکومت های خودکامه ای را که به این خشونت ها مدام دامن می زنند و همه ضوابط بین المللی را زیر پا می گذارند، از جامعه جهانی نمی خواهند.

جمهوری اسلامی از بدو تاسیس تاکنون تقریباً سالی نیست که به نقض حقوق بشر در داخل و بی اعتنائی به ضوابط بین المللی در خارج از مرزهای خود، متهم یا محکوم نشده باشد. اگر هر محکومیت یا اخطاری را برای این حکومت يك کارت زرد بگیریم، هیچ حکومتی در طول برپایی خود و تاریخ فعالیت های خود این همه کارت زرد دریافت نکرده است. پس چگونه است که این همه کارت زرد به صدور کارت قرمز و اخراج این غده چرکین از میدان سیاست بین المللی منجر نمی شود؟ (۲) بالاخره در قاموس سازمان ملل باید تفاوتی باشد میان عضوی که به حقوق شهروندان خود احترام می گذارد و ضوابط بین المللی را رعایت می کند با آن که همه اصول انسانی و مورد تایید جامعه بشری را نادیده می گیرند! سازمان ملل نه تنها از این نهاد ورزشی و نهادهای فعال دیگر در زمینه روابط بین المللی



راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا

IRANIAN BUSINESS DIRECTORY IN EUROPE

راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا پل ارتباطی صدها
هزار ایرانی در اروپاست.

بیاد شادروان احمدی که نخستین گام را در سال ۱۹۸۸ برداشت و به پاس تلاش و کوشش های او و یارانش اینک راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا در سطحی بسیار گسترده و با کادری حرفه ای و کارآزموده نیاز مهم اطلاعاتی جامعه پراکنده ایرانیان را سر و سامان می بخشند در این کتاب سعی بسیار شده است که صاحبان تجاری و کالا و صنفی شناخته شده و مورد اعتماد ایرانیان در آن درج گردد تا اثری ماندگار بجای بماند و بعنوان کتابی مرجع و صاحب اعتبار در میان ایرانیان شناخته گردد راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا شامل اطلاعات و آمار اقتصادی و تجاری ایرانیان در ۲۵ کشور اروپایی خواهد بود که مسلماً دست به چنین حرکتی عظیم و گسترده نیاز به کمک و حمایت و پشتیبانی همه کسانی دارد که می خواهند جامعه تجاری ایرانیان در اروپا شناسنامه و هویتی شناخته شده داشته باشد و کمک به چنین حرکتی یک وظیفه ملی و میهنی محسوب می گردد.

لیست قیمت در کتاب راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا

یک صفحه کامل با طراحی	در سراسر اروپا	500 یورو معادل
400 پوند		
1/2 صفحه کامل با طراحی	در سراسر اروپا	300 یورو معادل
250 پوند		

جهت کسب اطلاعات بیشتر و درج تبلیغات تجاری خود با دفتر مرکزی لندن تماس حاصل نمائید

00442087311992 از اروپا

02087311992 از انگلستان

Email: pypages@hotmail.co.uk

تلویزیونهای خارج از کشور و تیرینهای با جنسهای قلابی یا ملی



آنسوی تصاویر این شبکه های تلویزیونی چه می گذرد؟

شد میلیونها ایرانی در داخل و خارج به نصب بشقاب های ماهواره ای اقدام کنند و همین استقبال همه گیر و عمومی باعث شد که رژیم پلید ملایان نیز با طرح تفرقه انگیز وارد ماجرا شود و با در اختیار نهادن سرمایه هایی هنگفت کانالهایی دیگر در لباس سیاسی و غیر سیاسی به میدان آورد چون هجوم مردم به خریدن بشقاب های ماهواره ای به هر حال زمینه تماس و دیدن کانالهای جام جم رژیم را هم فراهم می کرد و آنان هم با تغییرات کلی و ارائه برنامه های ورزشی سریالهای نمایشی دنبال جذب بینندگان بیشتری بودند.

تلویزیونهای غیر سیاسی در واقع نقش محل ل تصویری دستورهای وزارت اطلاعات رژیم را بعهده گرفتند و با برنامه هایی در چارچوب طرح هدفمند بی تفاوت کردن مردم به سوی برنامه های بی محتوا و به دور از مسائل مهم و سیاسی ایران زمینه ساز کج راه شدند تا با تبلیغ در افکار مردم ساده اندیش به آنان تلقین کنند که بیابیم با سیاست کاری نداشته باشیم و تنها به رقص و آواز و ابتذال لس آنجلسی دلخوش باشیم البته اینجا باید اشاره ای هم به حضور شخصی به نام «ذاکری» داشته باشیم که در برنامه های مختلف تلویزیونهای سیاسی در لس آنجلس و همچنین وب سایت خویش رسماً و با ارائه مدارکی اعلام کرد علیرضا امیر قاسمی و حمید شب خیز مبالغی حدود چند میلیون دلار از رژیم اسلامی دریافت کرده اند او حتی از اشخاصی در لندن نام برد که واسطه رژیم در امر شستشو پولهای قاچاق رژیم هستند که در این رابطه هیچ یک از این افراد که ذاکری نامشان را اعلام کرد نه تکذیب کرده اند و نه حتی اعلام جرم علیه او نمودند.

کانال ارتباطات تلویزیونهای مورد حمایت

تلویزیونهایی که تعطیل شده اند یا کانالهایی فحاش و شازلاتان که گردانندگان آنان کلاهبرداری سابقه دار هستند که یکی از آنان در لندن صاحب پرونده ای قطور

**طرح و بازی دو جناح بودن رژیم
در خارج از کشور هم اجراء
شد
تلویزیونهای سیاسی و**

از کلاهبرداری و دزدی و خیانت در امانت است که اگر لازم باشد با نام مشخصات کامل آن را معرفی خواهیم کرد که در اینجا اینها مورد بحث نیستند

رژیم جمهوری اسلامی که با راه اندازی کانال های ماهواره ای ۲۴ ساعته به نام جام جم قصد جذب و به دام انداختن ایرانیان فراری در خارج از کشور را داشت حدود ۵ سال قبل از کانالهای ایرانی در لس آنجلس به راه افتاد ولی به دلایل عقب ماندگی فکری و قوانین من درآوردی حکومتی نتوانست در جذب ایرانیان موفق عمل کند و عملاً طرح شبکه تلویزیونهای جام جم رژیم با شکست کامل و مفتضحانه ای روبرو شد و اگر در سال ۲۰۰۰ یعنی آغاز کار کانالهای تصویری از لس آنجلس نبود و شرف و انگیزه را در ایرانیان تقویت نمی کرد جام جم رژیم چه بسا سالها پیش به تعطیلی رسیده بود ولی به یک باره گشودن دریچه ای تصویری با حضور چهره هایی که آن زمان با رژیم زد و بندی نداشتند و تلویزیون پارس با جبهه گیری در برابر رژیم و حرف های رادیکال باعث

مهندس شجره مدیر تلویزیون پارس در لس آنجلس در آمریکا برای نخستین بار از طریق ماهواره برنامه های این شبکه را با هدف پوششش قرار دادن سراسر آمریکا به اجرا درآورد و پس از آن ضیاء آتابای همکار و شریک مهندس شجره با تلویزیون ان آی تی وی این حرکت را ادامه داد بدون اینکه اطلاع از رسیدن این تصاویر به ایران داشته باشند

یک تماس تلفنی از ایران که بیننده ای موفق شده بود تصاویر تلویزیونی را مشاهده کند امضائی پای حرکتی تاریخی نهاد که اعلام ارتباطی جهانی میان میلیونها ایرانی در سراسر جهان بود.

و سپس هر روز سر و کله تلویزیونی از راه رسید تا جایی که امروز نزدیک به ۴۰ کانال تصویری ۲۴ ساعته جهانی در صحنه ارتباطات وجود دارد.

در تقسیم بندی این کانالها می توان به سه گروه اشاره کرد.

گروه اول : کانالهای مستقیم و اعلام شده رژیم مانند جام جم یک و دو ، ایرانیان، سحرقرآن

تلویزیونهایی که به طور رسمی با رژیم همکاری دارند مانند : مهاجر، هما، ایران موزیک ، پرشیا ،

گروه دوم : تلویزیونهایی که خود را غیر سیاسی می نامند مانند:

تلویزیون ایران با ۴ کانال ۲۴ ساعته متعلق به شخصی به نام حمید شب خیز

تلویزیون تپش با سه کانال ۲۴ ساعته متعلق به شخصی به نام علیرضا امیر قاسمی

تلویزیون جام جم لس آنجلس متعلق به کوروش بی بی یان

تلویزیون کانال یک متعلق به شخصی به نام شهرام همایون

تلویزیون دیدار متعلق به شخصی به نام مظاهری

تلویزیون امید ایران متعلق به شخصی به نام نادر رفیعی

تلویزیون آی پی ان متعلق به شخصی به نام مهران عیدی شاه

تلویزیون پی ام سی

گروه سوم : تلویزیونهای سیاسی

تلویزیون پارس با مدیریت مهندس امیر شجره

تلویزیون مقاومت متعلق به شورای مقاومت ملی «سازمان مجاهدین خلق»

تلویزیون کانال جدید متعلق به کمونیست

های راه کارگری جناح چپ

تلویزیون ترک زبانان

پرداخت .

او با تلویزیون پارس به مدیریت مهندس شجره امکان حضور تصویری یافت و در مدتی که با تلویزیون پارس همکاری داشت از نقش یک مجری به قالب بازار گرم کن و معرکه گیری در آمد که با تقلید از شیوه و روش علیرضا نوری زاده روزنامه نگار رسوا و بد نام لندن نشین سعی در جلب توجه بیشتر مهندس شجره و به دست آوردن فضای بیشتری برای جولان خود

چگونه نزدیک به چهل کانال تلویزیونی ۲۴ ساعته چون قارچ روئید؟

بود در باره شهرام همایون و سوابق گذشته او شایعات بسیاری وجود دارد که مورد بحث ما نیست و عملکرد فعلی او در گرداندن یک کانال ۲۴ ساعته مورد نظر است شهرام همایون با سبک و سیاق هیاهو سازی فلسفه انحرافی مرغ اول بود یا تخم مرغ همیشه سعی در پیشبرد اهداف خاص خود دارد آنچه بعضی شک ها را در مورد او به یقین تبدیل می کند اصرار و پافشاری او در نزدیکی

آغاز کار تلویزیونهای ۲۴ ساعته در سراسر جهان با یک تلفن از ایران رسمیت یافت

که نمونه های آن را در شبکه های تلویزیونی ایرانی : طپش : آی پی ان ، دیدار و امید ایران می بینیم.

حضور پر دامنه کانالهای غیر سیاسی با درآمد های کافی عرصه را بر شبکه های سیاسی تنگ کرد تا جایی که چند کانال سیاسی یا تعدیل و یا تعطیل کردند که آزادی. ان آی تی وی و لحظه از جمله تعطیل شدگان هستند کانال یک تحت سرپرستی شخصی به نام شهرام همایون که قبل از ظهور این شبکه ها در مجله تهران در لس آنجلس حضور داشت و هرگز در آن نشریه مقاله ای سیاسی علیه رژیم دیده نشد و حتی به نوعی از رفتن هنرمندان به ایران و گذشتن از خط ممنوعه با رژیم دفاع هم میکرد که نمونه آن به بازگشت هنرپیشه تئاتری به نام ژيان بر می گردد که شهرام همایون با دلایلی از جمله شکم را باید سیر کرد به توجیه عمل این هنرپیشه



رژیم در دویی وصل شد که زیر پوشش آگهی های تبلیغاتی به ظاهر باعث تقویت مالی این کانالهای غیر سیاسی و حتی بعضی کانالهای به ظاهر سیاسی شدند هر چند بعضی کانالهای غیر سیاسی دامنه فعالیت هایشان به داخل کشور هم رفت و نمایندگان این شبکه های لس آنجلسی در ایران جولان هم می دهند گزارش مصاحبه و خبر هم تهیه می کنند و زیر پوشش امنیتی رژیم قرار دارند

مجله رنگارنگ حرف اول مطبوعات ایرانیان در خارج از کشور است

چون پول پشت پرده ای نمی گیریم از محل درآمد فروش و

تبلیغات ادامه راه می دهیم

نه می توانیم مجانی باشیم نه آگهی های در حد مجانی چاپ کنیم

شماره آینده مجله رنگارنگ در 100 صفحه تمام رنگی زینت بخش

منازل دهها هزار ایرانی در سراسر اروپا خواهد بود

از هم اکنون جای آگهی خود را رزرو نمائید تا پیام تبلیغاتی خود را در

معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

02087319333

سوگ آنان می نشینیم و بر مزار خالیشان اشک می ریزیم که در زمان حیات و گذران عمر مرده اند یا حداقل برای امثال من و ما مرده اند که هر یک از اینان را عزیزان و نوردیگان خود می پنداشتیم و امید به اینان داشتیم که سر پناه دوران مبارزه مان با خونخواران حکومتی باشند و با شعرها و نوشته هایشان دلمان را قرص پاهایمان را محکم و اراده مان را استوارتر سازند و لی حکومتگران ویرانگر حتی این عزیزان ما را نیز دزدیدند و کفن جامعه مدنی شایادی بر قامتشان پوشاندند چه دردناک و سخت است که باید شاهد لبخند پلید و شیطانی فرزندان خمینی بود که با دزدیدن یاران سابق ما فخر می فروشند.

ایکاش سیمین خام شعری هم بر حال ما سوخته دلان بسراید.

این نوشته ۸ سال پیش بچاپ رسیده

نئونازی های آلمان

پشت پرچم اهدائی

سفارت جمهوری اسلامی

عکس زیر را خبرنگار اشپیگل از جمع ۶۰۰ نفری اعضا و هواداران حزب نژاد پرست ان . پ. د آلمان تهیه کرده است . خبرنگار از تعریف و تمجید نژاد پرست های آلمانی از محمود احمدی نژاد و از جمهوری اسلامی. توسط نازی های آلمانی می نویسد. آن ها احمدی نژاد را فردی طرفدار هیتلر. ضد یهودی و ضد کمونیست می دانند.

در ششماه گذشته ۲ نفر از مهاجرین افریقائی در آلمان بدست نژاد پرست هایی که اکنون طرفدار احمدی نژاد شده اند کشته شده اند و شمار زیادی مجروح. هفت سال پیش راستگرایان نژاد پرست آلمان. با پرتاب کوکتل مولوتف به درون خانه یک خانواده ترک و مسلمان اعضای این خانواده را به آتش کشیدند تا برای خود شهرتی جهانی کسب کنند. آنهایی که احمدی نژاد می گوید به سفارت جمهوری اسلامی در آلمان مراجعه کرده و خواهان پرچم جمهوری اسلامی بودند تا بنفع تیم فوتبال ایران شعار بدهند. همینها

پیکر در هم دریده پروانه را دیده اید؟ شاید بد نباشد از زنی دیگر پرسید که او هم مدعی مبارزه در راه آزادی است ولی از طریق حکومتی و دولتی ولی هر چه باشد زنی است که با احساس و عاطفه و متاثر از آنچه در اطرافش می گذرد سیمین خام بهیهانی سخت تحت تاثیر دیده های خویش است و این تاثیرات احساسات او را بر می انگیزد و قلم عاطفه را بر سینه چاک کاغذ می دواند وقتی پاسداران پای از دست داده را می بینند که جان و اعضای بدن خود را از دست داده اند تا بر بال اعتقادات این جوانان راستین مشتی آخوند جلاد حکومت کنند سیمین خام برایشان شعر می سراید که خطری هم ندارد آخوندها هم که بدشان نمی آید دل نازک سیمین خام حتی طاقت ندارد شاهد گرفتاری ظاهری وزیر ارشاد آخوندی باشد و با دلواپسی ولی خسین و افتخار از مهاجرانی قدر دانی می کند که وزارتش را بخطر انداخته است!؟

سیمین خام حساس و پر احساس و عاطفی در هلاک دانشجوی بی پناه به فاطمه زهرا پناه می برد و شعر نامه ای در خلسه ای روحانی می سراید. سیمین خام یدک کش بخشی از بار فرهنگی : ادبی کشور ماست و الحق هم شعر خوب می سراید اگر پیکر پاره : پاره پروانه را به دست دژخیمان اسلامی دیده بود دچار هیچ احساسی نشد حتی به عنوان یک زن که همجنس مظلوم و قهرمانش را دریده باشند؟ امکان ندارد سیمین خام سکوت کرده باشد شاید هر در ایران نبوده است و برای ماموریت های فرهنگی و ادبی به خارج آمده بوده است و به ضیافت توده ایهای انجمن سخنی دعوت شده بوده است ؟ چه باید کرد؟ اگر باید همانگونه که به پروانه های سوخته در پای آتش عشق آزادی بالید با سیمین خامها چه باید کرد؟ اگر باید به هر دو نازید پس انصاف و مروت چه خواهد شد ؟ حداقل ای کاش سیمین خام شعری هم برای پروانه می سراید. ایکاش: لعنت بر این ایکاش ها. ایکاش خنجری گلی روی زبان نا آرام ما را هم بدرد یا به تیر غیبی از سوی سربازان گمنام امام زمان گرفتار شوم تا بیش از این شاهد مرگ عزیزانی نباشیم که ظاهرا زنده اند ولی هر روز ما به



سیمین خام شعری هم برای پروانه بسرایید



در غسلخانه بهشت زهرا هیچکس جرات آن را نداشت که نگاهی به پیکر دریده شده و پاره : پاره پروانه فروهر بیندازد. پیکری که وحشیانه ترین مسلخ جامعه مدنی با دهها ضربه دشنه ماموران امام زمان متلاشی شده بود متعلق به شیر زنی بود که با شهامت و دلیری اعلام میکرد در کشورش آزادی و قانون وجود ندارد و زنان فاقد هر گونه امنیت قانونی هستند و همفکرانش در به قدرت رساندن خمینی مقصر بوده اند و اشتباه کرده اند.

پیکره در هم دریده شده پروانه فروهر چون درفش کاویانی سند سرافرازی و افتخار همه زنان ایران است که سبیل و الگویی تاریخی است که نشان دهد مبارزه برای آزادی را در پس پستوی خانه نمیتوان کرد باید جان بر سر میثاق و اعتقاد گذارد.

جمهوری اسلامی در دوران حکومت خانی جنایات بیششماری مرتکب شده است که حتی در اوج قساوت های خونخوار جماران نیز سابقه نداشته است ولی کشته شدن فروهرها بخصوص پروانه حکایت دیگری است . چهل و چند ضربه بیرحمانه خنجر بر سر و گلو و سینه و پشت پروانه اوج کینه و خشم و نفرت دیو صفتان اسلامی را نشان می داد که پروانه چه خونی بر جگر این پست فطرتان زمانه کرده بوده است که چنین حیوان صفت به او یورش برده بودند.

چهل سال مبارزه در راه آزادی و بابت هر سال ضربه ای دشنه!

از آنان که در ایران بوده اند باید پرسید آیا شما



خمینی :

هر کس بر عقیده اش در زندان ایستاد اعدام کنید!!



ساکت بوده ایم اگر بدانیم حکومت عدل علی خمینی و فرزندانانشان چگونه جگر گوشه های سلحشور و مقاوم و دلیر کشورمان را : چگونه پیکره های پاکشان را با گلوله سوراخ : سوراخ کردند احساس حقارت و کوچکی در مقابل عظمت روح بزرگ کشته شدگان وطن می کنیم و از خود خواهیم پرسید اگر آن دخترکان ۱۵ ساله که زیر ضربات شلاق و کابل های کشنده دژخیمان خمینی ایستادند و پیکر پاکشان غرق در خون و درد شد ایرانی بودند پس ما چی هستیم؟ وقتی آنان را به جرم آزادیخواهی در صف های طویل در برابر جوخه اعدام قرار می دادند و تنها شرط نجات را توبه نامه قرار می دادند و آنان با پوزخند به جلاد به استقبال مرگ می رفتند تا آزادی نمیری و سرود ای ایران سر می دادند ما کجا بودیم ؟ و چه می کردیم؟ تاریخ روزی نه چندان دور بر قضاوت این دوران خواهد نشست و وجدانهای آگاه مردمان جهان خواهد دانست بر سر متجاوز از ۱۵۰ هزار نوجوان و جوان سرافراز ایرانی در زندانهای مخوف خمینی چه آمده است و انگاه از خود خواهد پرسید پس بقیه ایرانیان در برابر این جنایات چه کردند؟ آنان چگونه توانستند شاهد چنین جنایاتی هولناک در کشورشان باشند و سکوت کنند؟ حکومت خون و جنایت خمینی هنوز نفس می کشد زندانهای مخوف او هنوز هزاران آزادیخواه و مبارز را در خود جای داده است و هر نیمه شب فرزندان دلیر ایران زمین در خون خود می غلتند و هنوز ما در تدارک بهتر گذراندن روزهای خود هستیم و برنامه ریزی برای سفر به وطنی که اگر روزی زمینهای گورهای دسته جمعی قتل های خمینی دهان باز کند صدها هزار چشم مهربان از درون گورها به ما خواهند گفت ما به خاطر شما کشته

عاشق وطن را با گلوله های سربی درید و خون پاکشان را بر زمین ریخت تا نماینده حکومت عدل علی باشد؟ دختران نا بالغ و نوجوان و جوانی که در دستگیری گروهی بدون تشخیص هویت آنان تنها و با چند سوال و جواب ابتدایی با فرمان خمینی به اعدام محکوم می شدند ولی قبل از آن مورد تجاوز سربازان امان زمان زندانهای حکومت خمینی قرار می گرفتند . ۲۷ سال در کشورمان جنایات به وقوع پیوسته و کماکان ادامه دارد که هرگز نخواستیم حتی بدانیم چه بر سرمان گذشته است چون اگر واقعیتها را بدانیم شرمنده و شرمسار وجدان خویش خواهیم شد که چگونه

سال ۶۷ در ایران سال خون و شهادت است سالی است که بشریت بر پرونده های تاریخی خود لکه ننگی را به نام خونخواری به نام خمینی نوشت قتل عام زندانیان سیاسی در محاکماتی ۳۰ ثانیه ای و سپس حکم اعدام آن هم برای پاک ترین : شریف ترین و مقاوم ترین جوانان ایرانی چه نا جوان مردانه و رزیدانه بود. برگ ریزان وحشیانه حکومتی که خود را نماینده الله می دانست و می خواست تشابه سازی کند به دورانی که اینان ادعا دارند علی امام اول شیعیان در جنگ خندق آن قدر انسان کشت تا خون به رکاب اسبش رسید و خمینی هم با شقاوت و بی رحمی دهها هزار قلب پر شور و

دبستان ایرانی البرز

(با کادری مجرب و آشنا به امور تعلیم و تربیت در خدمت جامعه ایرانی)

فرزندان خود را با زبان و فرهنگ ایرانی آشنا سازیم

Tel :

020 84555314

07903550147

Address:

**Hendon School, Golders Rise
London NW4 2HP**

تنوع کلاسها از آمادگی تا GCSE

(۳ سال به بالا)

ساعت کلاسها از ۱ الی ۴ بعد از ظهر روزهای شنبه

انگیزه های دل برای بچه دار شدن



از پیری را آشکار میسازد. نگرش والدین سوء استفاده گر و خودخواه به فرزندانشان.

۷ - بارداری و زایمان از تجارب زندگی هستند: بهتر است از این تجارب خودخواهانه صرفنظر کرده و از سایر تجارب زندگی لذت ببرید.

۸ - بدون فرزند ارکان خانواده سست میگردد: نشانگر عدم امنیت اجتماعی در فرد است. بهتر است با ارتباطات دوجانبه موثر روابط خود را استحکام بخشید.

۹ - جبران مشکلات کودکی: این افراد آرزوها و تخیلات سرکوب شده خود را با بچه دار شدن و با برآورده ساختن تمام نیازهای فرزندشان (در واقع نیازهای کودکی خودشان) تسکین میبخشند. در واقع قصد دارند الگوی یک پدر و یا مادر خوب را به جامعه و اطرافیان خود نشان دهند.

۱۰ - افتخار آفرینی کاذب: این گونه افراد فرزندان خود را مجاب میکنند تا به دانشگاه رفته و مدرک تخصصی دریافت کنند و یا به ورزش و یا فعالیت دلخواه خودشان بپردازند و مایه مباهات آنان گردند. مختص افراد بی کفایت که خود قادر به انجام کاری نیستند.

۱۱ - زنده نگه داشتن نام خانوادگی: و یا ترس از انقراض نسل. یک نوع تفکر ساده لوحانه و متکبرانه.

۱۲ - کنجکاوی از ظاهر و چهره فرزند: میخواهند بدانند فرزندشان چه شکلی خواهد بود. خود شیفتگی و خودخواهی محض. و عدم رضایت از خود.

۱۳ - دستورات مذهبی و قومی: در واقع اطاعت بدون اندیشه از اصول تعصب آمیز. نژاد پرستانه و نامعقول میباشد.

۱۴ - همسر خواهان بچه است: حکیم رابطه و ترس از دست دادن همسر. بهتر است با افزایش اعتماد بنفس خود با آن غلبه کنید. استفاده ابزاری از فرزند.

۱۵ - می خواهیم مانند دیگران باشیم: نوعی شرطی سازی فرهنگی. عدم اعتماد بنفس و عزت نفس. ترس از طرد شدن.

۱۶ - مادر شدن آرزوی هر زنیست: تسلیم افکار عمومی شدن. برای مادر شدن نیاز به بچه دار شدن نیست کودکان بی سرپرست بسیاری منتظر مهر مادرانه شما هستند.

خود خواهی عامل اصلی در بچه دار شدن اکثر قریب به اتفاق مردم میباشد. مادر و پدر شدن کار بسیار آسانی است اما پدری کردن و مادری کردن کاری بس دشوار.

محصول رابطه جنسی لذت جویانه ممکن است به زایمان و تولد کودکی منجر گردد اما آیا همین امر کافیهست که زن و مرد دخیل در این فرایند را پدر و مادر بنامیم؟ پس بهتر است که عبارت کلیشه ای "بهشت زیر پای مادران است" را این گونه باز گویی کنیم: "بهشت زیر پای زنانیست که برای فرزندانشان مادری می کنند." هر زن بچه داری شایسته نام مادری نیست. پیش از آنکه اقدام به بچه دار شدن کنید بهتر است ببینید صلاحیت این کار را دارید یا خیر. شما می بایست از مال. دانش و بلوغ جسمی. اجتماعی و هیجانی کافی برخوردار باشید تا بتوانید نیازهای فرزند خود را از لحاظ مادی. معنوی و فکری تامین کنید. اما عملاً خلاف این قاعده عمل میگرد بطوری که افرادی که هیچ گونه صلاحیت پرورش کودک را ندارند تعداد فرزندانشان بیشتر از سایرین است! و کسانی که توانایی و صلاحیت بچه دار شدن را دارا میباشند تمایلی به داشتن فرزند از خود نشان نمیدهند. انگیزه های خودخواهانه در این رابطه را بررسی کنید:

۱ - انگیزه های زیستی و برای حفظ بقا: انگیزه ای ناخودآگاه و خمیلی میباشد که بدون تفکر صورت میگیرد. غرایز خود را کنترل کنید.

۲ - نوه آوردن برای والدین: مختص افرادی است که استقلال فکری نداشته و کماکان نیازمند تایید از سوی والدین خود میباشند. بهتر است برای خودتان زندگی کنید.

۳ - دوست داشتن بچه: نمودی از خودخواهی انسانهاست. عوض آن کودکی را به فرزند خواندگی بپذیرید. و یا معلم کودکان گردید.

۴ - به تصور برتر بودن میخواهند ژنهای خود را منتقل کنند: نمودی از خود بزرگ بینی مفرط. اگر تصور میکنید انسان باهوش و مهمی می باشید اعمال بزرگ را خودتان به انجام رسانید و آن را به نسل آینده خود واگذار نکنید.

۵ - منبع درآمد و کمک خرج خانه: استخدام ارزاترین کارگر. استفاده ابزاری از فرزندان.

۶ - کسی باشد که در دوران سالخوردگی عصای دستشان باشد: این طرز تفکر ترس

۱۷ - تبعیض جنسیت: برخی خواهان پسر و برخی خواهان دختر میباشند. نشان از استفاده ابزاری از فرزندان برای دستیابی به آرزوها و پیروی از فرهنگ و آداب و سنن متحجرانه. بهتر است قدر دان افرادی که در حال حاضر در کنارتان هستند باشید.

۱۸ - ساعت بیولوژیکی زنان: در سن ۳۰ تا ۴۰ سالگی میل جنسی در زنان افزایش می یابد. اما برقراری رابطه جنسی حتما نباید به حاملگی منجر گردد.

۱۹ - بی دلیل: افراد بسیاری وجود دارند که هیچ دلیلی برای بچه دار شدن ندارند تنها مانند چارپایان تولید مثل میکنند.

۲۰ - بارداریهای ناخواسته و برنامه ریزی نشده: سهل انگاری در استفاده از وسایل جلوگیری کننده از بارداری به علت استفاده نادرست از آنها و یا استفاده نکردن به دلایل گوناگون همچون لذت بیشتر. در کشورهای توسعه یافته سالانه ۲۸ میلیون حاملگی روی میدهد که ۵۰ درصد آنها نا خواسته بوده و ۲۶ درصد آنها به سقط جنین می انجامد. در کشورهای در حال توسعه سالانه ۱۸۲ میلیون حاملگی روی میدهد که ۴۰ درصد آنها ناخواسته بوده و ۲۰ درصد آنها به سقط جنین منجر میگردد.

یک نسل کشی پنهان و فرزندانی که بی دلیل زاده شده اند. محصول ناخواسته رابطه جنسی.

۲۱ - ترس از انگ نازآلودن: اینگونه افراد به صرف اینکه بارور بودن خود را به اثبات برسانند بچه دار میشوند. نشانه اعتماد بنفس پایین و رفتار منفعلانه.

۲۲ - بچه نمک زندگی است: برای مقابله با زندگی یکنواخت و کسالت بار خودشان. کودکان ابزار سرگرمی نیستند.

۲۳ - القاء حس بزرگ شدن: مانند افرادی که

ماهی و جفتش



پاییز برگها با هم نمی‌ریزند و سبزه های نوروزی روی کوزه ها با هم نرسند و چشمک ستاره ها این همه با هم نبود. اما باران. شاید باران. شاید رشته های ریزان با هم باریدند و شاید بخار از روی دریا به يك نفس برخاست: اما او ندیده بود. هرگز ندیده بود.

دو ماهی شاید از بس با هم بودند. همسان بودند: یا شاید چون همسان بودند. همدم بودند. گردش هماهنگ از همدمی بود. یا همدمی از گردش هماهنگ زاده بود؟ یا شاید همزاد بودند. آیا ماهی همزادی دارد؟

مرد آهنگی نمی‌شنید. اما پسندید بیاندیشد که ماهی نوایی دارد. یا گوش شنوایی. که آهنگ یگانگی می‌پذیرد. اما چرا نه ماهیان دیگر؟

دو ماهی آشنا بودند. دو ماهی زندگی در آبگیر تنگ را با رقص موزونی مزین کرده بودند. اما چگونه همچنان خواهند رقصید؟ از اینجا تا کجا خواهند رقصید؟

يك پیرزن که دست کودکي را گرفته بود. آمد و پیش آبگیر به تماشا ایستاد و پیش دید مرد را گرفت.

زن با انگشت ماهی‌ها را به کودک نشان می‌داد. مرد برخاست و سویی آبگیر رفت. ماهی‌ها زیبا بودند و رفتارشان آزاد و نرم بود و آبگیر خوش روشنائی بود و همه چیز سکون سبکی داشت. زن با انگشت ماهی‌ها را به کودک نشان می‌داد. بعد خواست کودک را بلند کند. تا او بهتر ببیند. زورش نرسید. مرد زیر بغل کودک را گرفت و او را بلند کرد. پیرزن گفت: «منون. آقا».

اندکی که گذشت. مرد به کودک گفت: «ببین

مرد به ماهی‌ها نگاه می‌کرد. ماهی‌ها پشت شیشه آرام و آویزان بودند. پشت شیشه برایشان از تخته سنگ‌ها آبگیری ساخته بودند که بزرگ بود و دیواره اش دور می‌شد و دوریش در نیمه تاریکی می‌رفت. دیواره ی روبروی مرد از شیشه بود. در نیم تاریکی راهرو غار مانند در هر دو سو از این دیواره ها بود که هر کدام آبگیری بودند. نمایشگاه ماهی‌های جور به جور و رنگارنگ. هر آبگیر را نوری از بالا روشن می‌کرد. نور دیده نمی‌شد. اما اثرش روشنائی آبگیر بود. و مرد اکنون نشسته بود و به ماهی‌ها در روشنائی سرد و تاریک نگاه می‌کرد. ماهی‌ها پشت شیشه آرام و آویزان بودند. انگار پرنده بودند. بی پر زدن. انگار در هوا بودند. اگر گاهی حبابی بالا نمی‌رفت. آب بودن فضایشان حس نمی‌شد. حباب. و هم چنین حرکت کم و کند پره هایشان. مرد در ته دور روبرو. دو ماهی را دید که با هم بودند.

دو ماهی بزرگ نبودند. با هم بودند. اکنون سرهایشان کنار هم بود و دمه‌هایشان از هم جدا. دور بودند. ناگهان جنبیدند و رو به بالا رفتند و میان راه چرخیدند و دوباره سرازیر شدند و باز کنار هم ماندند. انگار می‌خواستند یکدیگر را ببوسند. اما باز با هم از هم جدا شدند و لولیدند و رفتند و آمدند.

مرد نشست. اندیشید هرگز این همه یکدمی ندیده بوده است. هر ماهی برای خویش شنا می‌کند و گشت و گذار ساده خود را دارد. در آبگیرهای دیگر. و بیرون از آبگیرها در دنیا. در بیشه. در کوچه ماهی و مرغ و آدم را دیده بود و در آسمان ستاره ها را دیده بود که می‌گشتند. می‌رفتند اما هرگز نه این همه هماهنگ. در

اون دو تا چه قشنگ با هم.»
دو ماهی اکنون سینه به سینه ی هم داشتند و پرک هایشان نرم و موج و با هم می‌جنبید. نور نرم انتهای آبگیر. مثل خواب صبح های زود بود. هر دو تخته سنگ را مثل يك حباب می‌نمود. پاک و صاف و راحت و سبک.
دو ماهی اکنون با هم از هم دور شدند. تا با هم. به هم نزدیک شوند و کنار هم سر بخورند. مرد به کودک گفت: «ببین اون دو تا چه قشنگ با هم.»

کودک اندکی بعد پرسید: «کدوم دو تا؟»
مرد گفت: «اون دو تا. اون دو تا را می‌گم. اون دو تا را ببین.» و با انگشت به دیواره ی شیشه‌ای آبگیر زد. روی شیشه کسی با سوزن یا میخ یادگاری نوشته بود. کودک اندکی بعد گفت: «دوتا نیستن.»

مرد گفت: «اون. آ. اون دو تا.»
کودک گفت: «همونا. دو تا نیستن. یکیش عکسه که توی شیشه اونوری افتاده.»

گروه هنری ملودی

با حضور چهره های سرشناس

و محبوب لندن

آماده شرکت در کلیه مراسم

و جشنهای شادمانی شما

در سرتاسر اروپاست



Tel: 079 3032 2064

فوتبال دین و مذهب مردمان دهکده جهانی شده است

محمود سرابی



در دهکده جهانی امروز که میلیاردها انسان در قاره های مختلف زندگی می کنند و به وسیله تکنولوژی و در صدر آن اینترنت به هم وصل شده اند یک وسیله مشترک میان این انسانها باعث شده است که احساسات و عواطف، هیجان و لذت، غرور و افتخار و شکست و تلخکامی میلیاردها انسان به هم گره بخورد.

این پدیده جادویی فوتبال است که دیگر از قالب یک ورزش تفریحی و سرگرم کننده به در آمده است و بتدریج در میان انسانهای ۵ قاره جهان به صورت یک مذهب و دین پر طرفدار نمایان گشته است.

شما در کجای دنیا و کدام حرکت مذهبی، سیاسی، قومی نژادی، هنری و فرهنگی و اجتماعی را می بینید که مریدان و پیروان آن بالغ بر حداقل هشتاد درصد جهان باشند و این عاشقان شیدا با ایثار تمامی وجود خود در پای معشوق از خود بیخود شده و در خلسه ای شیرین و پر هیجان رها گردند؟

از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر و از قاره ای به قاره ای دیگر سر در پی معشوق بگذرانند؟

وقتی فوتبال با آن سرزمین سبز رنگ صد متری خود و با توپی گرد و دو دروازه چند متری آغاز گر نبردی میان نوابغ و اسطوره های این مذهب نوظهور میشود کوچه، خیابانها و شهرهای سراسر کشورها خالی از عبور و مرور می گردد و گویی در این جهان پهناور میلیاردها انسانها بر قبله فوتبال نماز نیاز برگزار می کنند و با هر لحظه حرکت شهسواران قهرمان خود به اوج نشئه گی روحی و معنوی می رسند با فتح دروازه ها مریدان و پیروان مذهب فوتبال سفری به عرشه ملکوتی دارند. فارغ از تمام غم ها و غصه ها، داشتن ها و نداشتن ها، به بی نیازی روحانی و مقدسی می رسند که شاید هیچ مذهبی قادر به ایجاد چنین فضایی نباشد که حتی در آن خاخام، کشیش و ملا و راهنما هم وجود ندارد و آنچه هست شیرینهای خونی پر تلاطم و گرم و سکر آور در وجود انسانهاست.

مذهب فوتبال چون ادیان دیگر پیامبران خود را دارد مردان مقدسی چون پله، کرایف، بکن بائر، اوزه بیو، بابی چارلتون، مارادونا، میشل پلاتینی، گردمولر، زیدان، بکهام و که در سرزمین مذهب زده فوتبال چون اساطیر مقدس پرستش می شوند

و پیروان میلیاردی آنان ستایشگر شان هستند هیچ فرقه و مرام و دین و عقیده ای در دهکده جهانی امروز نه تنها مخالف آن نیست بلکه حامی و پشتیبان و مقلد و مرید مذهب فوتبال هم هستند امروز در جهان فوتبال با هیچ حکومت، مذهبی و قدرتی مطرح نمی شود بلکه این سران قدرت و رهبران مذاهب هستند که خود را در کنار فوتبال مطرح می سازند مذهب فوتبال را باید جدی، جدی گرفت.



من هم گریه کردم



جوان ترین تیم ملی فوتبال آلمان در یک دقیقه طوفانی به ایتالیا کهنه کار باخت آلمانی ها از کم جریگی بازیکنان جوان خود ضربه خوردند و با اینکه تا دقیقه ۱۱۹ وقت اضافی بدون گل مساوی بودند با بی خیالی و بی جریگی حرفه ای منتظر سوت پایان بازی و ضربات پنالتی بودند غافل از اینکه بازی تا آخرین لحظه می تواند حادثه آفرین باشد .

یک دقیقه پایانی بازی آلمان و ایتالیا گویا ترین کلاس آموزشی فوتبال در بالاترین سطح فوتبال دنیا بود .

۶۰ ثانیه ای که نشان داد چگونه تفکرات حرفه ای یک تیم با پشتوانه تجربه و علم فنی می تواند چنان نتیجه ای غیر قابل باوری را به وجود بیاورد . یورگن کلینز من مربی جوان آلمان با بازیکنان جوانش به لیبی مربی کهنه کار ایتالیا و بازیکنان با تجربه اش باختند که اوج این نمایش خیره کننده را می توان در گل دوم ایتالیا دید که ایتالیایی ها با اینکه در کمتر از ۳۰ ثانیه یک بر سفر پیش افتادند به دنبال وقت کشی و لحظات اضطراب آور نرفتند بلکه با آگاهی از حمله های احساسی و بدون هدف آلمانیها در آن لحظات دستور کار خود را بر ضد حمله حساب شده نهادند که با گل دل پیرو مهاجم کهنه کار خود به هدف رسیدند تا نشان دهند فوتبال حرفه ای و حساب شده با حضور یک مربی بزرگ چگونه سرنوشت ساز خواهد بود

با صدای سوت پایان این بازی میلیونها آلمانی اشک ریختند اشکهایی که لحظه ای خواهد بود و در آینده ای نه چندان دور دوباره سرزمین ژرمنها به موفقیت و شادکامی خواهند رفت درس شکست مقابل ایتالیا توشه راه فردای روشن شاگردان یورگن کلینزمن است که در سیستم امتحان پس داده زندگی می کنند . من هم با میلیونها آلمانی گریه کردم ولی اشک

های من بر مصیبت و بد سراجامی سرزمینی که ۲۷ سال است همیشه بازنده است ولی نامردمانی غیر بشری با سیستمی مافیایی و کثیف شکستها را به پای ملت و پیروزی ها را به نام خود ثبت می کنند ما همیشه بازندگانی هستیم که با حضور چنین رژیمی همه گاه چشممانی اشک بار خواهیم داشت و طعم پیروزی را زمانی خواهیم چشید که این پیام آوران مرگ و نفرت گورشان را از کشور ما کنده باشند

فوتبال ایران دُبل تو خالی



اساس قدرت و بنیه تیمهای ملی از درون تشکیلات و حضور باشگاه های قدرتمند حرفه ای بیرون می آید وقتی در کشور ایران در عمل ساختار و تشکیلات واقعی منطبق بر استانداردهای جهانی وجود ندارد وقتی که زیر بنای فوتبال در هر کشوری که تعلیم و پرورش نوجوانان و جوانان است در ایران به شکل حقیقی نیست و همه چیز رو بنایی و زد و بند و کسب درآمد است نتیجه آن می گردد که طی ۲۷ سال گذشته حتی یک بار هم بر بام قهرمانی آسیا نایستیم . جایگاهی که سه دوره گذشته قبل از انقلاب متعلق به ایران بوده است هرگز حتی به فینال مسابقات نوجوانان و جوانان آسیا راهی نداشته ایم در حالیکه قبل از انقلاب عناوین قهرمانی را به آسانی درو می کردیم.

امروز فوتبال در ایران دولتی است و حرفه ای نیست سازمانها و ارگانهای دولتی به خاطر حیف و میل و چپاول و حمله به شغلها و مقامهای ورزشی در ایران کرده اند از راس سازمان ورزش تا مدیران باشگاه ها و سرپرستان تیمها همگی زیر پوشش وزارت اطلاعات هستند

باشگاه حرفه ای به تشکیلات می گویند که صاحب باشگاه و امکانات برگزاری مسابقات خود با گنجایش دهها هزار تماشاگر باشد باشگاه حرفه ای خود مسئولیت مخارج و درآمدش را بعهده دارد و از راه فروش بلیط مسابقات : تبلیغات و اسپانسر خرج و دخلش را جور می کند و استقلال و آزادی عمل در

حیطه باشگاهش را دارد ولی در ایران باشگاه ها از ارگانها و ادارات دولتی تغذیه میشوند یعنی مردم بیچاره با دادن مالیات به دولت زورگو باعث می شوند دو بار باج بدهند یک بار هم با خرید بلیط مسابقات که در پایان هر فصل بعنوان مثال هزینه های یک باشگاه هزار است و درآمدش چهل و ۹۶۰ درصد باقیمانده را سازمانهای دولتی می پردازند که ۸۰٪ این هزینه ها حقوقها و پاداشهای مدیران وزارت اطلاعاتی است

فوتبال در جمهوری اسلامی طبعی تو خالی است که گروهی ایرانی عاشق و احساساتی دارد که هرگز دلشان نمی خواهد به دنبال واقعیتها و شناخت مصیبت ها باشند و به دنبال غروری گمشده با بوق و شیپور و پرچم و رنگ آمیز در واقع شخصیت گمشده خود را گول می زنند.

فوتبال جمهوری اسلامی پارسال در میدان شیرز



بوش لندن شکست خورد

سال گذشته که تیم فوتبال جمهوری اسلامی برای چند بازی تدارکاتی به لندن آمد تیم ملی به تیم هایی می گویند که از درون سیستمی معتقد به افتخارات و تاریخ ملی آن کشور معرفی شود که متأسفانه بخاطر حضور رژیمی ضد ملی و دشمن تاریخ و هویت ملی ایرانیان تیمهای ما نمی تواند ملی باشد بلکه تیمی دولتی با ضوابط غیر استاندارد و نامتعادل است بنابر این باید توجه داشته باشیم که تفاوت تیم ملی و دولتی جمهوری اسلامی را مشخص کنیم و فرق بگذاریم در تیم ملی بازیکنان ملی هم تفاوت با بازیکنان حکومتی دارند بازیکن ملی فقط به دنبال یک هدف بزرگ است و آن سر بلندی و افتخار برای کشور و ملتش می باشد ولی ما می بینیم بازیکنانی که در قالب تیم دولتی جمهوری اسلامی حضور دارند بیشتر از هر چیز به منافع و مقاصد شخصی خود اهمیت می دهند و این روحیه فرصت طلبی و منفعت جویی به خاطر شرایط و شیوه رایج زندگی در حکومت ملایان است

دایی

مادام الامر در میدان !

دنبال آیین کاروان حسین خوانساری
ورشکسته می روند تیمی که ۲۷ سال است
زنگوله شکست با حضور جمهوری اسلامی
بر گردنش بسته شده است



و دشمنان داخلی و خارجی نسبت داد و از مقاومت و پایداری در برابر تهاجم اینان حکایت کرد در این گیر و دار بعضی ها از بی گناهی دایی برای حضور در میدان گفتند و این که اگر مربی تیم ملی نخواهد چگونه دایی می تواند همچنان بازو بند کاپیتانی بر دست و پیراهن شماره ده تیم ملی را بر تن داشته باشد گویا این حضرات یادشان رفته است که هیچ چیز در دوران جمهوری اسلامی طبیعی و عادی نیست و وقتی پياز و سیب و زمینی و هندوانه هم در ایران دارای مافیا هستند تیم ملی فوتبال که دیگر جای خود را دارد!!!!

باری دایی به لطف دست های پنهانی و امنیتی در تیم ملی کماکان خود را بر همگان خمیل کرد و برای گروهی نیز خط و نشان کشید که دمار از روزگارشان در خواهد آورد بالاخره آورد گاه بزرگ جام جهانی از راه رسید و علی دایی در حالی که باید سه - چهار سال قبل از تیم ملی کناره گیری می کرد و جا را برای جوانان شایسته و ارزشمند باز می نمود در زمین سفت و نفسگیر مکزیک گیر کرد تا صدای در و دیوار هم از حضور مردود او بند نشود حالا دایی در ادامه دهن کجی از نوع ولایت مطلقه فقیه

سال گذشته که تیم جمهوری اسلامی به لندن آمد و اردویی بر پا ساخت که زمان آن یک ماه تعیین شده بود و سه بازی تدارکاتی با باشگاه های کوئینز پارک رنجرز : میل وال و پورتموت شا در آن اعلام شده بود و حتی زمان و محل و بلیط بازیها هم تعیین گشته بود ولی در همان دیدار اول در استادیوم کوئینز پارک رنجرز واقع در میدان شپرز بوش مقابل همین تیم که در رده باشگاه های زیر گروه حرفه ای است قرار گرفت و تیم جمهوری اسلامی سه گل خورد تا معلوم شود این تیم تاب مقاومت حتی در برابر یک تیم حرفه ای رده سبی : چهلهم را هم ندارد این باخت باعث شد تا مسئولان نظام آخوندی از ترس شکستهای بیشتر و رو شدن دستشان به سرافکنندگی و خواری بقیه برنامه بازی ها و اردو را تعطیل کنند و سراسیمه به ایران برگردند و پس از آن مقدمات بازیهای دوستانه جهت آماده سازی را به فراموشی بپارند تا مبدا مقابل حریفان دیگر بازنده شوند و زیر فشار افکار عمومی مجبور شوند شغل های نان و آب دار خود را از دست بدهند و با ترفندهای مختلف زمانهای حساس و حیاتی آماده سازی تیم را فدا کردند و در هفته های آخر قبل از جام جهانی با ۲ بازی از قبل طراحی شده و دادن رشوه به حریفان اروپای شرقی مانند کرواسی و بوسنی ۲ بازی بی کیفیت و نمایشی برگذار کردند و پای به مسابقات جام جهانی نهادند.

شانس بزرگ تیم جمهوری اسلامی در این بازیها این بود که مکزیک : پرتغال و حتی آنگولا در مقابل تیم جمهوری اسلامی تیمی از توانایی های خود را که در برابر سایر حریفان به نمایش گذاردند را نشان ندادند و این سه تیم ضعیف ترین بازی های خود را در جام جهانی اخیر مقابل تیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاردند ولی با این اوصاف تنها یک امتیاز ثمره کاروانی بود که از کتک کاری و بلیط دزدی و فحاشی و بی حرمتی از سر و کله اش می بارید و هزاران افسوس به حال آن ایرانیانی که با احساساتی بدون آگاهی و شناخت به

اگر قبول داشته باشیم که انسان :فرزند عمل خود است و هر کس هرچه را بکارد همان را نیز درو خواهد کرد اولین گام را در جهت حقیقت و واقع بینی برداشته ایم و هر گاه دردسر و مشکلی پیش آید ابتدا به کردار خود می نگریم و قبل از هر چیز علت را در چگونگی روش و حرکت خود جستجو می کنیم حدود یک سال پیش در ورزشگاه آزادی تهران و به هنگام یک بازی تیم ملی فوتبال ایران در دیدارهای انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان تماشاگران یک صدا نظر خود را نسبت به وضعیت بازی و میزان آمادگی علی دایی این چنین فریاد زدند:

علی دایی حیا کن تیم ملی را رها کن
دایی چنانچه ذره ای حیا داشت باید همان هنگام از بازی در تیم ملی خداحافظی و با آبرومندی کاری می کرد تا نشان دهد که نظر و رای مردم برای او از هر چیز دیگر مهم تر و با ارزش تر است و تا آن زمان گام به میدان می گذارد که تماشاگران او را پذیرا شوند اما دایی نه تنها به نظر و خواست تماشاگران گردن نهاده بلکه به همان حربه کهنه و تکراری ولایت مطلقه فقیه آویزان شد و صدای مخالفت مردم با بازی های ضعیف در سن بالای خود را به مزدوران



تیم
مدرسه
آموزشی
فوتبال
ایران در
لندن

اهداف گوناگون

برگزاری بازیهای جام جهانی در آلمان سبب شد تا بودجه فراوانی در امر ساخت، تعمیر و تنظیم ساختار زیربنایی اقتصاد کشور اختصاص یابد. با فروش کالاهای تهیه شده مخصوص این بازیها، درآمد هنگفتی از گردشگران ورزشی بدست آمد.

سبب بالاتر رئیس فدراسیون جهانی فوتبال، فیفا درمورد برگزاری بازیهای مسابقات فوتبال جهان در آلمان که برای دومین بار در این کشور انجام شد، میگوید: دستاورد مثبت این رخداد برای آلمان این بود که این بازیها برای اولین بار در آلمانی متحد برگزار شد. مسابقات فوتبال جام جهانی موقعیتی بود برای نزدیکی شرق و غرب، حتی از نظر اقتصادی. این شرایط را فقط می توان تایید کرد و از آن ارزیابی مثبتی داشت.

آلمان اولین بار در سال ۱۹۷۴ میلادی میزبان بازیهای فوتبال جام جهانی بود.

فرانتس بکن باوئر ستاره فوتبال آلمان و رئیس کمیته برگزاری جام جهانی نیز بر این نظر است که قبل از به چرخش درآمدن توپ در مرحله نهایی این بازیها، پیروز واقعی که همان اقتصاد آلمان است، مشخص شد. او در این مورد میگوید: وزیر اقتصاد آلمان اعلام کرد که سود این بازیها به اقتصاد آلمان، حدود ۱۰ میلیارد یوروست، اما این میزان فقط سهم اقتصاد این کشور است. نباید فراموش کرد که از طریق این بازیها، نظرمردم جهان نسبت به آلمان تغییر کرد.

آلمان جهانیان را به خانه اش دعوت کرد تا برای دیدن مسابقات فوتبال ۳۲ تیم برتر جهان به این کشور بروند. این کشور هر ۱۲ استادیومی را که بازیها در آنها برگزار شد را نوسازی کرده بود. بسیاری از هتلها محل پذیرایی از گردشگران ورزشی ظرفیتشان تکمیل شده بود و کالاهای مختلفی با آرم بازیهای جام جهانی فوتبال برای فروش آماده شده بود. تی شرت، توپ و حتی رایانه های مخصوص جام جهانی بخش کوچکی از این کالاهای بودند.

۱۰ میلیارد یورو درآمد آلمان از جام جهانی

سایت خبری دویچه وله آلمان در گزارشی به بررسی درآمدهای حاصله از برگزاری مسابقات جام جهانی آلمان برای این کشور، فدراسیون جهانی فوتبال و تیمهای شرکت کننده پرداخته است و رابطه مستقیم فوتبال و اقتصاد را بررسی کرده است.

به گزارش دویچه وله هجدهمین دوره مسابقات جام جهانی فوتبال فقط رویدادی عظیم در تاریخ ورزش جهان نبود، بلکه این بازیها از نظر اقتصادی نیز رویدادی تاریخی به حساب آمد. درآمد فدراسیون جهانی فوتبال، فیفا از این دیدارها مبلغ هنگفت یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورو برآورد شده است. ۱۵ حامی مالی فیفا هریک ۳۴ میلیون یورو پرداخته اند تا اجازه تبلیغ با آرم بازیهای جام جهانی را بدست آورند.

موقعیت اقتصادی آلمان، که بزرگترین صادرکننده کالا در سراسر جهان به حساب می آید، تحکیم بیشتری یافت. کارشناسان بر این باورند که درآمد حاصل از این بازیها توانست تا ۵/۰ درصد بر رشد درآمد ناخالص ملی آلمان بیافزاید و این رقمی حدود ۳ میلیارد یورو است.

درآمد کشورهای شرکت کننده

بازیهای جام جهانی فوتبال درآمدی کلان برای کلیه کشورهای شرکت کننده به ارمغان آورد. علاوه بر پرکردن استادیومها در جریان بازیهای مقدماتی، هریک از ۳۲ تیم برتر جهان که به دیدارهای جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان راه یافته اند، ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو از فدراسیون جهانی فوتبال دریافت کردند. فیفا همچنین در آلمان هزینه هتل، خورد و خوراک و رفت و آمد هریک از ۳۲ تیم شرکت کننده را نیز به عهده دارد.

بنا بر موفقیت هریک از تیمها در دورههای مقدماتی، یک هشتم، یک چهارم، نیمه نهایی و فینال، پاداشهایی برای تیمها در نظر گرفته شده بود. مثلاً راهیابی تیمی به دورنیمه نهایی با ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار یورو پاداش همراه بود. این درحالی است که مقام دوم این بازیها مبلغ ۱۵ میلیون و ۲۰۰ هزار یورو و برنده نهایی این پیکارها ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو دریافت کرد. این پاداشها نسبت به دوره های پیشین رکورد تازه جدیدی بشمار می رود.

مدرسه آموزش فوتبال ایران

زیر نظر چهره های صاحب نام

محمود سمرایی دارای مدرک بین المللی مربیگری
از فدراسیون جهانی فوتبال FIFA

حسین خوانساری چهره صاحب نام و با دانش
دنیای مطبوعات و دارای مدرک مربیگری از
فدراسیون فوتبال هلند

خانواده های علاقه مند به شرکت فرزندانشان در
مدرسه فوتبال ایران می توانند با آقای محسن
فرجی مسئول اجرایی مجموعه تماس بگیرند

07930322064





طرفدار او هستند. علی سلطان با پولش می تواند هر مربی جدید را به بالا ببرد و یا از میان بردارد. در کشورهای مثل یونان، قبرس، چین و ایران می توان فوتبال را بیش از هر چیز یک قدرت و وسیله سیاسی دانست فوتبال در چنین کشورهایی در مرحله دوم یک تجارت و کاسبی است و در مکان سوم باید فوتبال را یک بازی با دو دروازه و یک توپ و چند بازیکن به حساب آورد

احمدی، نژاد قرمز است



پرسپولیس یکی از سه تیم پر طرفدار در آسیاست می توان شمار طرفداران پرسپولیس را بیست و پنج میلیون نفر دانست که در بعضی از مسابقات این تیم نود تا یک صد و چهل هزار نفر به ورزشگاه آزادی تهران می آیند وقتی پرسپولیس با استقلال بازی دارد نصف مردم ایران قرمز هستند و نصف دیگر آبی! احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی قرمز است!



آمریکا می دانند!

وقتی پیش از بازی به رختکن می رویم و آماده ورود به زمین می شویم همه یک تکه سنگ (مهر نما) را که روی آن چیزی نوشته شده است ماچ می کنند و به دیگری می دهند و آن گاه به میدان می روند!

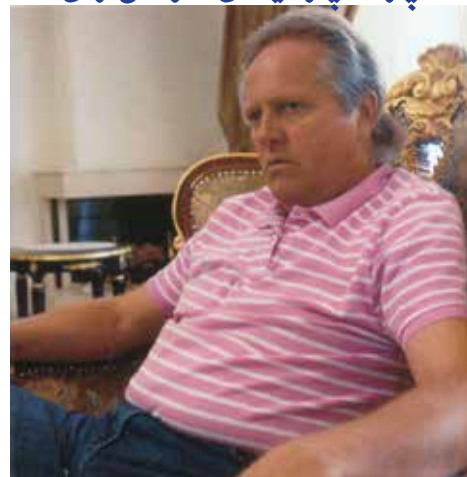
پس از تساوای صفر بر صفر با استقلال بازیکنان فقط چایی و قهوه نوشیدند و از آبجو خبری نبود اما مربیان خارجی در فوتبال ایران از همه چیز می توانند برخوردار باشند یخچال من را نگاه کنید برای رسیدن به هر چیز در ایران یک راه وجود دارد.

هیچ چیز در ایران نرمال نیست!

در اولین هفته حضورم در ایران به یک مهمانی ایرانی رفتیم میزبان یک آدم پولدار بود در آنجا همه نوع نوشیدنی (مشروبات الکلی) و غذای بسیار فراوان وجود داشت خاتم هایی که در آن مهمانی حضور داشتند از آخرین مدل لباس های اروپایی و جدید ترین آرایش ها برخوردار بودند

علی سلطان (پروین) پنج میلیون طرفدار پایین شهری دارد

گفتگوی مجله فوتبال هلند با آری هان مربی پرسپولیس در تهران



حدود شش ماه از حضور آری هان هلندی در کنار تیم قدیمی و پر تماشاگر پرسپولیس تهران به عنوان سر مربی می گذرد این بازیکن درجه اول فوتبال هلند در دهه هفتاد میلادی و مربی پیشین در کشورهای یونان، قبرس و چین در حالی با پرسپولیس به عقد قرار داد نشست که بحرانی ترین و ضعیف ترین فصل را قرمز پوش ها در لیگ ۸۴-۸۵ سپری می کردند و کار به جایی رسید که علی پروین را برای اولین بار در ورزشگاه «هو» کردند و طرفداران سینه چاک پرسپولیس خواستار کنار رفتن مرد اول این تیم در طول بیش از سه دهه شدند.

حرف های آری هان پس از زندگی چند ماهه در ایران و فوتبال سرزمین ما که در آخرین شماره ماهنامه فوتبال هلند در پنج صفحه همراه با عکس هایی جالب به چاپ رسید بسیار خواندنی و قابل تامل است حرف هایی که حتی ذره ای از آن در طول پنج سال مربیگری برانکو ایوانکوویچ در تیم ملی فوتبال ایران شنیده نشده تا شاید بدانیم که برانکو یک مربی درجه سه و از جنس جمهوری اسلامی یعنی دروغگو و فریبکار بود و آری هان در فرهنگی رشد کرده است که هر دروغگویی را افشاء و رسوا می کنند آنچه در زیر از نظراتان می گذرد چکیده و فشرده ای از گفتگوی پنج صفحه ای دو خبرنگار ماهنامه فوتبال هلند با آری هان و دستیار او «تئودیونگ» در تهران است:

در ورزشگاه های ایران تماشاگران به جای نوشیدن آبجو می توانند تخمه و آلاسگا بخورند. پس از پیروزی سه بر یک ملوان اوضاع و احوال پرسپولیس تا اندازه ای آرام و ساکت شد نمی دایم در فوتبال ایران به «آفساید» چه می گویند. مهرزاد معدنچی: بازیکن پرسپولیس در فاصله سی دقیقه بیش از شش بار در موقعیت «آفساید» قرار داشت پیروزی دو بر یک ایران بر آمریکا در جام جهانی را هنوز هم نشان می دهند و آن را پیروزی مسلمانان بر



جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان به روایت آمار و ارقام

ملي فوتبال تونس با بازی برابر اوکراین، عنوان پنجمین بازیکن مسن جام جهانی را به خود اختصاص داد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس از برلین در گزارشی به اعلام آمار و ارقامی در مورد مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان پرداخته است.

۱۷ - کافو" با حضور در ۲۰ مسابقه، به با سابقه‌ترین بازیکن برزیل در رقابت‌های جام جهانی تبدیل شد. کافو همچنین با کسب ۱۶ پیروزی در مسابقات جام جهانی، در این زمینه نیز رکورددار است.

۱۸ - گاس هیدنک" مربی هلندی، برای سومین دوره پیاپی در جام جهانی با سه تیم متفاوت به مرحله دوم صعود کرد. هلند در جام جهانی ۱۹۹۸ کره جنوبی در سال ۲۰۰۲ و استرالیا در سال ۲۰۰۶

۱۹ - کارلوس آلبرتو پریرا" سرمربی برزیل اولین مربی در تاریخ جام جهانی است که برابر تیم‌هایی از تمامی شش کنفدراسیون قرار گرفته است.

۲۰ - پریرا با حضور در مسابقات آلمان توانست با رکورد "بورا میلوتینویچ" برای شرکت در پنج جام جهانی برابری کند.

۲۱ - پریرا پس از بیستمین حضور خود در جام جهانی به عنوان سرمربی، با رکورد "ماريو زاگالو" و "بورا میلوتینویچ" برابری کرد. رکورددار این امر "هلموت شون" با ۲۵ مسابقه است.

۲۲ - دیدار تیم‌های فرانسه و اسپانیا در دور دوم، هفتصدمین مسابقه جام جهانی بود.

۲۳ - در جریان دیدار تیم‌های سوئیس و اوکراین که به ضربات پنالتی کشیده شد، کمترین تعداد گل تاریخ مسابقات جام جهانی در ضربات پنالتی به ثمر رسید. این مسابقه با نتیجه ۳ بر صفر به سود اوکراین به پایان رسید.

۲۴ - ایتالیا با به ثمر رساندن ۱۱ گل توسط ۱۰ بازیکن متفاوت به فینال رسید. فرانسه نیز در جام جهانی ۱۹۸۲ همین رکورد را به ثبت رسانده بود.

۲۵ - در جام جهانی ۲۰۰۶ به طور متوسط ۵۳۵۰ تماشاگر برای هر مسابقه در ورزشگاه‌ها حضور داشتند که این تعداد پس از جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا، در رده دوم تاریخ مسابقات جام

۹ - اوتو فیستر" سرمربی ۶۸ ساله و ۱۱۱ روزه تیم ملي توگو، دومین و "لوییس آراگونس" مربی ۶۷ ساله و ۳۳۴ روزه اسپانیا، سومین مربی مسن تاریخ مسابقات جام جهانی هستند.

۱۰ - فابین بارتز" دروازه‌بان تیم ملي فوتبال فرانسه با بسته نگه داشتن دروازه خود در چهار مسابقه از رقابت‌های این جام، به رکورد ۱۰ مسابقه بدون دریافت گل "پیتر شیلتون" دروازه‌بان انگلیس در مسابقات جام جهانی رسید.

۱۱ - تساوای تیم ملي پرتغال مقابل فرانسه در وقت اضافه، پس از ۱۱ مسابقه به روند پیروزی‌های "لوییس فیلیپه اسکولاری" به عنوان مربی در مسابقات جام جهانی پایان داد.

۱۲ - برزیل قهرمان جام جهانی ۲۰۰۲ نیز با کسب ۱۱ پیروزی پیاپی در مسابقات جام جهانی، رکورد جدیدی بر جای گذاشت.

۱۳ - جیانلوئیجی بوفون" دروازه‌بان تیم ملي فوتبال ایتالیا که به فینال جام جهانی رسیده، ۴۴۵ دقیقه بود که گل نخورده بود.

۱۴ - هوراسیو الیزوندو" اولین داوری است که هم در دیدار افتتاحیه و هم در دیدار فینال يك جام جهانی قضاوت کرده است. او پس از "بنیتو آرجوندیا" مکزیکی، دومین داوری است که در پنج مسابقه يك جام جهانی، سوت می زند.



۱۵ - آرجوندیا اولین داوری است که در پنج مسابقه در يك جام جهانی قضاوت کرده است.

۱۶ - ۱۲ کارت زرد و ۴ کارت قرمز در جریان دیدار پرتغال هلند، رکورد جدیدی را از نظر انضباطی در يك جام جهانی بر جای گذاشت.

براساس این آمار که از سوی فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) اعلام شده است:

۱ - مارکوس آلباخ" سوئدی دوهزارمین گل تاریخ جام جهانی را به ثمر رساند. این اولین گل سوئد در جریان تساوای ۲ بر ۲ مقابل انگلیس در گروه دوم مسابقات جام جهانی نیز بود. يك هزارمین گل جام جهانی توسط "رابی رنسن برینگ" از تیم ملي فوتبال هلند در سال ۱۹۷۸ به ثمر رسیده بود.

۲ - رونالدو" از برزیل پانزدهمین گل جام جهانی خود را به ثمر رساند تا با يك گل اختلاف نسبت به رکورد "گرد مولر" آلمانی به برترین گلزن تاریخ این مسابقات تبدیل شود.



۳ - سوئیس اولین تیمی بود که بدون پذیرفتن حتی يك گل از جام جهانی حذف شد. این تیم در دور دوم مسابقات جام جهانی با شکست مقابل اوکراین در ضربات پنالتی حذف شد.

۴ - ریکاردو" دروازه‌بان تیم ملي پرتغال، اولین دروازه‌بانی است که در يك جام جهانی سه ضربه پنالتی را گرفته است.

۵ - تیم ملي آلمان تنها تیمی است که کار آن در چهار مسابقه جام جهانی به ضربات پنالتی کشیده شده و در تمامی آنها به پیروزی رسیده است.

۶ - لیونل مسی" با ۱۸ سال و ۳۵۷ روز سن، با به ثمر رساندن ششمین گل آرژانتین مقابل صربستان و مونته‌نگرو به پنجمین گلزن جوان تاریخ مسابقات جام جهانی تبدیل شد.

۷ - یحیی گل محمدی" از ایران هم پس از گلزنی مقابل مکزیک در روز ۱۱ ژوئن ۳۶ سال و ۸۴ روز سن به پنجمین گلزن مسن تاریخ مسابقات جام جهانی تبدیل شد.

۸ - علی بومنیل" بازیکن ۴۰ سال و ۷۱ روزه تیم

تب فوتبال پس از سالها به کشور ما باز گشته است



پاریس: ناصر امینی
دبلمهات پیشین

بولی جمع کردند و یک بلیط رفت و برگشت برای او خریدند تا بتواند همراه تیم ملی فوتبال رهسپار آرژانتین گردد. محل بازی های جام جهانی در شهر کوردوبا پانصد کیلومتری پایتخت آرژانتین بود در آن سال تیم ایران در گروهی قرار داشت که هلند و اسکاتلند و پرو در آن بودند تیم ملی فوتبال ایران از هلند دو بر صفر شکست خورد با اسکاتلند یک بر یک مساوی کرد و چهار بر یک به پرو باخت با اینکه نتیجه این مسابقات درخشان نبود ولی صدای بوق محمد بوقی و شعارهای ایران . ایران او تمام تماشاگران را تحت تاثیر قرار داده بود این روزها باز هم فوتبال خبر اول ایرانی ها شده است و انتخاب ایران برای بازی در جام جهانی که در آلمان برگزار شد مهم ترین خبر روز بود هموطنان ما چه آنها که دستشان به جیب شان می رسد و در تلاش تهیه بلیط و بستن چمدان برای دیدن این مسابقات از نزدیک هستند و چه آنها که شوقشان را به جعبه جادویی تلویزیون منحصر کرده اند همه و همه امیدوارند که شاهد صحنه های پر شوری از بازی بچه های فداکار فوتبال ایران باشند..... ولی به راستی جای محمد بوقی در آلمان خالی بود

فوتبال ایران : بعد از انقلاب

تابستان سال ۱۹۹۸ تیم فوتبال ایران برای بازی در جام جهانی وارد فرانسه شد هزاران ایرانی برای تشویق فوتبالیست ها از شهرهای مختلف اروپا به پاریس آمدند و مسابقه فوتبال ایران و آمریکا را که به شکست آمریکا و پیروزی تیم ملی ایران منتهی شد با شادی و شغف دیدن کردند. در این مسابقه جای محمد بوقی خالی بود بعد از انقلاب او را به جرم طاعتی بودن بعدا به

هواداران همان تیم به تشویق بازیکنان می پرداخت و آن وقت که تیم ملی ایران در مسابقه ای شرکت داشت محمد بوقی سنگ تمام می گذاشت و بوق او که گاهی تعدادش از ده تا تجاوز می کرد ولوله ای در استادیوم امجدیه و بعدها صد هزار نفری بر پا می کرد و الحق در ایجاد طوفان هیجان تماشاگران و در نتیجه تشویق بازیکنان ایران سهم ارزنده ای پیدا می کرد.

من که سالها در خارج از کشور بوده ام و بعنوان تماشاچی اکثر مسابقات را تعقیب می کرده ام و انواع و اقسام تشویق هواداران را اغلب از نزدیک دیده ام کمتر به تشویقی از نوع کار محمد بوقی برخورد داشته ام شاید هم وجود داشته است و من آگاه نبوده ام ولی به هر حال برنامه کار او سخت خاطره انگیز و کار ساز به نظر می رسید در تابستان سال ۱۹۷۸ بیست و هشت سال قبل که تیم ملی فوتبال عازم آرژانتین بود محمد بوقی ماتم گرفته بود که وضع مالی اش به او این اجازه را نمی دهد که بتواند بلیط هواپیمای تهران بوئیس - آیرس را خریداری کند و فدراسیون فوتبال نیز مجوزی برای دعوت از او نداشت و چون هر چه روزهای حرکت تیم ملی نزدیک تر می شد غم و افسردگی محمد بوقی افزایش می یافت سرانجام طرفداران فوتبال همت نشان دادند و



فوتبال ایران در رژیم شاهنشاهی
تب فوتبال پس از سال ها به کشور بازگشته و باز ایرانی ها فریادهای فرو خفته در حنجره خویشان را به بهانه فوتبال سر می دهند..... فوتبال در سالهای قبل از انقلاب دلخوشی جوان ها ، پیرها ، زنان و مردان کشور ما بود دسته و گروهی تیمی را برگزیده بودند و برای پیروزی آن تیم شادی می کردند البته در آن سال ها اگر هم گرایشهای سیاسی در غالب طرفداری از تیم های فوتبال بروز میکرد و عملا آنها که طرفدار نهضت ملی دکتر مصدق بودند به نوعی از تیم شاهین طرفداری می کردند و حمایت از این تیم نشانی از ملی گرایی داشت و یا بغض و نفرتی که در جامعه نسبت به تجاوزات اسرائیل بروز کرده بود به هنگام پیروزی تیم ایران بر اسرائیل این احساسات مجال بروز و ظهور پیدا کرد و مردم شادی ها و پایکوبی ها کردند و به خیابان ها ریختند که هنوز خاطره آن در ذهن چهل ساله های آن زمان وجود دارد

جای خالی محمد بوقی

یکی از سمبل های فوتبال داغ آن روزها چهره دوست داشتنی محمد بوقی بود که با تعدادی بوق در جایگاهی که متعلق به تیم محبوبش بود می نشست و به همراه دیگر هواداران با نواختن بوق های متد و توام با دست افشانی

SAB & CO

SOLICITORS

365 Walworth Road
London SE17 2AL
Tel: 020 7701 8026/8792
Fax: 020 72526370

رضا سبزواری

وکیل شناخته شده در خدمت جامعه ایرانیان

عضو کانون وکلای متخصص در امور

خانواده با بیش از ۱۷ سال سابقه

و همچنین امور قانونی خرید و فروش

املاک و مستغلات

از پذیرش هر گونه تقاضای Legal Aid پوزش می طلبیم



کشورها مرزی نباید وجود داشته باشد و ورود انسان به هر نقطه ای از جهان باید آزاد گردد.

رهنمودهای احمدی نژاد

روز جمعه بیست و سه ماه ژوئن اعضای تیم فوتبال ایران و رئیس فدراسیون و همراهان به تهران بازگشتند بیش از ده هزار نفر از ایرانیان مقیم اروپا به تشویق بازیکنان در شهرهای مختلف آلمان پرداختند و میلیون ها نفر در سراسر جهان بازی آنها را مشاهده کردند تیم ایران با یک امتیاز کوچک حذف شد ولی شرکت در این مسابقات برای همه آموزنده بود روز هفتم ماه ژوئن قبل از عزیمت تیم فوتبال به آلمان و شرکت در بازی های جهانی آقای احمدی نژاد رئیس جمهوری که ظاهراً علاقمند به فوتبال است با فوتبالیست ها دیدار کرد و سایت های خبری رهنمودهای او را پخش کردند که خلاصه آن مضمون به متن چنین است :

احمدی نژاد _ به من بگو دروازه چند متر است ؟ قطر توپ چقدر است ؟

جواب یکی از فوتبالیست ها: آقای دکتر از مربی بپرسید

مربی گفت دروازه هفت متر و بیست و دو سانتیمتر و قطر توپ بیست و پنج سانتیمتر است

احمدی نژاد : توپ تا سی متر در ثانیه می ره توپو که می شوته بسته به طرف شوته از چهل متری می شه زد از گوشه بزین نفهم از کجا خوردن خودت ندو توپو بدو حریفو بدرون بگید یا محمد بزنید تو دروازه.

با این رهنمودها بود که تیم فوتبال ایران عازم آلمان شد

در فوتبال اگر نیروی بدنی و تکنیک بازی اهمیت فراوانی دارد مثل هر کار دیگری روحیه بالا و عزم و فداکاری نقشی بسیار موثر ایفاء می کند انشاء الله روحیه بچه های فوتبال ایران هرگز افسرده نشود که این افسردگی بر روحیه میلیون ها ایرانی اثر شکننده ای باقی خواهد

مذاکراتی به عمل آید و تصمیماتی اتخاذ گردد. سال گذشته بیش از چهار صد هزار نفر افریقایی و آسیایی به کشورهای اروپایی پناه آورده اند و اروپا برای جلوگیری موج روز افزون این آواره ها تصمیم دارد مقررات جدیدی با کنترل بیشتری در مرزها تصویب نماید تا جلوی ورود غیر قانونی آنان گرفته شود از آنجا که برگزاری کنفرانس درست مصادف با ساعات پخش مسابقات فوتبال بین تیم های انگلیس و برزیل . امریکا و آلمان بود شانسلیمه آلمان گرار شرایدر و تونی بلر در اتاق های جنب تالار کنفرانس با هیجان مسابقات را از تلویزیون تماشا می کردند صحنه دیدنی پیروزی آلمان بر امریکا بود که شانسلیمه آلمان فریاد کشان مانند فنر از جا پرید و آنقدر ابراز احساسات کرد که سران سایر کشورها به او تبریک گفتند در این انفجار شادی بود که او گفت من به تیم کشورم افتخار می کنم.

شکست تیم فوتبال انگلیس از برزیل تونی بلر نخست وزیر انگلیس را آنقدر افسرده کرد که نزدیک بود از شدت ناراحتی همانند دهها هزار انگلیسی که در میدان ترافالکار انگلیس گرد آمده بودند گریه کند به این ترتیب کنفرانس سران اتحادیه اروپا در روز اول به یک مرکز ورزشی



تبدیل شد.

خوزه ماریا آرناس نخست وزیر اسپانیا که ریاست دوره ای کنفرانس سران اتحادیه اروپا را عهده دار بود چون مایل بود شخصا مسابقه فوتبال کشورش را به جمهوری کره ببیند لذا تشکیل جلسه دومین روز را با تاخیر آغاز کرد و از آنجا که اسپانیا بازی را به کره باخته بود او هم مانند تونی بلر برای اداره جلسه کنفرانس دل و دماغی نداشت علی الخصوص که با پیشنهاد او مبنی بر وضع مقررات جدید که محدودیت هایی را برای ورود و اقامت شامل می شد با مخالفت فرانسه - لوکزامبورگ - سوئد روبرو گردید. در این کنفرانس سران اتحادیه اروپا در خصوص گسترش این اتحادیه - بحران هند و پاکستان - عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های متعلق به فلسطین - لروم مبارزه علنی پاکستان علیه تروریسم مذاکراتی به عمل آوردند و ضمن دستیابی به توافق هایی کنفرانس به کار خود پایان داد ظرف دو روزی که کنفرانس ادامه داشت دهها هزار نفر از اتباع کشورهای اروپایی در شهر سویل دست به تظاهرات وسیع زدند و ضمن مخالفت با تشکیل این کنفرانس معتقد بودند که بین

جرم حکیم رژیم پهلوی خانه نشین کردند و به او اجازه ندادند پا به ورزشگاه ها بگذارد که در حقیقت عبادتگاه او بود و با بوق های خود جز ایران: ایران سخنی دیگر نمی گفت . محمد بوقی چند سال قبل فوت کرد و علاقمندان به فوتبال به خصوص طرفداران تیم پرسپولیس را عزادار نمود قبل از اینکه تیم فوتبال ایران عازم فرانسه شود در روزنامه ها نوشته بودند علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی به مسئولان سازمان تربیت بدنی : فدراسیون فوتبال و نوزده نفر اعضای تیم فوتبال ایران که به دیدن ایشان رفته بودند گفته است : در میدان گناه و فساد خود را حفظ کنید (ملاحظه فرمائید که ریاست مجلس زمین چمن را که در آن فوتبال بازی می کنند میدان گناه و فساد می نامد) مراقب باشید لبخند یک زن و دختر باعث لغزش شما نشود شما همان اندازه که دوست دارید دشمن هم دارید اینکه مردم شما را تحویل می گیرند باعث غرور شما نشود. رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان سخنان گوهر بار خود به فوتبالیست ها توصیه کرد باید در غذا خوردن و رفت و آمد ها دقت بیشتری داشته باشید (لا بد منظور ریاست مجلس این بود که هنگام غذا خوردن به جای استفاده از کارد و چنگال با دست غذا بخورید که نوش جان گردد!)

خدا را صد هزار بار شکر که سه ستاره فوتبال ایران یعنی علی دایی ، خدا داد عزیزی و کریم باقری به علت عقد قراردادهای چند میلیونی خود با دو باشگاه آلمانی نتوانستند در این شرفیابی خداحافظی حاضر باشند و رهنمودهای خدا پسندانه رئیس مجلس را آویزه گوش کنند در خبرها بود که باشگاه چلسی انگلستان یک فوتبالیست ایتالیایی به نام زولا را به هفت میلیون و نیم دلار خرید و تیم فوتبال اینتر میلان : رونالدوی برزیلی بیست و یک ساله را به سی و پنج میلیون دلار خرید تا در مسابقات جام جهانی فرانسه جزء تیم ایتالیا بازی کند

زهر خند تلخ روزگار در این است که در کشور ورزش دولت ما یک روضه خوان اندک مایه به این ستارگان دنیای ورزش که برای جابجایی آنها از یک تیم به یک تیم دیگر میلیون ها دلار می پردازند درس غذا خوردن می دهد!!! خدا به این ملت رحم کرد که حجت الاسلام و المسلمین ناطق نوری که تنها رقیب انتخاباتی خاتمی برای ریاست جمهوری بود انتخاب نشد اگر او امروز رئیس جمهوری ایران بود دستور می داد در زمین های چمن فوتبال سراسر کشور ایران هندوانه بکارند!

فوتبال و سیاست

صبح روز جمعه بیست و یکم ماه ژوئن کنفرانس سران اتحادیه اروپا در شهر سویل اسپانیا تشکیل شد قرار بود در این گرد همایی سران پانزده کشور اروپایی در خصوص مبارزه با کشور مهاجرت غیر قانونی پناهندگان

گزارش جواهرفروشی مظفریان در دبی



و بهاره مظفریان (مدیر جواهر فروشی دبی) انجام داده ایم که در زیر می خوانیم:

خانم مظفریان لطفا در مورد افتتاح فروشگاه در دبی توضیحاتی را بفرمائید جواهری مظفریان از تاریخ ۲۰ آپریل در هتل کونکورد شروع به فعالیت کرده است و آنچه برای ما مهم است اهمیت

عباس مظفریان را می توان شخصیتی معرفی نمود که توانسته است تجربه و اندوخته گرانبه‌ای خود را با نبوغ و استعداد خود گره بزند طرح ها و مدل‌هایی که در ویتترین خود نمایی می کند ثمره ذوق و سلیقه اوست که توانسته است این میراث ارزشمند خانوادگی را نیز به فرزندان خود منتقل کند مصاحبه ای را با عباس مظفریان

در روزهای پایانی ماه گذشته جواهری مظفریان که دارای چندین شعبه در نقاط مختلف می باشد یکی دیگر از شعبات خود را در دبی افتتاح نمود .



MOZAFARIAN

Three Centuries of Fine Art in Jewellery



معنوی و حضور ایرانیان در جواهر فروشی مظفریان است و جنبه های مالی اگر برای هموطنان عزیزمان یک مزیت است برای ما در اولویت نیست و می خواهیم این پیوند تاریخی که شامل شش یا حتی هفت نسل از هموطنان با جواهر فروشی مظفریان می شود تداوم یابد چون این یکی از افتخارات ماست که حتی در دنیا هم از استثناهاست و کمتر تجارتی را می توان سراغ گرفت که پیوندی چنین بلند مدت با مردم برقرار کند

جواهری مظفریان در کدام کشورها دارای شعبه می باشد؟

در ایران شامل شهرهای تهران، اصفهان و شیراز و همچنین در خارج از کشور شامل شعبات فراوان می باشد که می توان به شعبات انگلستان، آمریکا و ژاپن اشاره کرد

صورت می گیرد؟

بله: تمامی طرح ها و مدل هایی که مشاهده می کنید که متجاوز از صدها طرح مختلف به روی طلا و جواهرات است اختصاصی و متعلق به جواهری مظفریان است و هموطنان عزیز با خیالی آسوده می توانند بهترین طرح ها را با بالاترین کیفیت با قیمتهایی استثنایی خریداری کنند و فراموش هم نکنند که این خود یک سرمایه گذاری برای آینده هم هست و هر زمان که نیاز باشد می توانند آن را به پول تبدیل کنند بدون آنکه ضرری متوجه آنان باشد طراحی و هارمونی در جواهرات هم به دلیل استفاده از طرح های خودمان یا طراحان ایتالیایی، فرانسوی و آلمانی که ۳ نسل از آنان با ما کار می کنند توانسته ایم قیمتهای خود را غیر قابل رقابت سازیم و در جواهری مظفریان ایرانیان عزیز با هر بودجه ای می توانند خرید داشته باشند و بیشتر از همه باعث خوشحالی ما با حضورشان در

سازی فعال است و نسل به نسل ادامه پیدا کرده و تاکنون که موفق ترین و با تجربه ترین نام در صنعت جواهر سازی شناخته شده است

طراحی جواهرات توسط خود شما

آقای مظفریان جواهری مظفریان از چه زمانی شکل گرفته است ؟

تاریخچه جواهری مظفریان به حدود ۳۰۰ سال پیش برمی گردد که این خانواده هفت نسل در صنعت جواهر





گسترش فعالیت‌های مجله رنگارنگ در آلمان

«شعور را جایگزین شعار کنیم»

سفر ماه گذشته به آلمان که طبق روال هر ماهه به شهر فرانکفورت ختم می‌شود سفری پر بار و همراه با برنامه ریزی موفقیت آمیز بود و در جلساتی که با دوستان خوبان داشتیم تصمیم قطعی گرفته شد که با برپایی دفاتری در شهرهای فرانکفورت، کلن، هامبورگ و دورسلدورف ارتباطات پیش‌ترو نزدیک تری با جامعه ایرانیان در آلمان برقرار شود

مجله رنگارنگ زبان مستقل و ملی ایرانیان عاشق وطن است

و در این فعالیت گسترده حضور چشمگیر و موثر دوستان و یاران با محبت و با صفا شامل حاملان خواهد بود دفاتر چهار گانه در آلمان نقش فعالی در ایجاد دسترسی همگانی و گسترده مجله رنگارنگ ایفاء خواهد کرد که یکی از نمونه کارها چاپ و انتشار مجله رنگارنگ همزمان با انگلستان خواهد بود که بتوان با مطالب و گزارش‌ها و مصاحبه

مجله رنگارنگ هم زمان با انگلستان در آلمان چاپ و توزیع خواهد شد

مدیر فدراسیون جهانی فوتبال «فیفا» هدف پرورش و شناخت استعدادهای جوانان ایرانی خواهد بود همچنین ادامه فعالیت‌های تلویزیون رنگارنگ به آلمان هم منتقل خواهد شد. تلویزیون رنگارنگ در لندن که از سابقه چهارده ساله برخوردار است و در نزد ایرانیان در انگلستان از محبوبیتی خاص برخوردار می باشد و همه گاه حضور چهره‌هایی محبوب و ارزشمندی را در کنار خود داشته است که می توان به نام‌هایی چون فخری نیک زاد بانوی اول تلویزیون ملی اشاره کرد: ایرج جنتی عطایی از پایه گذاران نوین ترانه سرایی از دیگر همکاران بوده اند ستار لقای روزنامه نگار و قصه نویس سر شناس و هدف از حضور فعالیت‌های رنگارنگ در آلمان

ها و خبرهای ایرانیان در آلمان پوشش وسیع تری به حضور مجله رنگارنگ در آلمان داد. از دیگر فعالیت‌های مجله رنگارنگ در آلمان ایجاد مدارس فوتبال برای نوجوانان و جوانان ایرانی خواهد بود که به دلیل حضور بیشتر محمود سربازی در آلمان و با توجه به سابقه و پشتوانه شناخته شده او در فوتبال ایران و دارا بودن

**دفاتر مرکزی رنگارنگ در آلمان شهر
های فرانکفورت، کلن، هامبورگ
و دورسلدورف مجله رنگارنگ از
حمایت و پشتیبانی کسبه و تجار
خوشنام و شناخته شده بهره مند
شده است**



آژانس هوایی پارس تراول

به مدیریت علی ولایی

اگر خواهان خدماتی با کیفیت بالا و قیمت‌هایی استثنایی هستید.

آژانس پارس تراول با سرویس‌های منحصر به فرد و غیر قابل رقابت در خدمت شماست



برخی از قیمت‌های استثنایی ما

لندن به تهران از ۳۳۹

یورو

آمستردام، فرانکفورت، دورسلدورف،

بروکسل و هلسینکی به تهران

از ۲۹۹ یورو

Baseler Str. 48, 60329 Frankfurt

Tel.: +49 (0) 69 / 23 08 82 oder -83

Fax: +49 (0) 69 / 23 06 13

جهت اطلاعات بیشتر با

مشاورین فارسی زبان ما تماس

www.parstravel.net

info@parstravel.net

فروشگاه یک و یک فرانکفورت

نماینده انحصاری محصولات غذایی امیر

محصولات غذایی امیر در انگلستان نماینده فعال می پذیرد



نمایندگان می توانند محصولات غذایی امیر را از ایران بطور مستقیم و یا از آلمان از طریق فروشگاه یک و یک در فرانکفورت دریافت نمایند قابل توجه کلیه کسانی که در اروپا مایلند نمایندگی محصولات امیر را دریافت کنند می توانند با دفتر نمایندگی محصولات امیر در آلمان تماس حاصل نمایند

فروشگاه یک و یک کلیه مایحتاج یک خانواده ایرانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است

قیمت های منصفانه یک و یک مورد اعتماد مشتریان است

تاریخهای مصرف مواد غذایی در فروشگاه یک و یک تازه و سالم و مطمئن است

بدون پول نقد ، با کارت بانکی و بدون Gebuhr می توانید خرید کنید
پارکینگ بزرگ مقابل فروشگاه یک و یک بطور رایگان در اختیار شماست

شما هم سری به ما بزنید و شاهد ادعای ما از نزدیک

باشید



60314
HANAUER LANDSTR. 213
FRANKFURT



TEL: 069- 94948672

خواهانه شان جز زیباترین خانواده های دنیا نام گرفتند.
عکس جولی نیز بر روی جلد این مجله قرار گرفت.
جس کاکل سر دبیر این مجله گفت: "آن ها کمک به مردم را صدر زندگی خود قرار داده اند. در این نظر سنجی هال بری و گابریل آبری نیز به عنوان خیرین برتر دنیا برگزیده شدند.

کمک کنم اما متأسفانه به اندازه آن ها پول ندارم."
این هنرپیشه و رزمی کار ۵۲ ساله قصد دارد این پول را به بنیاد جکی جان بدهد که در سال ۱۹۸۸ برای کمک به انسان های نیازمند تاسیس شد. این بنیاد به تازگی گسترش پیدا کرده تا مواد دارویی را به انسان های مصدوم در سوانح طبیعی برساند.

براد پیت و آنجلیا جولی

جدایی کوین ریچاردسون



از گروه بك استریت بویز

"کوین ریچاردسون" (خواننده) گروه "بک استریت بویز" را ترک می کند تا فعالیت های دیگر خود را پیگیری کند.
اوطی پیغامی برای طرفدارانش که آن را به روی

زیباترین انسان های دنیا

براد پیت، آنجلیا جولی و فرزندانشان در مجله "مردم" به عنوان زیبا ترین خانواده دنیا خوانده شدند.

این خانواده که از آن ها در حال بازی در صحرای نامیبیا عکس گرفته شده است به راحتی در نظر سنجی این مجله به خاطر رفتارهای خیر

جکی جان نصف ثروت خود را بخشید



جکی جان هنرپیشه هنگ کونگی قصد دارد پس از مرگ خود نیمی از ثروتش را به بنیاد خیریه خود ببخشد.

هنرپیشه کونگ فو کار "ساعت پر تردد" از بیان میزان ثروت خود سر باز زد اما گفت قصد دارد راه "وارنر بافت" که ۳۷ میلیون دلار را به بنیاد خیریه بیل و ملیندا اهدا کرد پیش بگیرد. جان گفت: "من تلاش بافت برای کمک به انسان های نیازمند را می ستایم." "من مانند بافت و گیت می خواهم به انسان های نیازمند

رستوران هزارویک شب



محیطی خانوادگی

با گنجایش بیش از ۵۰ نفر

بهترین انتخاب برای جشنها

لذیذترین غذاهای سنتی ایرانی



شنبه ها رقص شرقی و

موزیک زنده همراه با هنرنمایی

خواننده محبوب **سماغر**

Persisches Spezialitäten-Restaurant

Sebastianstr. 69

53115 Bonn (Poppelsdorf)

Tel: 0228 - 28 91 042



**چنانچه با اتومبیل خود
تنها سفر می کنید و
مایلید دیگران شریک
راحتان باشند
و یا
اگر قصد سفر دارید و
به دنبال وسیله نقلیه
مناسب و راحت و ارزان
هستید**

با پرسنل فارسی زبان ما تماس بگیرید

Chattenstr. 3

63486 Bruchköbel

Tel.: +49-(0)6181-57 70 702

+49-(0)6181-57 70 703

Fax.: +49-(0)6181-57 78 71

www.mitfahrzentrale-bruchkoebel.com

اقامت کند.

نوه صاحب این هتل بسیار بزرگ و مجلل بلافاصله برای نشان دادن اهمیتش تلفنی با مسئولین هتل برای گرفتن تخفیف تماس گرفت اما در کمال تعجبش مسئولین هتل حتی حاضر نشدند یک ریال هم به او تخفیف بدهند.

او از این موضوع برآشفته و با پدر بزرگش تماس گرفت اما در کمال خونسردی او با این جمله رو به رو شد: "من مسئول دادن هزینه سفرهای تو نیستم. چرا در یک هتل معمولی اقامت نمی کنی".



هیلتون که از این موضوع بسیار عصبانی است قسم خورده پایش را دیگر در هتل این پیرمرد چموش نگذارد.

بریتنی اسپیرز طلاق گرفت

خبر جدایی بریتنی اسپیرز از کوین فدرلین توسط وکلای آن ها تکذیب نشد!

روزنامه انگلیسی "دیلی میرور" ادعا کرده رابطه این زوج رو به تاریکی گذاشته و اسپیرز از فدرلین خواسته که در زیر زمین منزل مجللشان اقامت کند و به او نزدیک نشود.

گفته می شود اسپیرز چند روزی است که برای رهایی از دست مستی و سیگار کشیدن فدرلین خانه را ترک گفته است.

یکی از دوستان اسپیرز گفت که او به خاطر سین پرستون پسر نوزادش و فرزندی که در شکم دارد قصد دارد این زندگی را ادامه دهد اما صبر او به سر رسیده است.

این دوست افزود: "بریتنی میخواهد کاری بکند اما رابطه آن ها آنقدر دشمنانه است که از دست او هیچ

وب سایت خود گذاشته گفت: گرفتن این تصمیم برایم بسیار سخت بود اما از آن گریزی نیست تا بتوانم فصل بعدی زندگی ام را پی بگیرم.

این گروه در اواخر دهه ۱۹۹۰ تشکیل شد و تا به حال بیش از ۳۵ میلیون نسخه از آلبوم هایش به فروش رفته است: آنها در سال ۲۰۰۱ که "مک لین" برای درمان اعتیاد بستری شده بود به مدت چهارسال از هم جدا بودند: در سال ۲۰۰۵ نیز برای انتشار آلبوم "هرگز نرفته بودم" دوباره گردهم جمع شدند.

اعضا بازمانده گروه یعنی "مک لین"، "نیک کارتر"، "هووی دورو" و "بریان لیتل" گفتند تصمیمی برای جایگزین کردن ریچاردسون ندارند. آنها در بیانیه وب سایت گروه گفتند: درهای گروه او به یک استریت بویز همیشه باز است برای آینده زندگی اش بهترین آرزوها را داریم.

این گروه قصد دارد برای کار به روی آلبوم بعدی اش به استودیو باز گردد این آلبوم اواخر امسال منتشر می شود.



هیلتون حتی در خانواده اش هم اعتبار ندارد

پاریس هیلتون هنرپیشه - خواننده و وارث هتل های زنجیره ای هنگامی که برای اقامت در هتل پدر بزرگش درخواست تخفیف کرد با جواب رد کارکنان آن جا رو به رو شد.

این هنرپیشه برای اجرای ترانه "ستاره ها کور هستند" برای برنامه زنده رادیویی در گلاسگو به اسکاتلند رفته بود. کت و رابین مسئولین این برنامه به هیلتون پیشنهاد دادند که در طول اقامتش در اسکاتلند در هتل هیلتون



آنها در گفتگوی مختصری گفتند: "ما می خواهیم از همه مردم استرالیا تشکر کنیم که با آرزوی خوشبختی برای ما به ضیافتمان رونق بخشیدند."

کیدمن در هاوایی متولد شده و اریان متولد نیوزلند است اما هر دور آنها در استرالیا بزرگ شده اند.

آنها بعد از اینکه شب گذشته را در هتل

برای تزئین لباسشان بکند.

یکی از دوستان این هنرپیشه گفت: "حمایت از حیوانات تنها دغدغه پاملا است. او حاضر شده برای حمایت از حیوانات در ویتترین مغازه استلا بنشیند تا پیغام خود را به گوش مردم برساند."

در این اقدام عجیب غریب ده مانکن دیگر نیز هر کدام در زمان های ده دقیقه ای عمل اندرسون را تکرار خواهند کرد و خود را عریان در برابر مردم قرار خواهند داد.

نیکول کیدمن و اریان از استرالیا تشکر کردند

نیکول کیدمن و کیت اریان با فرستادن عکس عروسی خود برای جراید از مردم استرالیا به خاطر محبتی که به آنان دارند تشکر کردند.

این هنرپیشه ۳۹ ساله برنده اسکار و شوهر ۳۸ ساله اش در کلیسای موریال سیدنی با هم ازدواج کردند و به نامزدی ۱۱ ماه خود پایان دادند.

در طول این مراسم این زوج به عکاسان اجازه دادن از آنها در حالی که دست های یکدیگر را به گرمی فشرده بودند عکس بگیرند.

کاری بر نمی آید."

هنگامی که از وکیل این هنرپیشه در مورد این شایعات سؤال شد او آن ها را رد نکرد.



حرکت عجیب پاملا اندرسون برای حمایت از حیوانات

پاملا اندرسون در ویتترین مغازه استلا مک کارتنی به صورت عریان نشست تا از این طریق اعتراض خود را به گوش کسانی که خون حیوانات را می ریزند برساند.

هنرپیشه زیبای فیلم "بیواتچ" قصد دارد تا آخر این ماه به همین وضعیت باقی بماند تا مردم را خریک به توقف ریختن خون حیوانات



خراسان ۲

در پاساژ معروف Kaiser

در قلب فرانکفورت مایحتاج

خانواده های ایرانی و افغانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است

انواع کتاب و CD در کتابخانه خراسان ۲

Kaiserstr. 64
(Kaiser Passage)
60329 FRANKFURT

TEL: 069- 15042777
FAX: 069- 15042778



وضع پناهجویان در اروپا



دولت آلمان اعلام کرد که از بین ۴۸ هزار پرونده پناه جویان، فقط ۴۱۱ پناهجو پذیرفته شدند. یعنی کمتر از یک در صد. یک پناهجو می‌گوید به خاطر فعالیت سیاسی برای حقوق زن در ایران ناچار شد ایران را ترک کند. ولی در آلمان به او گفتند وضع زنان در ایران ناشی از فرهنگ ایران و حکومت ایران است و اگر می‌خواهند آن را تغییر دهند، ایرانی‌ها باید در کشور خود با آن مبارزه کنند. وی می‌گوید در شرایط بدی با یک فرزند در یک اطاق موقتاً زندگی می‌کند. نیشا بقراطی تهیه‌کننده و مجری برنامه نگاه تازه می‌گوید مطابق میثاق بین‌المللی، کشورها موظف هستند پناهجویان را بپذیرند اما به خاطر هجوم پناهنده‌ها دیگر به این میثاق پایبند نیستند. رضا نوروزی، پناهجو در سوئد، می‌گوید تاکنون دو بار تقاضای او برای پناهندگی رد شده است و می‌گوید برای ایرانی‌ها بسیار سختگیری می‌کنند و آینده‌ای

بسیار بد انتظار آنها را می‌کشد. پناهنده دیگری وضع را هولناک توصیف می‌کند که باید به شکل مخفی در جامعه به صورت اشباح متحرک زندگی کند. نیشا همچنین موضوع را با چند کارشناس پناهندگی در میان می‌گذارد

آمار متقاضیان و پذیرفته‌شدگان مهاجرت سال ۲۰۰۵ آلمان منتشر شد

وزارت کشور آلمان در اطلاعیه‌ای آمار مربوط به متقاضیان پناهندگی و میزان قبولی و پذیرش پناهندگی در شش ماهه اول سال ۲۰۰۵ را اعلام کرد.

بر اساس این آمار در شش ماه اول سال ۲۰۰۵ مجموعاً ۱۴۴۲۸ نفر در آلمان درخواست پناهندگی ارائه داده‌اند. این آمار ۴۲۵۴ نفر (۲۹٪) کمتر از میزان مشابه در سال قبل است.

وزیر کشور آلمان در مصاحبه‌ای با اعلام این مطلب که این میزان درخواست، پائین‌ترین میزان در سالهای گذشته است، یک علت آنرا نتیجه به اجراء درآمدن قانون جدید مهاجرت و قوانین و شرایط بررسی پناهندگی اعلام کرد که طی آن تلاش می‌شود تا با سوء استفاده از حق پناهندگی مقابله شود.

در این گزارش آماری به ۱۰ کشوری که در صدر جدول قرار دارند اشاره شده است. متقاضیان پناهندگی از ایران با ۴۲۹ نفر در رده ششم

جدول قرار دارند. میزان قبولی در نیم سال اول سال ۲۰۰۵ در مجموع (تقاضای اولیه و تقاضای مجدد) برای کل متقاضیان بر اساس ماده ۱۶- A قانون اساسی آلمان ۱٪ است. با بررسی بسیاری پرونده‌های رد شده درخواست پناهندگی در سالهای اخیر در آلمان، اصلی‌ترین دلایل ردی این درخواستها را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد:

الف- دلایل عام (این دلایل پناهجویان از همه کشورها را شامل می‌شود):

- دوری و فاصله گرفتن ادارات و نهادهای بررسی‌کننده درخواست پناهندگی در آلمان از اصل «بی‌طرف» بودن و قریبانی کردن «قانون و حقوق بشر» در پای منافع سیاسی و جاری.

- بهانه قرار دادن «وضعیت خراب اقتصادی و مشکلات اجتماعی داخلی» با این نتیجه‌گیری که ظرفیت برای پذیرش پناهجویان بیشتر وجود ندارد.

- بهانه قرار دادن تغییر آتمسفر سیاسی جهان بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر و اعمال محدودیتهای هرچه بیشتر در مورد خارجیان از جمله با تصویب «قانون مبارزه با تروریسم» و سختگیریهای هرچه بیشتر در ارتباط با پذیرش و یا قبولی پناهندگی و اعطاء تابعیت آلمانی.

ب- دلایل خاص:

این دلایل بسته به سطح و نوع رابطه‌های سیاسی-جاری دولت آلمان با کشورهایانی که پناهجویان از آنجا می‌آیند، متفاوت بوده و همچنین بسته به ویژگی و سابقه و رفتار

دفتر مشاوره خدمات حقوقی ایران



اگر مشکل پناهندگی یا اقامت دارید

اگر تمام اقدامات و مراحل تقاضای پناهندگی شما به نتیجه نرسیده است

اگر مشکلات حقوقی خانوادگی دارید

اگر مشکل ملحق شدن اعضا خانواده دارید

ما به شما کمک و راهنمایی قانونی خواهیم کرد تقاضای جدید پناهندگی (Fresh Application)

قابل توجه ایرانیان ساکن کشورهای اروپایی

اگر پاسپورت اروپایی دارید و مایل هستید از تسهیلات کشور انگلستان استفاده کنید

کارشناسان ما به راحتی اقامت و موارد قانونی استفاده از مزایای این کشور را برای شما فراهم می‌نمایند

0773 749 92 11

0781 515 30 30

تلفن:

خدمات ما رایگان نیست

نامه ای از پاریس

آقای سرابی در مجله رنگارنگ بنویسید که چگونه پس مانده های لجن گرفته پاریس نشین خانم بیار جمهوری اسلامی شده اند

آقای سرابی چند ماهی است مجله رنگارنگ را در پاریس از فروشگاه های ایرانی خریداری می کنم افشاء گری و روشنگری ملی : میهنی و حرفه ای شما را می ستایم در شهری که من زندگی می کنم که آن را عروس شهرهای جهان می نامند عروسکانی هزار رختخواب زندگی می کند که ادعا دارند در روزگاران گذشته در حکومت شاه فقید از پالان پوشان به اصطلاح ارتشی بوده اند و امروز به مثابه تعریف لاف در غربت با اندیشه های فقیر و شخصیت های حقیر دست به قلم شده اند و یاوه هایی سرابا دروغ و خریف را در ورق پاره هایی به نام «نیما» با کمکهای امداد غیبی به صورت رایگان در پاریس پخش و پلا می کنند این گروه آزادان در آفتاب با تیتراها و عناوین ارتشیان عالی رتبه درجه در غربت گرفته از اراجیفی برای خشنودی نظام ملایان از خود بیرون می دهند

باور نمی کنید برای نمونه ورق پاره های «نیما» را ببینید مثنی پالان پوش به اصطلاح ارتشی در جا اندازی پفیوزی چون مجتهد زاده ها شده اند

آقای سرابی من از شما و خوانندگان بیشمار مجله رنگارنگ پوزش می طلبم که اینان را با کلمات و القابی به دور از ادب فرهنگی خطاب می کنم و به شرافت انسانی و معرفت اخلاقی و وجدان ملی سوگند

فاکس شماره: 001.703.827.9101
شاهزاده راهپای
باقدم ورود و احترام

سر هک دکتر مجتبی باشتی رئیس شورای نویسندگان مجله نیما ساکن دفاتر ک طی فاکسی اعلام داشته در نشتی در کپتاک و با تعدادی از اعضاء و افسران ارتش و دولتمردان و سیاستمداران معرب و مطلع ضمن گفتگو و بررسی مسائل سیاسی روز ایران کشورمان باین نکته توجه و مصمم شدند که یوساکی به آگهی شاهزاده راهپای برسد مصاحبه شاهزاده با رسانه های گروهی در تشریف آمریکای متحده قیصر روزم در ایران، باید در نظر داشت که در وضع حاضر و آینده دور و یازدیک بهت نیون یک نیروی متحد با رهبری شخصیتی معلوب و مقول اکثر گروههای سیاسی مخالف رژیم برای اداره کشور، با جنبش ها و تفرقه های فعلی اگر رژیم کنونی ملایان فروپاشیده شود جای گزین آن یک جنگ داخلی خواهد بود که نتیجه آن تجزیه کشور است که قراین نشان میدهد آمریکاییها خواهند آن هستند و به سخن شاهزاده توجیهی ندارند و کار خودشان را به انجام میرسانند با این گفته نسجیده جز بدنامی و دشمنی با کشور بدون هیچ دلیل منطقی نمر دیگری بر آن مترتب نیست

با آرزوی بهترین ها

سر هک ستاد عیس یزاعی، مدیر مجله نیما پاریس، سی و یکم می ۲۰۰۶

یاد می کنم واژه های که در برگیرنده حداقل شخصیت اینان باشد پیدا نکرده ام و این گمماشتگان بدتر از هزار فاحشه حتی لیاقت این القاب را هم ندارند. این گروه آشغال که وقتی پرونده هایشان را نگاه می کنید چون سگهای ولگرد سالی چند بار هم به ایران می روند و می آیند اگر باور ندارید از آزادان جا اندازی به نام عیسی پژمان بپرسید یا ارباب پفیوزی به نام مجتهد زاده که سوابق درخشان او در لندن حتما در نزد جنابعالی مفتوح است که چگونه در تلویزیونهای جمهوری اسلامی خشتک خود را برای ملایان می دراند حالا این پس مانده خورهای پالان به دوش به خاطر پاسپورتهای اهدایی از سوی ملایان و به امید دریافت حقوق های معوقه سالهای گذشته و شاید هم گرفتن ملک و املاکی از گذشته که مسلما آنزمان هم اینان از راه جا اندازی به جایی رسیده اند برای شما فقط ۲ نمونه کوچک از افکار نوکر صفتی و وطن فروشی این آشغالها را ذکر می کنم که ببینید مثنی ورشکسته برای خشنودی عمامه به سرهای حکومتی

wlxy 91A²1£M



**گلچینی از بهترین
های محصولات
ایرانی رادر قلب
فرانکفورت برای**

شما تدارک دیده است.

**Dusseldorfer Str. 12 ,
60329 Frankfurt**

Tel.: +49 (0) 69 / 24 24 9539

Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62

هتل کارلتن

با بهترین سرویس و قیمت مناسب



Carlton hotel **

**Karl Street 11, 60329 Frankfurt,
Frankfurt am Main**

Tel.: +49 (0) 69 / 23 20 93

Fax: +49 (0) 69 / 23 36 73

اقدامی علیه رژیم ارباب او و همپالگی هایش چون پیروز مجتهد زاده : پانشایی: آذر برزین: مهران ادیب و اندک گروهی از این قبیل آدم ناهای دست چنم ورشکسته که با افتخار بر پیشانی خود مهر مجتهد زاده الحالی را نصب کرده اند و
تذکر سر دبیر رنگارنگ :

نامه کوتاه شده یکی از خوانندگان مجله رنگارنگ را چاپ کردیم زیرا اعتقاد داریم «نیمایی ها» و «مجتهد زاده ها» از جنس صد در صد آخوندهای ضد ایرانی هستند امثال مجتهد زاده ها نمونه ای از افرادی مزدور چون نوری زاده ها : و بهنودها : ابراهیم نبوی ها و اکبر گنجی ها هستند که برای امرار معاش و تغییر ذائقه با تریاک و وافور ابایی از هیچ کاری ندارند هر چند ورق فتوکپی و افرادی اندک مانند عیسی پزمنها و هم قطارانش در اندازه ای نیستند که مطرح شوند ولی چون نقش اندک اینان وقتی در یک مجموعه کلی قرار می گیرد باید معرفی شوند مجله رنگارنگ با سابقه ۲۰ سال انتشار خود پرونده گویای زندگی بسیاری از ایرانیانی است که طی این سالها چگونه رنگ عوض کردند نوری زاده و مجتهد زاده آن سالها که غم وطن داشتند و ادعای مبارزه با رژیم خمینی را بارها و بارها مطالب شان در همین مجله رنگارنگ چاپ شد و در برنامه های تلویزیونی رنگارنگ حضور پیدا می کردند تا جایی که از «ما» بریدند و به دشمن پیوستند.

مجله رنگارنگ دکان کاسبی و نان در آوردن به هر قیمتی نیست بلکه حاصل دسترنج مشکلات و سختی های غیر قابل باور است که به خاطر عشق به ایران و ایرانی منتشر می شود و با مرارت و سختی شهر به شهر و کشور به کشور بر دوش می کشیم و به دست هموطنان می رسانیم پیامی از سرزمین و مردمان در بند مان را به گوش همگان برسانیم حتی خفتگان در باد بی هویتی را تلنگر زده باشیم

سرزنش و تقیب

در هفته اول ژوئن نشست کنگره عده ای از اقوام مختلف ایران یا باصطلاح نمایندگان خودخوانده حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان (از ابتدای جنگ عراق و ایران ساکنان عراق و همکاران صدام حسین)، عرب تباران باصطلاح ایرانی ساکن خوزستان، بلوچستان و سیستان، رئیس کنگره جهانی آذربایجانیها (ساکنان آمریکا و کشور آذربایجان) و یاران و ترکمن ها در واشنگتن و در کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا تشکیل گردید. هر یک از نمایندگان و یا همراهان و عده ای از آمریکائیان اعضا، سازمانهای مختلف اطلاعاتی در باره اوضاع ایران و کارکردهای حکومت جمهوری اسلامی و بویژه و باصطلاح آنها ستم های دوگانه مردم فارس زبان سخن ها گفتند و خود را به عوامل اطلاعاتی آمریکا سپردند تا از بودجه اختصاصی برای براندازی نظام ایران و احراز هویت و حقوق ملی مبنی بر حق تعیین سرنوشت؛ و دیگر مطالبات فرهنگی و اجتماعی اقدام نمایند. این باصطلاح نمایندگان خودخوانده که هرکدام در یکی از کشورهای اروپائی و یا آسیائی بسر میبرند و در کنگره مذکور خود را نماینده همه اقوام ایرانی معرفی کردند سالهاست چه قبل و چه بعد از انقلاب ایران با بیگانگان در خیانت به ملک و ملت ایران همکاری و همیاری دارند. مقارن همین اوقات رضا پهلوی باتفاق نوجه ها و نخواست هایش به دعوت مجلس فرانسه به پاریس رفت و در جلسه کمیته اطلاعات مجلس آن کشور حاضر شد و پس از ادای توضیحات او و همکاریانش به نمایندگی از ملت ایران از کشورهای اروپا و غرب خواست که برای نجات ایران به مردم ایران کمک و یاری و پشتیبانی رسانند. این اعمال و کردار ناشایست آنها را که خلاق شخصیت و حیثیت ایرانیان است سرزنش و تقیب میکنم.

مدیر نیما

چگونه دم تکان می دهند و خاک در چشم وطنپرستان واقعی می ریزند اینان که در حد آفتابه داری هیچ مستراح هم نیستند به خود اجازه می دهند خطاب به رضاشاه دوم هشدار و تذکر دهند که در کلمه : کلمه این نوشته ها بخوبی ماهیت گردانندگان نیما معلوم میشود که چقدر نگران و هراسان وضعیت رژیم ملایان هستند و در این راه هیچ ابایی هم ندارند که دلواپسی های خود را آشکار کنند شما در همین دو نمونه کوچک و ساده در می یابید که چگونه هر حرکتی و فعالیتی بر ضد رژیم آخوندی امثال آژدان عیسی پزمن را وحشت زده و نگران می کند و با الفاظی در حد و اندازه حقیر خودش به شخصیتی بزرگ چون رضا شاه دوم اعتراض می کند که مبادا

هتل آپولو

در قلب شهر بین المللی فرانکفورت با

بهترین سرویس و مناسب ترین قیمت و کادر

ایرانی - آلمانی مقدم شما را گرمی می دارد



هتل آپولو در مجاورت ایستگاه اروپایی قطار، اتوبوس در مرکز شهر فرانکفورت قرار دارد. سفر خود را با آسودگی و آرامش خیال در هتل آپولو به خاطره ای خوش مبدل سازید

تلفن : +49 (0) 69 23 12 85 / 86

فاکس : +49 (0) 69 23 29 09

MUNCHENER STR. 44
60329



خبرهایی از دنامارک

افرادى كه قتلى صورت نداد ه اند آزاد گردند كه شامل اين افسر شجاع مى گردد امير خسروى مدتى در كانادا و بالاخره به دنامارك مى آيد هموطنان او را يك دانشمند مى نامند زيرا او كتابهاى حافظ و سعدى و مولانا را مى خواند و شعر مى نويسد شعرهاى تمام شعراى نامى ايران را از حفظ مى داند عكس اين افسر شجاع را در حال سر دوشى از پادشاه مى بينيم و مدال هاى او را . افسران پاك و با ايمان زياد داريم او نمونه اى از يك انسان پاك و تحصيل كرده مى باشد درود بر او.

غزاله دختر زیبای پاکستانی به ضرب شلیک گلوله کشته شد



دادگاه دنامارك شهر كپنهاك حكم ابد براى پدر غزاله ۱۶ ساله براى برادر غزاله عمو و عمه ۱۰ سال و مابقى اعضاى خانواده كه در مرگ غزاله نقش داشته بودند ۵ تا ۱۰ سال از طريق حكم قضايى ۲۷ يونى صادر گرديده پس از دوران زندان ديپورت به كشورشان.....

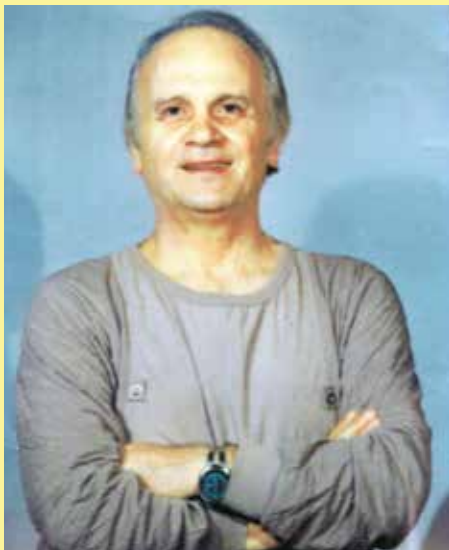
غزاله دختر ۱۶ ساله پاكستانى عاشق يك جوان افغانى مى شود به نام عمال خان پدر خانواده غلام عباس با وصلت موافق نبوده غزاله و عمال خان با هم فرارى مى شوند به فرمان پدر به پسرش كه ۳۰ ساله و راننده تاكسى مى باشد به نام اكتر كه اجازه دارى خواهر را به قتل برسانى؟! عموها و عمه ها و غيره به اين نتيجه مى رسند كه بايد غزاله كشته شود تا اينكه زن عموى غزاله با چرب زباني او را به نيت آشتى دادن با پدر ديگر اعضاى خانواده راضى مى كند به خانه برگردد غزاله مى پذيرد وقتى به راه آهن قطار كپنهاك شيلند مى رسد برادر غزاله با هفت تير ۶ گلوله به خواهرش و يك گلوله به شوهر غزاله مى باشد شليك مى كند غزاله در دم كشته و عمال خان شديدا زخمى و روانه

مادر مجيد خود را به دنامارك مى رساند در حالى كه گريه و زارى براى فرزندش مى كرد مجيد را در گورستان مسلمانان در كپنهاك به همين سادگى به خاك مى سپارند عكس مجيد و دختر ۶ ساله او را كه به ديوار چسبانده بودند مى بينم عده اى از هموطنان اين ماجرا قانونى دنبال مى كنند اما كو گوش شنوا!!

سرهنك امير خسروى انسانى با محبت و فهميده ديروز و امروز



سرهنك امير خسروى مقيم كشور دنامارك شهر آرهوس كه مدت ۸ سالى مى باشد در اينجا زندگى آرامى را طى مى كند امير خسروى در ايران مسئوليت شهريانى شهر سارى استان دوم را داشته ۳۱ سال خدمت شرفتمندان را گذرانیده چهار ماه مانده بود به گرفتن درجه سرتيپى انقلاب ميشود مدت ۶ سال در زندان عمرش را سپرى نموده تا اعدام پيش مى رود تا حكمى از دولت مى آيد كه



همكارمان فرشيد محسنى از دنامارك

هموطن ایرانی در کمپ دنامارك خودكشى نمود



مجد ۳۰ ساله داراي همسر و فرزند ۶ ساله (همسر و فرزند در تهران به سر مى برند) و مجيد طى سالها در انتظار جواب به سر مى برده و دو هفته قبل بعنوان اعتراض مجيد و چند نفرى ديگر در مقابل شهردارى به مدت يك هفته اعتصاب نشسته مى كنند وقتى مجيد مايوس مى گردد كه بايد ديپورت گردد خود را مى كشد



همدلی اقدامی منطقی است که راه بچه ها را برای قبول راهنمایی پدر و مادر می گشاید آنچه فرزندان ما بیش از هر چیز نیاز دارند درک شدن در سکوت: توجه و اندکی تایید و تصدیق است

بچه ها احساسات منفی را می گیرند و بعد به شکلی آنها را بروز می دهند تقویت اراده کودک اشتیاق او به زندگی: آموختن و رشد کردن را افزایش می دهد وقتی که پدر و مادر بر سر یکدیگر فریاد می کشند و با هم دعوا می کنند فرزندان مسئولیت رفتار پدر و مادر را به پای خود می نویسند

بچه ها هر کدام چالشها و استعدادهای خاص خود را دارند و از ما برای تغییر دادن آنها کاری ساخته نیست بچه ها به محبت و کمک ما احتیاج دارند اما برای اینکه رشد کنند باید با مشکلات خود روبرو شوند.

بچه ها والدین بی کم و کاست نمی خواهند به جای آن والدینی می خواهند که بیشترین تلاش خود را بکنند و مسئولیت اشتباهات شان را بپذیرند

بچه هایی که به شدت کتک می خورند و با بد رفتاری روبرو می شوند خود را به شخص بد رفتار نزدیکتر احساس می کنند و از رفتار بد او دفاع می کنند تاثیر پدر و مادر بر فرزندان به مراتب از تاثیر تلویزیون بیشتر است

اغلب زنهای از آن جهت در روابط زنانشویی خود با مسئله و مشکل روبرو می شوند زیرا در کودکی به آنها چگونگی و بیشتر خواستن را آموزش نداده اند.

به جای توجه به جنبه های منفی رفتار کودک به کارهای مثبت او بهاء بدهید وظیفه پدر و مادر دادن خدمات و کار کودک دریافت این خدمات است به فرزندان فرصت بدهید تا خودکار برای دنیای واقعی آماده شوند

تنها مانع بر سر راه عشق ترس است پس بیایید ترسید و عشق بورزیم. هشت حقیقت دوست داشتن بدون ترس عشق بستگی به شما دارد: اول عشق: آخر عشق. همیشه عشق

همه معصوم هستند: هراس تنها دلیلی است که دیگران را داوری می کنیم احساسات دروغ می گویند: به احساسات خود احترام بگذارید اما بر اساس تعهد تان عمل کنید شمی اشتیاق میان گوشه های شماست: جذابیت جنسی تنها زمانی دوام می آورد که از خیال فاصله بگیرید و انسانیت را در آغوش بکشید

معاشرت: تمرین خود بودن: برای اینکه دوست بدارید و دوستان بدانند باید خودتان باشید اگر نتوانید «نه» بگویید «بله» معنایش را از دست می دهد

حریم ها و حد و مرزها به شما می گویند که کجا هستید و برای چه چیزهایی ارزش قائل می شوید

از دست دادن یکی از حقایق زندگی است توانایی شما در پذیرفتن و پشت سر گذاشتن از دست دادن شما را برای عشق ورزیدن آماده می سازد.

عشق خطری است که باید آن را قبول کنید عشق در ناشناختن ها پنهان هست و راه عبور مخاطره آمیز است

روانشناسی کودک و طرز برخورد با آن برای به حداقل رساندن مقاومت کودکان فعال از آنها نظر خواهی کنید و یا به آنها مسئولیتی بدهید

بچه ها باید تجربه کنند که همان طور که آنها به حرف شما گوش می دهند شما هم صحبت های آنها را می شنوید وقتی بچه ها مرتکب اشتباه می شوند پدر و مادر به اشتباه فکر می کنند که آنها تلاش خود را نکرده اند



همکاران سارا عباسی از پاریس

هشت حقیقت که زندگی احساسی شما را به کلی دگرگون می کند

چند درصد اوقات روزها با خود صادق هستید؟ آیا می توانید به راحتی «بله» بگویید؟ آیا می توانید هر وقت نخواستید «نه» بگویید؟

آیا می توانید به راحتی «دوستت دارم» را به زبان بیاورید؟

آیا می توانید بگویید «متأسفم»؟ آیا می توانید خودتان و یا دیگران را ببخشید؟ آیا می توانید وقتی اطرافیان شما ناراحت هستند دست یاری به طرف شان دراز کنید؟ آیا می توانید در گرفتاریها به خودتان کمک کنید؟

آیا طالب عشق هستید و فکر می کنید که برایتان اتفاق نخواهد افتاد؟

آیا درگیر رابطه ای هستید که از آن لذت نمی برید؟

آیا می ترسید بی عشق بمانید و در ضمن از عاشق شدن هراس دارید؟



با مدیریت جعفر مهرگانی

انتشارات مهر

در شهر کلن با سابقه دیرینه در خدمت جامعه ایرانیان

مجموعه ای از جدیدترین کتابهای منتشر شده تا کتب قدیمی

کلیه کاست ها و سی دی های و فیلمهای سینمایی قبل و بعد از انقلاب

انواع و اقسام مایحتاج روزانه خانواده ایرانی.

محل فروش نشریات معتبر ایرانی چاپ اروپا رنگارنگ، کیهان، نیمروز

محل فروش کنسرت، نمایش و دیسکوهای ایرانی

MEHR VERLAG

Blaubach 24

D-50676 Koln

Tel: +49(0)221 - 21 90 90

Fax: +49(0)221 - 240 16 89

نشستم روی شعر های حافظ و سعدی و هر کس دیگری که شعر قشنگی داشت کار می کردم فرق نمی کرد مهم شعر خوب بود و شعر های قشنگ آقای رهی معیری.

یک ضبط صوت داشتم این اشعار را ضبط می کردم بعد می خواندم آن قدر حساسیت داشتم که هر چه می خواندم حس می کردم یک جایش ضعف دارد پاکش می کردم و مجدد می خواندم تا به نقطه ایده آل می رسیدم وقتی احساس رضایت می کردم دوستانی مانند آقایان پرویز یاحقی فرهنگ شریف مرتضی خان محجوبی را که مدام با هم بودیم صدا می کردم تا تمرین کنیم مدتها تمرین می کردیم هر آواز که می خواستیم بخوانیم یک ماه : یک ماه و نیم طول می کشید و سخت رویش کار می کردیم این طور نبود که به من بگویند آقا حال بیا برو یک دشتی بخوان . یک ماهور بخوان.

سری دوم صفحه هایی که خواندید کی بود؟ دومین سری صفحه هایی که پر کردم مربوط به زمانی بود که صفحه های کوچک مد شد دیگر صفحه بزرگ نبود بعد از آن دیگر صفحه ای پر نکردیم تا کاست آمد و آوازهایی را که در گلها می خواندیم کاست می کردیم.

بعد از اینکه به رادیو رفتید و معروف شدید رابطه تان با نور علی خان چه طور شد؟ نور علی خان گرفتار یک سری مشکلات کاری شد ژنل خواهر زاده نور علی خان زن تیمسار علوی کیا معاون تیمسار بختیار رییس وقت ساواک بود نور علی خان پیشنهاد داد تا یک دانشگاه هنری درست کند چون به هر صورت از خانواده مورد اعتمادی هم بود پذیرفتند نور علی خان به من پیشنهاد کرد که شما بیا آژا آواز درس بده. من به نور علی خان گفتم من به دنبال یک کار دیگر هستم شما برای این کار یک نفر دیگر را در نظر بگیرید ایشان هم آقای رضوی سروسناتی را به عنوان معلم آواز به آژا بردند که بسیار هم خوب بود

رابطه شما با نورعلی خان به چه نحوی ادامه پیدا کرد؟

یواش : یواش دیگر من نمی رسیدم مثلاً وقتی جایی دعوت می کردند اگر جای با ارزشی بود که می شد چیزی از آژا آموخت می رفتم اما اگر فقط دلی: دلی بود می گفتم نور علی خان من از نشستن با الدوله ها و السلطنه ها چه چیزی یاد می گیرم؟ بعد کم: کم فاصله زیاد شد وقتی من در گلها برنامه اجرا می کردم ایشان هم بسیار تمایل داشت که همکاری کند ولی خوب اگر قرار بود سه تار بزند که استاد عبادی بود اگر قرار بود سنتور بزند که فرامرز پایور بود اگر قرار بود ضرب بزند که حسین تهرانی بود درست که نورعلی خان تمامی این سازها را می شناخت و می زد اما در مقایسه با آن اساتید هموار نبود

مصاحبه اختصاصی رنگارنگ با



پای برج ایفل با مردی که صدایش بلند تر و رساتر و زیباتر از برج ایفل برای همه ایرانیان است

که من در رادیو و برنامه گلها آواز می خواندم مثل حالا که هر وقت مسابقه فوتبالی هست همه می دوند تا فوتبال را ببینند همه به هم می گفتند که امشب ساعت ۹/۳۰ گلپا می خواند

چه احساسی داشتید؟ داشتید معروف می شدید مورد توجه قرار گرفته بودید احساس غرور به شما دست نداد؟ به خودم می گفتم گلپا تو نباید تحت تاثیر این حرف ها قرار بگیری باید همین طور جلو بروی باید کارهای نو انجام بدهی به همین دلیل پیش ما سوختگان را خواندم بعد در همان سه گاه رند و خراباتی و دیوانه را. بعد ای کاروان . پس از آن امشب شده ام مست که مستانه بیا

همه در سه گاه بود؟

بله اما با هم فرق می کردند یکی مغلوب بود یکی راک عبدالله دیگری مویه اولین کسی که به من تبریک گفت و مرا بوسید آقای جلیل شهنواز بود که وقتی خسرو شیرین را خواندم ایشان مرا بوسید و گفت : تو خلاقی تو سبک داری مواظب باش که ساده خودت را به دست کسی ندهی و من از ایشان خیلی متشکرم که این حرف را زد و از همان زمان این حرف را آویزه گوشم کردم پس از آن هر خواننده ای هر جایی می خواند من خوب به صدایش گوش می دادم تا اگر چیز خوبی در صدایش داشت یاد بگیرم البته به نظر من همه خوانندگان خوب بودند اما بالاخره هر خواننده ای یک سری نقاط قوت و ضعف دارد من تمام سعی ام این بود که نقاط قوت را بگیرم و رویش کار کنم.

حالا اواخر دهه ۳۰ است دهه چهل می رود که از راه برسد در این مقطع چه موقعیتی دارید؟ حالا دیگر تمام کارهای اداری را رها کرده ام چون از اول دنبال یک چیز دیگری بودم هفته ها می

در آن دوران آواز تا چه حد در نزد مردم مقبولیت داشت؟ خوانندگان ایران آن روز را می شد بر چند گروه تقسیم کرد؟

هنرمندانی که آن زمان می خواندند را می شد بر سه گروه تقسیم کرد البته این را عرض کنم خوانندگان این سه گروه با هم خوب بودند و احترام یکدیگر نگه می داشتند دسته اول خوانندگان خوانساری : عبدالعلی وزیری : دردشتی و چند نفر دیگر که بعد ها به گلها آمدند مانند آقای محمودی خوانساری ایرج و دو سه نفر دیگر که الان یادم نیست این ها شاخص های گروه اول بودند دسته دوم کسانی بودند که کار جاز می کردند مانند زنده یاد ویگن روانبخش منوچهر که هواداران زیادی داشتند گروه سوم افرادی بودند که کارهای موسیقی عربی و از این قبیل می کردند مانند قاسم جبلی منوچهر شفیعی . این گروه در بین مردم پایین دست جامعه بسیار محبوبیت داشتند از آوازه های ایرانی صفحه ای پر نمی شد و مردم جامعه کمتر به این نوع از کار اقبال نشان می دادند یادم هست بعد از صفحه هایی که من پر کردم اقبال عمومی به آواز ایرانی گسترش یافت به قول مرحوم بنان که اکثر اوقات می فرمودند بالاخره خوب شد گلپا آمد تا مردم صفحه های ما را هم بخرند قبل از آواز مست مستم وقتی مجلسی و برنامه ای بود آواز خوان ایرانی را دعوت نمی کردند ویگن و روان بخش و خوانندگانی مانند آنها را دعوت می کردند اما بعد از مست مستم و آوازه های دیگری که ما خواندیم ما شده بودیم گل سر سبد که باید فینال برنامه ها را اجرا می کردیم پرویز یاحقی فرهنگ شریف مرحوم امیر ناصر افتتاح و من به چهار تک خال معروف شده بودیم آن موقع جوان بودیم و جویای نام و آن قدرت صدای جوانی من نیمی از برنامه هایم را بدون میکروفون اجرا می کردم حالا مردان و زنان سالخورده یا میانسالان یادشان می آید زمانی



شهرت نورعلی خان در چه چیزی بود؟ در قوه حافظه بسیار قوی اش حفظ می کرد. بسیاری از بزرگان موسیقی ایران می گویند که تحت نظر ایشان بود ببینید اگر می خواهید صادقانه قضاوت کنید باید بگویید که هر چه نور علی خان داشت از اسماعیل خان قهرمانی داشت چون او می آمد میزد من حفظ می کردم و نور علی خان آن را می زد چون نورعلی خان خیلی پولدار بود منزلش محفل هنرمندان بود و بسیاری از هنرمندان از ایشان حرف شنوی داشتند

عده ای می گویند که از شاگردان نور علی خان بودند در این مورد چه نظری دارید؟ چون دیدند گلپا شاگرد نور علی خان برومند بود و خلایقی داشت حالا هر کس فکر می کند اگر بیاید بگوید من شاگرد نورعلی خان هستم اعتباری کسب میکند آقای شهنازی می گفت هر کس رفتی دم در خانه نور علی خان و اف:اف را فشار داده و نور علی خان پرسیده کیه؟ و آن فرد جواب داده من هستم او شده شاگرد نور علی خان حالا اگر از آنها پرسید نور علی خان کجا به شما درس داده؟ در کدام اتاق؟ چی به شما درس داده؟ نمی توانند بگویند حتی اسم خانم نور علی خان را هم نمی دانند تازه به قول شاعر:

گیرم پدر تو بود فاضل

از فضل پدر تو را چه حاصل این گونه آدمها فکر می کنند که با تکیه دادن با این اساتید یا معلمین افتخار کسب می کنند خب شاید کسی هم بوده که بیست سال پیش از من آمده پیش نور علی خان ولی کو؟ توجه کنید که خود آدم هم باید در خونس باشد که بتواند به جایی برسد و گرنه از گفتن اینکه شاگرد صبا بود شاگرد ایکس یا ایگرگ بود دردی را دوا نمی کند باید پرسید خودت چی داری؟ الان پسری هشت ساله به نام علی شاکری در کلاس قلهک ما درس می خواند او تمام گوشه ها و ردیفها را حفظ کرده است و هر چه بگویید می زند و عین خود من می خواند مدام به او می گویم علی جان تو باید خودت باشی پاسخ می دهد من دوست دارم مثل شما بخوانم به او گفتم اگر تو به بهترین شکل هم مثل من بخوانی می گویند مثل گلپا می خوانی آن وقت هیچ وقت علی شاکری نخواهی شد البته این بچه الان هشت سال سن دارد و حالا پذیرفته اند که باید خودش باشد

در آن دوران تعصب نسبت به کار چگونه بود؟ خیلی زیاد یادم هست یک روز داشتیم سلمک را درس می گرفتیم باید می خواندم ما را به جز تو در عالم عزیز نیست اگر به جای اینکه بگویید لای: لای می گفتید لای: لای ایراد می گرفتند و می گفتند لای: لای. اگر می پرسیدید خب مگر این یکی چه اشکالی دارد

با اشراف بیشتری وارد موضوع شد یک جوان دانشجوی از دانشکده افسری آمده و ادعا می کند که می خواهد آواز بخواند حالا شرایط موجود پیش روی او چیست؟ یک معلم متعصب دارد که اصلا با خواندن او مخالف است به علی که قبلا گفتیم تازه ترانه خوانی را که دیگر کفر می دانست می گفت هر کس می خواهد ترانه بخواند باید سینه داشته باشد یعنی باید زن باشد حالا غلط یا درست عقیده اش این بود از سوی دیگر با یک رییس موسیقی در رادیو روبرو هستید که معتقد است هر کس می خواهد آواز بخواند باید بروی پشت سر مرده بخواند از طرف دیگر در جامعه خوانندگان گردن کلفتی وجود دارند مانند فاخته ای عبدالعلی وزیری بنان که کوچکترین آنها دردشتی است از طرف دیگر سنتی خوانها هم خوب بودند و صدا داشتند و تحریرهای خوب داشتند خوانندگان معروف پاپ هم مانند ویگن و روانبخش منوچهر محمد نوری و بودند که در بین مردم محبوبیت داشتند عربی خوانها مانند قاسم جلی منوچهر شفیعی هم حضوری سنگین داشتند خب حالا باید چه کار کرد؟ باید یک پرنسپی ایجاد کرد که علاوه بر خلایق در یک رده بسیار مشخص عمل نمود من هفده سال آواز خواندم و هر صدایی با صدایی دیگر فرق می کرد توانستم با آواز در دل مردم جا باز کنم در جایی که قبل از آن کسی به چنان اقبال عمومی نرسیده بود پس جایم هماغا بود و ماندم در این میان تنها یک مرد به عنوان تنها تکیه گاه و دلخوشی برای من وجود داشت یک آدم کاردار باسواد مدیر و کار کشته او تنها پشتوانه من بود او مرحوم پیر نیا بود

حساس ترین و دردناک ترین تصاویر زندگی شما در دوران فعالیت هنری کدام ها بودند؟ اولین شبی که آواز مست مستم را خواندم یکی از حساس ترین شبهای زندگی ام بشمار می آید که برای من سرنوشت ساز ادامه دارد

انگار کفر گفته باشید می رنجیدند یک روز من گفتم نور علی خان من چیزی را برای شما می خوانم ببینید چطور؟ گفت چیه؟ گفتم یک مدلاسیون است که خودم رویش کار کردم همان بیت را خواندم که ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست رفتن به شوشتری و منصوری گفت خب بعد رفتن به شوشتر گفت این دیگر چه جور بود؟ گفتم این همان است که من به دنبال آن می گردم گفتم آقا این حرفها چیست؟ من دارم کاری می کنم که تا حالا کسی نکرده می خواهم نشان بدهم که چقدر بانو آوری مخالف بودند و آن را بد می دانستند دوست داشتند همان طور که مرحوم ظلی صد و پنجاه سال قبل می خواند همان طور خوانده شود شما چهار عمل اصلی را بری چی حفظ می کنید؟ برای اینکه بتوانید مسئله را حل کنید فونداسیون ساختمان ساخته می شود که ساختمان بیست سی طبقه بالا برود بعد می شود ساختمان را تزئین کرد شومینه گذاشت و ذوق به خرج داد و گرنه میشد یک اسفالت روی آن کشید و بعد گچ کاری کرد البته عاشوراوند حزین و بقیه خوب هستند و باید در جای خاص خود از آنها استفاده کرد نه اینکه همیشه بر آن ردیف ها تکیه کنید اگر شما بلد نباشی بخوانی نتوانی تحریر بزنی تلفیق شعر و موسیقی را ندانید جنس صدایت خوب نباشد که نمی توانید خواننده شوید اگر می شد گفت صدای خوب یعنی صدای بلند که صدای ماشین دودی بلند تر بود ولی آیا می توانست بخواند؟ خوانندگانی داشتیم که جیغ می زدند تحریر می زدند ولی جنس صدایشان که باید آدم را بگیرد خوب نبود

یکی از نقاط مهم و مثبت دوران فعالیت شما این است که هفده سال تمام فقط آواز خواندید چرا در آن سالها ترانه نخواندید؟ اجازه بدهید قبل از پاسخ گویی به این سوال تصویری را برایتان ترسیم کنم که بعد بتوان



آریا پناهی از: هاند

بی تعارف

آرزوهای حبابی

پنداری ما ایرانی ها پس از بیست و هشت سال هنوز نمی دانیم با چه حکومت دروغگو و فریب کاری دست به گریبان هستیم و دیدارهای فوتبال جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان بار دیگر نشان داد که ملت شهید پرور تا چه اندازه خوش خیال و گریزان از اندیشه است و همچنان به دنبال آرزوهای بادکنکی! در کار زاری که تخصص: برنامه ریزی؛ مدیریت: تجهیزات و تدارکات آن هم در بالاترین میزان حرف اول و آخر را می زند باز هم دیدیم که پیش از حضور در مهم ترین و معتبرترین مسابقات فوتبال حرف از امداد های غیبی و یاری گرفتن از دعا و نذر در میان بود تا اهل خرد و دانش مثل همیشه ناامید شوند و به تکرار این تجربه تلخ دست پیدا کنند که انگاری این مردم حالا: حالا ها دست از انشاء الله: ماشاء الله بر نخواهند داشت و به این زودی راه بر شعور و واقع بینی گشوده نخواهد شد! بسیاری پیش از آغاز جام جهانی در رسانه های جمهوری اسلامی و خارج از ایران به ویژه در دکان های تصویری لس آنجلس با گفتاری ابلهانه و به نوعی خائنانانه بذرای خوش خیالی را بر دل میلیونها جوان ایرانی پاشیدند و مژده از صعود به مرحله دوم و دستیابی به امتیازات ارزشمند از پیکار با پرتغال: مکزیک و انگولا دادند وقتی آرزوهای خیالی و حبابی یکی پس از دیگری نقش بر آب شد و پرتغال و مکزیک یک بر اساس قواره واقعی و نه اوهامی بر فوتبال لبریز از دروغ و فریب در رژیم آخوندها پیروز گردیدند آهنگ کهنه و تهوع آور کی بود: کی بود من نبودم از هر سوراخی به گوش رسید و همچون همه این سالهای سیاه و چرک احساسات: تمیایات و خواسته های جوانان ایرانی به بازی گرفته شد

بدون هیچ تعارفی باید بگوییم که هر کس در بساط نکبت بار و سراسر رنگ و ریای حکومت دین فروشان در پی پیروزی و افتخار باشد یا عمله و نوکر رژیم است و یا یک احمق تمام عیار!!

در این رهگذر حساب میلیونها جوان نو پا و بی تجربه از دیگران جداسست که همه گاه تشنه یک جرعه از شهد و شربت پیروزی ملی اند و بدون هیچ شک و تردیدی این مهم هرگز در دژخیمان آویزان به مذهب ترسیم نخواهد شد ناگفته نماند که پس از شکست تیم جمهوری

اسلامی (در زمان حاضر تیم ملی ایران وجود ندارد) در برابر مکزیک آن مفسر و کارشناس سیاسی همیشه تشنه در دکان یاران ادعا کرد که در بین دو نیمه به بچه های ما از ظرف رژیم گفته اند باید در این بازی شکست بخورند تا مردم به بهانه پیروزی نتوانند در خیابان ها بریزند و علیه حکومت تظاهرات کنند!!!!!! حیف از تف بر این یاران چند چهره از میبد تا نور و فریب آباد!

جهل من و علم تو فلک را چه تفاوت

همه دکتر و مهندس می خواهند

آجا که بصر نیست چه خوبی و چه زشتی

آن گاه که مردم فقط به «من» فکر می کنند و با «ما» بیگانه باشند و خرید یک کیلو خیار درجه یک را مهم تر از انتخاب نوع حکومت بدانند آیا نباید حجت الاسلام ها به جای بیست و هشت سال به حکومتی دویست و هشتاد ساله و سوار بر مسلمین دل ببندند؟ وقتی برای یک ملت خوردن یک چغاله بادم دارای آن چنان طعمی است که می توانند یک رئیس جمهوری مثل عنتری نژاد را بپذیرا باشند



آیا باید ریشه تمام بدبختی ها را در حکومت همه چیز فروشی پیدا کرد یا این چنین مردمی؟

به کتاب و تاریخ و روایت و حکایت هیچ کاری نداریم و تا آجا که با چشم های خودمان دیده ایم و با گوش های مان شنیده ایم پدر و مادر های ایرانی آن قدر که بچه های دکتر و مهندس می خواهند با فرزندان وطن پرست و

«آدم» اصلاً آشنایی ندارند و چنانچه فرزندی پیش از هر چیز به وطن بیاندیشد او را دیوانه و عقب افتاده از قافله دکتر ها و مهندس ها می شمارند! در سرزمینی که پاک باخته ها و جان باخته هایش در راه آزادی مردم و میهن از هیچ نام و نشان و ارزشی برخوردار نیستند و از سوی افکار عمومی به پشیزی نمی ارزند آیا باید گریبان رژیم ضد بشری را گرفت یا مردمی که بیش از هر چیز میل به ابتذال دارند و دم به دم تقاضای آن دارند تا یکی بیاید و آنان را فریب بدهد؟ هر چه نگاه می کنیم کرم از خود درخت می بینیم و عجب مصیبتی است زندگی برای یک وطن پرست و مسئولیت شناس در این خاک که همگان او را مالیخولیایی و

کجا هستند مردان؟

گرفتار در ارزش های رنگ باخته می دانند!! حکایت شب هجران به دشمنان مکنید که نیست سینه ارباب کینه محرم راز در فرهنگ عجیب و غریب و پر ضد و نقیض ما ایرانی ها تمام نشانه های درستی و قدرت و صداقت و پایبندی را در مردانگی خلاصه کرده ایم و ملاک و میزان را با این جمله اگر مردی به میان می کشیم در همین فرهنگ زائیده از شعار و گریزان از شعور نیز می خواهیم به دنیا ثابت کنیم که سرزمین ایران هزاران سال پیش دارای پادشاه زن بوده و از این رو خود را پیشگام آزادی برای زنان به شمار می آوریم و در حالی حلو! حلو! می کنیم که زن در جمهوری اسلامی نه تنها حتی یک شهروند درجه دو نیست بلکه دچار بدترین و نازل ترین شرایط حقوقی و اجتماعی گشته است. لابد درگذشته های ما ایرانی ها خیلی چیزها مثل امروز بوده تا قدیمی ها بگویند «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» و اما در جامعه مردم سالار می بینیم که آخوندها هر کاری که خواسته اند با زن و ناموس ایرانی کرده اند و مردهای غیرتی هم در کمال نجابت و سر به زبری از هر گونه واکنش چشم فرو بسته اند و بسیاری نیز در حال و حول به سر می برند و خوش خوشا نشان هم می شود. تلنگری به تاریخخانه و فراموشخانه مغزهای منجمد یادآور آن است که به هنگام زایش جانوری به نام جمهوری اسلامی یکی از شعارهای «ان قلابی» که از سوی ملت بپا خاسته سر داده میشد این گونه بود «ارتش به این بی غیرتی

فقه جوانها بخوانند

و خجالتی تاریخی را برای همه مرد نماها به یادگار خواهند گذاشت !
بازار شوق گرم شد آن شمع رخ کجاست
تا جان خود بر آتش رویش کنم سپند

بی تعارف برای پنجاه میلیون ایرانی که هیچ نقشی در زایش جمهوری اسلامی نداشته اند باید بگوئیم که بزرگتر های شما با فاجعه ای که در سال پنجاه و هفت آفریدند و بیست و هشت سال آزار این جانور آخوندی را در آن سرزمین همیشه افسرده پذیرفته اند بزرگترین ضربه زن به شما بودند و نشانگر تمام و کمال این گفتار بزرگ:
دشمن دانا بلندت می کند

بر زمین ات می زند نادان دوست
آنانی که با نادانی و نهایت حماقت به خیابان ها ریختند تابه خواست آخوند همه چیز را زیر و رو کنند و از فردای بیست و دوم بهمن ننگ آور به تماشای بر باد رفتن آبرو : شرافت : نجابت:
انسانیت و هر چه با ارزش نشستند عموما سر در آخور دین فروش ها گذاشتند تا مثل بسیاری از گذشته ها هم خدا را بخوانند و خرما را! هرگز نباید گول مشتریان پر و پا قرص «خدا و خرما» را خورد و هر جوان ایرانی باید به هوش باشد که اگر پدر و مادر او صاحب حداقل بینش

هرگز ندیده ملتی «و حالا و با توجه به اوضاع و احوال چندی پیش آور امروز و مردمانی که تا خرخره در کثافت ، فحشاء،اعتیاد،حقه بازی؛ بی تفاوتی و سقوط کرده اند آیا نباید بدون «بلا نسبت» به خودمان بگوئیم «مردان به این بی غیرتی هرگز ندیده دولتی؟!» شماری از زنان دلاور و جان بر لب رسیده در سرزمین آخوند زده چندی پیش در میدان بیست و پنج شهریور اجتماع کردند و فریاد آزادیخواهی نمودند که دقایقی بعد با یورش وحشیانه اوباش و فاحشه های اسلامی روبرو شدند و مورد ضرب و شتم دژخیمان قرار گرفتند و تعدادی نیز دستگیر و روانه سیاه چال های رژیم شدند تاسف بار ترین و تأثر بارترین نکته در این واویلا آن بود که مردهای خوش غیرت حاضر در صحنه یا به تماشای ایستادند و یا با بی خیالی یک رهگذر در ناکجا آباد گام زدند.

اگر مردی و مردانگی فقط در آلت تناسلی و مقداری ریش و پشم است این را که هر جانور نری هم دارد و به راستی کجا هستند مردان؟؟؟؟؟؟؟؟ بدون هیچ شک و تردیدی باید باور داشته باشیم که شیر زنان ایرانی به زودی اولین تازیانه ها را بر گردن هیولای آدمخواری همچون جمهوری اسلامی خواهند نواخت

و شعور و شخصیت بودند هیچ گاه زیر بار حکومت آخوندی نمی رفتند و اینگونه آن کهن دیار را به خاک سیاه نمی نشاندد. نگارنده این سطرها نیز خود را در سال پنجاه و هفت یک جوان نادان بوده که پیش از بیست و دوم بهمن با ماهیت پلید و فریبکار اهالی جمهوری اسلامی آشنا گشته و حساب و کتاب خود را برای همیشه از دکانداران دینی جدا ساخته است . از این رو هر ایرانی چهل و پنجاه سال به بالا در وضع حمل این رژیم ضد ایرانی و ایرانی سهم و نقش داشته است و اما چه باید کرد که دیوار حاشا برای ما از روز ازل بلند تر از مال دیگران بوده است در این روزهای حساس که امریکا و انگلیس و روسیه و چین و فرانسه و آلمان و دیگر چپاول گران مدرن در تکاپوی ابقاء جمهوری اسلامی و یا جزیه ایران هستند می بینیم که همان پیر و پاتال های وطن فروش که با یک پرس چلوکباب آب از دهان و لوجه هایشان سرازیر می شود در آمریکا و اروپا به سمینار و کنگره ایران شناسی می روند تا زیر چنین سر پوش هایی اعلام سرسپردگی و نوکری به دشمنان ایران و ایرانی فرمایند! آهای جوانان ایران! یادتان باشد که نود و نه درصد این پیر و پاتال های به اصطلاح روشنفکر صد در صد قلابی و بند باز هستند و اگر جز این بود این چنین در چنگال حکومت آخوندی به اسارت نمی ماندیم ! بهتر است که به دنبال آن یک در صد آدم حسابی در این بازار مکاره

هتل کالت

Rn1/4YŠ°HoîK±xñj1/2nΠTw4Â±TÀ



HOTEL CULT

Offenbacher Land strasse 56,
60599, Frankfurt am Main

Tel.: +49 (0) 69 / 96 24 460

Fax: +49 (0) 69 / 92 44 46 666

مرکز خرید و فروش و تعمیرات اتومبیل

Privater Auto Markt

(به مدیریت کریم سرپولکی)

مقدم هموطنان ایرانی و دوستان افغانی را گرامی می داریم

انواع اتومبیل آلمانی ، اروپایی ، امریکایی و ژاپنی



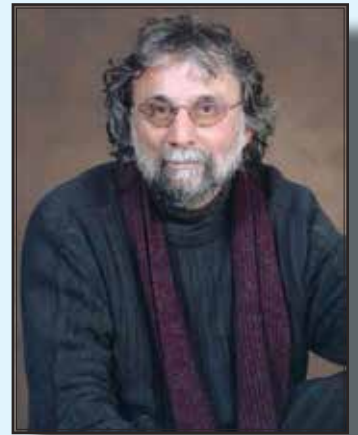
اتومبیل خود را در برابر
مبلغی مختصر به مدت
یکماه در AutoMarkt
در معرض فروش قرار
دهید و شخصا با هر
قیمتی که مایلید به
فروش برسانید

Tel: 069 422200

Fax: 069 421382

Diburger strasse. 14-18 60386 Frankfurt

وقتی قلب حساس آقای مسعود بهنود آزرده می شود



بصیر نصیبی

به شتره گفتند شاشت پسه گفت: چه چیزم مثل همه کسه؟ این ضرب المثل مشهور رفتار آقای مسعود بهنود را در ذهن تداعی میکند. جناب بهنود در ج.ا با رفتار عاقلانه! خود توانست همکاری اش با رژیم پیشین را نزد سران جمهوری اسلامی ناچیز جلوه دهد و جای خودش را تا آن حد در رژیم آخوندها باز کند که به مقام مشاورت دفتر رفسنجانی نائل آمد و این سمبل فساد و تباهی، قتل و جنایت را سردار سازندگی نامید. اما سیر حوادث به گونه ای پیش رفت که جناب بهنود هم به جمع تبعیدیان! پیوست، وقتی خرش از پل گذشت (یعنی خودش از مرز گذشت) تازه قوه غذائیه! (اشتباه تایپی نیست) متوجه شد که ایشان ممنوع الخروج بوده اند و برایش حکم جلب صادر کردند که البته جناب بهنود در نهایت به حکم اعتنایی نکرد اما به جای اینکه در مخالفت با رژیمی که اخراج و تحت تعقیب قرار داده بود مصمم تر نشود با افتخار در سفارت ج.ا حاضر شد و در شب انتخابات فرمایشی اخیر شرکت کرد و آنچه در توان داشت برای باز گرداندن سردار به تخت ریاست جمهوری مایه گذاشت- انجمن صنفی مطبوعات نیز در دولت آقای احمدی نژاد از او جلیل کرد- هم اکنون ایشان در مطبوعات ج.ا اسلامی قلم میزنند و مطبوعات حکومتی از این مجرم متواری با چه عزت و احترام یاد می کنند! خوب شما یک ضرب المثل را نشان بدهید که بتواند به مانند قضیه شتره، موقعیت آقای بهنود در جمهوری اسلامی و رفتار های دوران تبعید ایشان را تصویر کند؟

جدید ترین گفتگوی آقای بهنود با سایت حکومتی انتخاب است. انگیزه این مصاحبه گسترش فعالیت یک گروه مسلح بلوچ است که رژیم را سخت ترسانده است؛ به خصوص در شرایطی که امریکا و ج.ا برای همدگر شاخ و شانه می کشند و ج. اسلامی که مامورین امنیتی و شکنجه گران خودش را نمی تواند حفظ کند - ادعا دارد که اگر پای امریکا ی جهانخواه به کشور تحت اسارت آخوندها برسد، ارتشش تار و مار خواهد شد. ج.ا ۱۰۰۰۰ نفر از سپاه پاسداران بس ج. نیرو های امنیتی، نیروی های ضد شورش را به منطقه گسیل داشته و روز و شب، مردم بی گناه و بی دفاع آن خطه را بی آنکه در این ماجرا نقشی داشته باشند از زمین و هوا به گلوله می بندد و برای ایجاد رعب و وحشت محاکمات صحرایی تشکیل می دهد. اما صدایی از مجامع حقوق بشر شنیده نمی شود. خاتم شیرین عبادی که اجحاف به حقوق مردم و بی عدالتی را در هیچ سرزمینی به استثنای ج.اسلامی تاب نیاورد به جنایت کنونی رژیم و بلوچ کشی، اعتراضی نمی کند.

خوب در این موقعیت مصاحبه سایت حکومتی انتخاب با آقای بهنود مفسر رادیو بی بی سی و رادیو های دیگر- مسئول سایت روز) متمایل به باند خاتمی/ رفسنجانی و...) معنا و مفهوم دیگری دارد. سایت انتخاب در مقدمه می نویسد:

باوجودی که ایشان (بهنود) مدتی ست به دلایلی! ایران را ترک گفته، اندکی از وطن دوستی و انصافش کم نشده، با دیدن فیلم وحشی گری های گروهی جاهل و متعصب ابراز انزجار خود را از این عمل اعلام می کند، اما در داخل متأسفانه گروهی که خود را حامی و مدافع حقوق مردم می دانند در قبال این فاجعه هیچ حرفی نگفته و موضعی نگرفته اند(سایت انتخاب اول خرداد ۸۶)

مشخص نیست به چه دلیل همانگونه که در مقدمه این سایت ادعا میشود حتا عوامل رژ یم نیز

حاضر نیستند در مورد این وحشی گری از حکومت دفاع کنند و به اعتراف انتخاب - آقای کروی هم ار کنار این ماجرا بی تفاوت گذشته و آیات عظام حکومتی هم وقتی به التماس های انتخاب که فتوایشان را طلب کرده است نگذاشته اند، فقط مسعود بهنود وطن دوست! اخراج شده و تحت تعقیب، به این خواست جواب می دهد.

ما چند پاره از مصاحبه آقای بهنود را جدا و در اینجا نقل می کنیم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

وقتی مصاحبه کننده از ایشان می پرسد که آیا فیلم فاجعه تروریستی تاسوکی رادر سایت انتخاب دیده است؟

آقای بهنود در جواب میفرماید: دیدم و ندیدم ۴ بار آن را گشودم، ولی هر بار پس از ۴ ثانیه چشم از آن برگرفتم و تاب دیدم نبود.

. کسی که ایشانرا نشناسد فکر میکند با نوجوانی از نسل سوم طرف است که در اروپا رشد کرده و حالا یکباره با چنین صحنه هایی مواجه شده که تاب دینش نبوده.

ایا ایشان نمی داند در دوران انقلاب طلایی آقای خاتمی اعدام شدگان را با جرثقیل در نقاط شلوغ شهر میچرخاندند تا در س عبرتی باشد برای سایرین؟ و انگار نه انگار او دارد با نشریه ای مصاحبه می کند که مسئولانش از بافت همین حکومت بوده اند و خود شریک جنایت های رژیم، ایشان که از همان روزهای نزدیک به پایان عمر رژیم گذشته خودشانرا کم کم به حامیان خمینی نزدیک می کردند لابد حوادث آن دوران را بیاد دارند.

آیا فاجعه آتش زدن سینما رکس آبادان را از یاد برده اند که ۴۰۰ نفر تماشگر از زن و مرد و پیر و جوان و بچه را زنده زنده سوزاند ند و به خاکستر تبدیل کردند؟ آقای بهنود نمیداند که فاجعه سینما را آخوندهای حامی خمینی آفریدند؟ همان آقای خمینی که رهبر انقلابش می گویند و آقای بهنود با احترام و ستایش از او یاد می کند و او را پدر خطاب کرده است. به یک مورد جنایت از میان هزاران جنایت که همان اوایل

حکومت خمینی، سپاه پاسداران عامل اجرایش بود اشاره می کنم. افراد این سپاه در طی حمله ای همه پاسبانهای آذر شهر (این شهر ۴۰ پاسبان داشت) را جلوی چشم همسر و بچه ها و بستگانشان سر بردند و بعد اجساد را قطعه، قطعه کردند و ماشین هایی که از شهر می گذشتند: مجبور بودند از روی بدن های قطعه قطعه اینان عبور کنند. (این گزارش در رادیو آزادی دوران خاتمی طی چند برنامه بخش شد. هر کس به صحت آن شک دارد از آرشو رادیو فردا، جانشین برحق رادیو آزادی بخواند)

آیا آقای بهنود از این جنایت مطلع نبودند؟ فکر نمی کنم. اطلاعات خبرنگار کارکشته ای چون ایشان از منی که چنین تجربه و پیشینه ای ندارم کمتر باشد. نکند ایشان در برابر جنایت، فقط حس باصره شان حساس است و خواننده ها و شنیده ها در ذهن پر بار شان کوچکترین اثری ندارد. بسیار خوب من ابتدا جنایت اخیر ج.ا را در کردستان از زبان یک دختر جوان کرد با نام مستعار آگرین بازگو می کنم.

... شیر مردی به نام "شوانه ی قادری" را در مهاباد... به جرم به آتش کشیدن صندوق به ظاهر انتخابات سالم! "و خدشه دار کردن نتیجه ی انتخابات در آن حوزه دستگیر و شکنجه می کنند و بعد جنازه ی او را بصورت عریان در حالی که پاهایش به کامیون سپاه بسته اند در میدان اصلی شهر مهاباد به زمین می کشند تا عبرتی باشد برای سایرین؟ و بعد در کمال بی شرمی وقتی که فیلمی که توسط یکی از کسانی که مامور شستن و تغسیل پیکران شهید بود و با تلفن همراه وی و به دور از چشم گزرمه های حکومتی گرفته شده بود منتشر شد، با وقاحت تمام اعلام می کنند که مردم شهر شب هنگام نبش قبر کرده و پیکروی را با اطوسوزانده و با پیچ گوشستی پهلوی او را سوراخ کرده و سینه ی او را دریده و با بند کفش به هم دوخته و کلمه ی "مرگ" را به همراه تصویر جمجمه ی مرگ روی آن کشیده اند!

که حکومت ظالم جمهوری اسلامی زمینه ساز آنست و مسئول مستقیم ایجاد چنین فضایی همان رژیم است که آقای بهنود همراهی با باندی و مدارا با باندهای دیگرانرا بعنوان خط مشی سیاسی خود انتخاب کرده اند و برای خوش آیند کلیت رژیم منکر بدیهی ترین واقعیت یعنی تاثیر یک محیط آلوده، خشن و ظالمانه در پرورش نسل جوان می شوند.

آقای بهنودمی داند سنگسار در دنیای امروز ننگین ترین رفتار است که جناب مهاجرانی وزیر اندیشمند خانی و دوست عزیز بهنود هم اجرای آنرا تأیید فرموده اند؟ آیا تحمل تماشای این قانون اسلامی برای بهنود بدون هیچ عارضه ایست؟ در زمان ریاست آقای خانی مکار کسی که در بیدادگاه های اسلامی محکوم به در آوردن چشمش از حدقه شده بود، حکم در باره اش اجرا نمی شد- می دانید چرا؟ چون پزشکی را پیدا نمی کردند تا حاضر شود چشم محکوم را در آورد. آیا آقای بهنود که این چنین نسبت به رفتار های گروه بلوچی حساس هستند در برابر بریدن دست و یا حد زدن با شمشیر و چشم در آوردن در ج.ا چه واکنشی نشان داده اند؟ آیا کسی مقاله ای از ایشان خوانده است که این توحش رژیم را ملامت کرده باشند؟ آقای بهنود از ترورهای خارج از کشور ج.ا اطلاع ندارند؟ آیا نمیدانند که رژیمشان شاپور بختیار و فریدون فرخ زاد را به چه شیوه ای کشت؟ آیا با کار آسپزخانه بدنشان را قطعه، قطعه نکرد؟ آیا باید قاتلین، فیلم این جنایت هارا برای ایشان نمایش دهد تا قلب مهربانشان آزرده شود؟ آقای بهنود در گفتگو با انتخاب می گوید:

چنین وحشی گری در میان ما ایرانیان نبود!! عجب!! پس این جمهوری اسلامی و دوستان اصلاح طلب نبودند که با چراغ سبز خمینی دهانفر را در سفارت امریکا به گروگان گرفتند؟ چه کسانی در پشت بام خانه خمینی چوبه های دار برپا کردند و یاهزاران نفر را در سالهای ۶۰ و ۶۷ اعدام کردند و آنها را در گور های دسته جمعی قرار دادند؟ پس این پاسداران نبودند که به صدها زن در زندان ها تجاوز کردند، هزاران زندانی را در زندانهای ج.ا به وحشیانه ترین شکل شکنجه دادند و شکنجه مشهور به تابوت حاج داود هم شایعه ضد انقلاب است؟ به این جنایت ها بیفزائید، بریدن پستان یک زن تب دار، دزدیدن سر به نیست و خفه کردن نویسندگان، کشتن زنان بدبختی که به ناچار به تن فروشی تن می دادند و... تا قتل فجیع زهرا کاظمی و... و این ها فقط مشتی است نمونه خروار.

آقای بهنود در باره ریگی و افرادش می گوید: ...ظلم و بی عدالتی و فشار در هیچ انسان عادی چنین واکنشی نمی آورد - دروغ است - چیزی علاوه بر این می طلبد از جمله خوی نامردمی و آدمخواری (بهنود در گفتگو با انتخاب). پس رژیم که آدم می کشد، گردن میزند، چشم در می آورد، دست قطع می کند، گروگان می گیرد، ترور می کند، برجسته ترین حامی تروریست

آمدی / خوش آمدی /...حق ما بگیر/ داد ما بپرس / تیغ برکشیده رامکن به خیره در نیام / حالیا که می رود سمند دولت بران / حالیا که تیغ دشنه تو میبرد / بز!

وقتی یک شاعر اندیشمند معاصر مبلغ خونریزی و خشنونت و گردن زدن است از یک جوان ۲۳ ساله کم سواد چه توقعی میتوان داشت؟ جوانی که تحت تعالیم اسلام ناب محمدی رشد کرده در فقر و حقیر زیسته و از بخت بدترش در خطه محروم تر بلوچستان بدنیا آمده - از کوچکترین امکان بهره نبرده، کودکی بوده با هزاران آرزوی سرکوب شده دوران شیرین کودکی، بارها شاهد بوده که مامورین دولتی، به آلودگی بلوچ ها حمله کرده اند، آجا را به آتش کشیده اند، او که سر پناهش را از دست داده است در آغوش مادری در مانده چه کرده است؟ شاید به غاری پناه برده است که هم اکنون پایگاه اوست، او چه بسا شاهد تجاوز ماموران امنیتی به زنان و دختران بلوچ، بوده - او دیده است مردان طایفه شان را چطور با بی رحمی به جرمی



مرتکب نشده اعدام کرده اند، آیا باید رژیمی را به محاکمه کشید که چنین فضای مسموم و آلوده ای را رشد داده است یا جوانی که خود قربانی این سیستم است؟

آقای بهنود برای خوش آیند رژیم منکر تاثیر محیط بر مردم یک جامعه می شود و می نویسد:

ظلم و بی عدالتی و فشار در هیچ انسان عادی چنین واکنشی نمی آورد - آقای بهنود به ناچار می پذیرد که بلوچ های ایران به مانند دیگر مردم ایران سالها زیر ظلم و بی عدالتی حکومت محبوب آقای بهنود بوده اند، اما برای تکمیل گفته ایشان بگویم که انسانی که از لحظه چشم باز کردن زیر فشار و ظلم و بی عدالتی باشد دیگر یک انسان عادی نیست با اتکا به همان ارقامی که خود رژیم ارایه داده (۱۱ میلیون در ایران از ناراحتی های عصبی / روانی رنج میبرد که این آمار خود نشانگر محیط ی غیر عادی است

بله بیادمانده - خودم گفتم که انگار آقای بهنود - فقط حس باصره شان حساس است - پس حتما باید عکس های این جنایت را روی سایت ها دیده باشند، وقتی آن تصاویر را دیدند چه کردند؟ کدام واکنش را نسبت به چنین عمل وحشیانه از خود بروز دادند؟ آیا از آقای بهنود مقاله یا مصاحبه ای هست تا مادر بایم ایشان که از فاجعه تروریستی تاسوکی این چنین ملتهب شده بودید از جنایت رژیم در مهاباد به چه حالی دچار شده اند؟ نکند آقای بهنود فقط وقتی تصویر متحرک باشد حس باصره شان واکنش نشان می دهد؟

بسیار خوب آقای بهنود فیلمی که از زبان بریدن اسانلوبه خارج از ایران رسید را دیده اند؟ اگر دیده اند چند ثانیه اش را تحمل کردند؟ آیا منصور اسانلو کسی را گروگان گرفته بود؟ کسی را کشته بود؟ جواب خواست او که دفاع از حق کارگران محروم شرکت واحد بود بریدن زبان است؟ منتظریم که مقالات کوبنده آقای مسعود بهنود را در تقبیح این اینگونه وحشیگری های ج.ا بخوانیم تا بتوانیم مانند روزی نامه انتخاب ستایشگر وطن دوستی و انصاف این جناب مخمل قلم باشیم.

علاوه بر این مورد، بعد از دیدن فیلم هایی که از سنگسار در جمهوری اسلامی مخفیانه تهیه و بسیار وسیع پخش شد، چه حالی به آقای بهنود دست داد؟ آیا در فیلم سنگسار ندیدند که چگونه انسانی نگویند بخت را تا نیمه در خاک می کنند و جمعیتی با ولع آنقدر سنگ به پیکر خون آلود فرود می آورند تا جان اسیر از تنش بدر رود، آن تماشاگران سنگ انداز که این چنین بی رحم شده اند کی هستند؟ آنها اکثر جوانانی هستند که در سیستم جمهوری اسلامی بار آمده اند و از روزی که چشم به دنیا گشوده اند آنچه دیده اند و شنیده اند، تحسین جنگ و خشنونت و شهادت و عناد و کینه و انتقام بوده است. ریگی جوان ۲۳ ساله بلوچ کی هست جز یکی از جوانانی که در همین حکومت بدنیا آمده است؟ آیا او نمی تواند دانشجوی دانشگاه باشد؟ چارادر کوهها سرگردان است؟ آیا کسی در رژیم اسلامی از طریق دادخواهی به حقش می رسد، تا او نیز از این طریق داد خود را بستاند؟ بله جریه دوران فریب زیر عنوان اصلاحات به هر کسی که نسبت به این حکومت کوچکترین توهمی داشته نشان داد که ج.ا زبان گفتگو، برخورد انتقاد آمیز و مسالمت را درک نمی کند و هر چه بماند و هر چه بهنود ها راه بقایش را هموارتر کنند دایره خشو نت محیط گسترش خواهد یافت، هوشیار باشید که روزهایی بسیار وحشتناک تر در پیش داریم، عبدالملک بلوچ ها که تخم کینه و انتقام در دلشان کاشته شده کم نیستند - رژیم و روشنفکران همراهش خود به آنها آموخته اند که نباید به دشمن رحم کرد، این سروده سیاوش کسریایی شاعر توده ای مشهور را بخوانید:

دارم پیام / ای امام / که زبان خاکبایم و رسول رنج /

ظلمت‌گدازه مذهب

حرف تازه

از: فرخ فروزین

آی از آزادگان از دست استبداد، داد مردمان شش هزاران ساله را بر باد داد هر دم از هر گوشه آید ناله و فریاد داد آی ای آزادگان از دست استبداد، داد ایران طی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ با تلاش فراوان به یک زیر بنای اقتصادی برای صنعتی شدن و به یک توفیقات اجتماعی لازم برای رفاه یک جامعه مدرن و پیشرفته دست یافت و توسعه و تعمیم فرهنگ و سایر خولات اساسی موجب گردید اکثر قریب به اتفاق سازمانها و گروه های سیاسی به عنوان بازتاب این حرکت و برگرداندن جامعه به دوران تاریک گذشته و مانع جدی از هر گونه پیشرفت و ترقی و بی محتوا کردن شور و شوق ملی از طریق منحرف کردن حرکت های سازنده دست به یک رشته تلاش های مذبوحانه بزنند و با دعای آزادیخواهی و مبارزه با ظلم و فساد و با واقعیت اجرای برنامه های ویرانگر استعمار همانند گوسفندان به دنبال آقایان به اصطلاح روشنفکر جامعه به خیابانها بریزند مشتها بلند کنند شعار ها سر دهند اتومبیلها، ساختمانها، کیوسکهای تلفن، بانکها و کتابخانه ها را به آتش بکشند و ویران نمایند که البته این تلاشها با قتل های بی رحمانه و ناجوانمردانه همراه بود اما علیرغم تمام این کوشش ها در سالهای دهه ۴۰ و نیمه ۵۰ کشور با اجرای طرح های عمرانی و آبادانی به پیش رفت از جمله گروه هایی که حادثه آفرین خونین بودند می توان شرکت فعال جبهه ملی در حوادث دانشگاه تهران، حوادث مدرسه فیضیه قم و پانزدهم خرداد ۴۲ به رهبری خمینی و با همکاری مالکین عمده و سپهبد تیمور بختیار و قتل حسن علی منصور نخست وزیر توسط شاخه نظامی هیات متولفه اسلامی و اجرای طرح مبارزه منفی علیه رژیم توسط نهضت آزادی در سال ۴۳ و آغاز مبارزه مسلحانه حزب ملل اسلامی و سوء قصد به جان شخص اول مملکت در سال ۴۴ و صدها اعتصاب توام با خشونت و درگیریهای مسلحانه در محیط های دانشجویی و کارگری توسط مارکسیست ها که تمام این کوشش ها جلوه هایی از سفاکی و اشتیاق به خونریزی و در جهت تامین بیگانگان و علیه مصالح ملی ایران بود نهضت های مذهبی که همواره به عنوان یک عامل قابل ملاحظه در

فرمول بندهای سیاسی مورد استفاده قرار می گرفت مورد تجدید نظر در شکل تشکیلات و نحوه مبارزه واقع شد بطوریکه قادر باشند گروه هایی از مردم را که تحت تاثیر پیشرفتهای فکری و فلسفی به بیداری و هوشیاری ذهنی رسیده و دیگر حاضر به تمکین نسبت به رهبری های کهنه گرایانه پیشوایان مذهبی نبودند بتوانند مهار کنند تا چاه های متعفن امام غایب را بخوردشان دهند از جمله این گروه ها که مورد نوسازی قرار گرفت نهضت آزادی ایران بود و تشکیل سازمان آزادیبخش ایران در سال ۱۳۴۴ با توجه به الزامات جدید در اوضاع و شرایط ایران پایه گذاری گردید که هم بتوانند برای نسل های جوان خاصه دانشجویان و دانش آموزان جاذب باشند و هم قدرت مقابله با تبلیغات و آموزشها و نوع مبارزه قهر آمیز مارکسیست ها که در سالهای دهه ۴۰ تشکیل یافته بودند داشته باشند در حقیقت اساس سخن توضیح پیرامون دلایل لزوم اینگونه نهضت ها و چگونگی ارتباط خارجی اینگونه سازمانها و کانونهای و نقش گردانندگان و اعضاء آنها در سقوط ایران و تشریح حقایق با مرور لحظه به لحظه حوادث به این امید که با روشن شدن وقایع برای نسل های آینده ایران انگیزه تفکر و تعمق باشد تا دشمنان حقیقی سعادت ایران را بشناسند و منشاء پژوهشی باشد برای آنانکه با عشق به میهن و تعقیب آرمانهای تعالی آفرین برای نجات ایران میکوشند. در شماره های پیشین به این باور اشاراتی داشتیم که استعمار بریتانیا که از دیر باز در معامله با ملل شرق به انواع حيله ها و شیوه ها توسل جسته از عامل مذهب و متولیان رنگارنگ و سازشکار و حيله گر بیش از هر وسیله دیگر سود برده است زیرا می دانست عامل مذهب اهرم نیرومندی است که هر کس آن را در دست داشته باشد قادر است نیروهای میلیونی را با شعله های سوزان و ویرانگر احساسات و تعصب به حرکت درآورد و به سوی مقصود خاص خود سیر داد بنابر این در اوایل قرن نوزدهم پیوند شوم استعمار و ارتجاع سیاه بسته شد و ثمره این مقاربت نامشروع و زنا سیاسی - مذهبی همچنان بلای ملل شرق گردد و خالق بله های گوناگون برای مردم سرزمینهای اسلامی شد نتیجه گیریهای استعمار از خصوصیات مردم شرق و کارایی دین و مذهب در این بخش از جهان طراحان سیاست خارجی انگلستان را بر آن داشت که توجه عمده خود را روی مسئله شرق شناسی متمرکز کنند.

مستشرقین که مطالعات شان راهگشای موثری برای سبطره مطلق استعمار گران بر ملتهای شرق بود از جمله برداشتهای خود از تحقیق در احوال این ملل این نتیجه گیری بود که وجود ثبات یکپارچگی و همدلی مسلمانان و اقتدار دولتهای حاکم در ایران و خاورمیانه و همچنین هوشیاری و آگاهی مردم این نواحی می تواند مهمترین و جدی ترین مانع پیشروی و تسلط بیگانگان باشد بنابر این برآن شدند تا طرحی را پایه ریزی کنند که بر پایه آن بتوانند برای همیشه ایجاد تشنج، تشنگ، زдохورد های خانگی: هرج و مرج، پراکندگی و عقب ماندگی و نفاق در این سرزمین ها را تضمین نمایند همچنانکه شاهد و ناظر آن در تمامی خاورمیانه می باشیم در اجرای چنین اهدافی بود که فرقه سازی و مذهب بازی با شرکت گروهی از عناصر جماعت آخوند بنا نهاده شد و در تعقیب همین مقاصد نهضت های قلابی به وجود آمد گروه ها و احزاب ملی و ناسیونالیست هم که بر حسب شرایط زمان به وجود آمده و اعلام موجودیت می کردند قادر به انجام کوشش های دفاعی موثری نبودند بنابر این حزب توده به سرعت پیش می رفت و معلوم بود که در اندک مدتی نتیجه چه خواهد شد تسلط مطلق حزب توده بر تمام کشورها و متعاقبا وابسته شدن مطلق ایران به شوروی و بالاخره اجبار انگلستان به چشم پوشی از ایران، به فرض که این واقعه ناگهانی در سراسر ایران رخ نمی داد همان قدر که روسیه شوروی موفق می شد استانهای شمالی ایران را زیر سلطه درآورد مراحل بعدی کار تهدید جدی حوزه نفوذ منافع دولت انگلستان بود بنابر این انجام اقدامات فوری و موثر ضروری بود. چنانکه دیدیم پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بلافاصله پس از آنکه نفوذ امریکا در ایران رو به گسترش گذاشت به دستور دولت فحیمه انگلستان مبارزه را شروع و سازمان نهضت مقاومت ملی را تشکیل و پس از آن در مرحله دوم فعالیت جبهه ملی دوم وارد صحنه شد و چون این جبهه را متمایل به امریکا دیدند از آن خارج و جمعیت نهضت آزادی را تاسیس کردند و در خارج از کشور انجمنهای اسلامی دانشجویی را در رابطه با سازمان اخوان المسلمین ایجاد نمودند و سرانجام بازوی نظامی نهضت را تحت عنوان سازمان آزادیبخش ایران و با تعلیمات آموزش نظامی اعضاء این سازمان در پایگاه های فلسطین به وجود آوردند شکست خمینی در حوادث پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ استراتژی مبارزه مسلحانه و دست

سپه روزی ملت ایران حاصل تندرستی عده ای روشنفکر مسخ شده خیال‌باف جدا از واقعیت که از شدت انقلابی گری رژیم را هدف قرار دادند و با همکاری و همیاری گروه های مسلح تمام کشور را به هرج و مرج کشاندند که خود نیز در زیر آن تعصبات و باورهای پوچ و خارج از واقع بینی لورده شدند و جز ننگ و بدنامی و سپه روزی نصیبشان نگردید.

در قیر شب دیر گاهی است در این تنهایی
زنگ خاموشی در طرح لب است
بانگی از دور مرا می خواند
لیک پاهایم در قیر شب است
رخنه ای نیست در این تاریکی
در و دیوار به هم پیوسته
سایه ای لغزد اگر روی زمین
نقش وهمی است ز بندی رسته
نفس آدم ها
سر بسر افسرده است
روزگاری است در این گوشه پژمرده هوا
هر نشاطی مرده است
دست جادویی شب
در به روی من و غم می بندد
می کنم هر چه تلاش
او به من می خندد
نقش هایی که کشیدم در روز
شب ز راه آمد و با دود اندود
طرح هایی که فکندم در شب
روز پیدا شد و با پنبه زدود
دیر گاهی است که چون من همه را
رنگ خاموشی در طرح لب است
جنبشی نیست در این خاموشی
دست ها ، پاها در قیر شب است

زدن به ترور مهره های رژیم به عنوان نقطه شروع مورد توجه خمینی قرار گرفت و برای اجرای این طرح به مهدی عراقی مسئول شاخه نظامی هیات مؤتلفه اسلامی مأموریت داده شد تا با گروه تحت فرماندهی اش طرح سوء قصد به جان اعلیحضرت را به مورد اجراء گذارد وی و همفکرانش در زمستان سال ۱۳۴۳ روزهای متمادی در مسیر تهران و پیست آبعلی در کمین نشستند اما توفیقی حاصل نشد و سرانجام به عراقی مأموریت داده شد این طرح را در مورد حسنعلی منصور نخست وزیر و بعضی از مهره های رژیم از جمله اسدالله اعلی، دکتر منوچهر اقبال، ارتشبد نصیری و بعضی از مدیران جراید از جمله امیرانی مدیر مجله خواندنیها که در وقایع پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ مطالبی علیه خمینی به رشته تحریر درآورده بود به مورد اجراء گذارد عاملین قتل حسنعلی منصور به استثنای یک نفر بهنام سید علی اندرزگو که موفق به فرار شد و کلیه اعضاء هیات مؤتلفه که در این ماجرا دست داشتند دستگیر و تشکیلات متلاشی و متعاقباً در سال ۱۳۴۴ با کشف شبکه تروریستی حزب ملل اسلامی وابسته به خمینی تمام تلاشهای سازمان داده شده برای ساقط نمودن رژیم نقش بر آب شد. خمینی که مثنی مسلحانه را تنها شیوه مبارزاتی متناسب با شرایط سیاسی ایران تشخیص داده بود برای دستیابی به این هدف این بار سلولهای تروریستی خود را سازماندهی و به موازات آن از کلیه گروه های در حال فعالیت دعوت نمود صرفنظر از تضادهای ایدئولوژیکی و مسلکی و با هدف براندازی رژیم همه در زیر یک چتر مبارزاتی تحت نظر او جمع گردند اولین گروهی که به این ندا پاسخ مثبت داد جبهه ملی اروپا بود که البته این جبهه مجموعه ای بود از کمونیستها و تروریستها که عنوان جبهه ملی را برای سرپوش نهادن بر ماهیت فکری و تبلیغاتی خود قرار داده بودند و سایر گروه های داخل کشور نیز متدرجاً اعلام همبستگی نمودند.

انقلاب ایران انقلاب کینه و عقده و فریب بود که برای ویران کردن ساخته شده بود که نشانی از انسانیت در آن دیده نمیشد و به نام خدا و اسلام و با بهره گیری از احساسات و معتقدات مذهبی انجام و در واقع انقلاب اسلامی مظهر تعصبا و حماقتها با خصیصه ویرانگری بود.

قابل توجه کلیه سوپر مارکتهای ایرانی و افغانی در سراسر آلمان

در هر کجای آلمان که هستید با تماس با دفتر مجله رنگارنگ می توانید این
مجله را دریافت و در دسترس ایرانیان قرار دهید و نام محل کار خود را به جمع
دهها مرکز فروش ایرانی و افغانی عرضه کننده مجله رنگارنگ بیافزائید

۰۰۴۴۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳

کارگاه واژه و اندیشه

سر هر کوه رسولي دیدند
ابر انکار به دوش آوردند.
باد را نازل کردیم
تا کلاه از سرشان بردارد.
خانه هاشان پر داوودي بود.
چشمشان را بستیم .
دستشان را نرساندیم به سر شاخه هوش.
جیبشان را پر عادت کردیم.
خوابشان را به صدای سفر آینه ها آشتیم.

فرو می ریخت
برخیز و خواب را
برخیز و باز روشنی آفتاب را

سوره تماشا



ترانه ی «ستاره ی روشن» میخاسدی

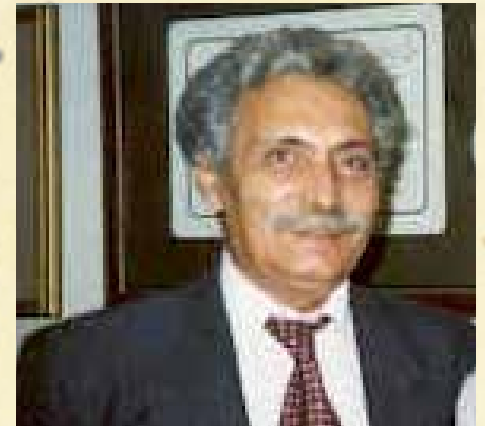
خاکسترت ای ستاره ی روشن
فریاد گلوی ساکت من شد
آواز تو از فراسوی خانه
آوازه ی شهر و کوی و برزن شد
از این سوی خاکهای بارآور
تا آنسوی خاک تشنه ی خونین
فریاد زدی که زندگی این نیست
ناگاه جهان تیره شد رنگین
در یک شب سرد و تیره ی پائیز
بستند ترا به دار آواز
جرم تو چه بود؟ عشق ورزیدن
کشتند ترا به جرم پرواز
خاکسترت ای ستاره ی روشن رویاند گلی به باغ
پندارم
چون گنگ به خواب رفته ای بوم
اینک، اما، هزار سال بیدارم
ای خاطره ی شگفت پویند
دانه شدن و دوباره روئیدن
هرکس که ترا شنید، بینا شد
عاشق شد و بی درنگ زیبا شد
تو هستی و در منی و می مانی
من راز ترا به باد می گویم
من شعر ترا همیشه می خوانم
من راه ترا دوباره می پویم
خاکسترت ای ستاره ی روشن
فریاد گلوی ساکت من شد
آواز تو از فراسوی خانه
آوازه ی شهر و کوی و برزن شد
فریاد زدی که زندگی این نیست
ناگاه جهان تیره شد رنگین
از این سوی خاکهای بارآور
تا آن سوی خاک تشنه ی خونین
هرکس که ترا شنید بینا شد



سهراب سپهری

به تماشا سوگند
و به آغاز کلام
و به پرواز کبوتر از ذهن
واژه ای در قفس است.
حرف هایم، مثل يك تکه چمن روشن بود.
من به آنان گفتم:
آفتابی لب درگاه شماست
که اگر در بگشایید به رفتار شما می تابد.
به آنان گفتم: سنگ آرایش کوهستان نیست
همچنانی که فلز، زیور نیست به اندام
کلنگ در کف دست زمین گوهر ناپیدایی
است
که رسولان همه از تابش آن خیره شدند.
پی گوهر باشید.
لحظه ها را به چراگاه رسالت ببرید.
و من آنان را، به صدای قدم پیک بشارت دادم و
به نزدیکی روز، و به افزایش رنگ .
به طنین گل سرخ، پشت پرچین سخن های
درشت، و به آنان گفتم :
هر که در حافظه چوب ببیند باغی
صورتش در وزش بیشه شور ابدی خواهد ماند.
هرکه با مرغ هوا دوست شود
خوابش آرام ترین خواب جهان خواهد بود. آنکه
نور از سر انگشت زمان برچیند
می گشاید گره پنجره ها را با آه.
زیر بیدی بودیم.
برگی از شاخه بالای سرم چیدم، گفتم :
چشم را باز کنید، آیتی بهتر از این می خواهید؟
می شنیدیم که بهم می گفتند:
سحر میداند، سحر!

بشکن طلسم حادثه را بشکن



از حمید مصدق

بشکن طلسم حادثه را
بشکن
مهر سکوت از لب خود بردار
منشین به چاهسار فراموشی
بسپار گام خویش به ره
بسپار
تکرار کن حماسه خود تکرار
چندان سرود سوگ
چه می خوانی ؟
نتوان نشنست در دل غم نتوان
از دیده سیل اشک چه می رانی ؟
سهراب مرده راست غمی سنگین
اما
غمی که افکند از پا نیست
برخیز
رخس سرکش خود زین کن
امید نوشداروی تو از کیست ؟
سهراب مردهای و غمت سنگین
بگذر ز نوشداروی نامردان
چشم وفا و مهر نباید داشت
ای گرد دردمند ز بی دردان
افراسیاب خون سیاوش ریخت
بیژن به دست خصم به چاه افتاد
کو گردی تو ای همه تن خاموش
کو مردی تو ای همه جان ناشاد
اسفندیار را چه کنی تمکین ؟
این پرغور مانده به بند من
تیر گزین خود به کمان بگذار
پیکان به چشم خیره سرش بشکن
چاه شغاد مایه مرگ توست
از دست خویش بر تو گزند آید
خویشی که هست مایه مرگ خویش
باید شکست جان و تنش باید
گیرم که آب رفته به جوی آید
با آبروی رفته چه باید کرد ؟
سیماب صبحگاهی از سر بلندترین کوهها

سخنرانی نیما در نخستین کنگره نویسندگان

خرداد ماه ۱۳۲۵

شعر من را با حواس جمع بخوانید

از پس پنجاه و اندی ز عمر

ناله بر می آیدم از هر رگی

کاش بودم دور از هر کسی

چادری و گوسفندی و سگی

«در سال ۱۳۱۵ هجری، ابراهیم نوری، مرد شجاع و عصبانی، از افراد یکی از دودمان های قدیمی شمال ایران محسوب می شد. من پسر بزرگ او هستم. پدرم در این ناحیه به زندگانی کشاورزی و گله داری مشغول بود. در پانزدهمین سال، زمانی که او در مسقط الراس ییلاقی خود "یوش" منزل داشت، من بدنیا آمدم. پیوستگی من از طرف جد، به گرجی های متواری، از دیر زمانی در این سرزمین، می رسد.

زندگی بدوی من در بین شبانان و ایلخی بانان گذشت، که به هوای چراگاه به نقاط دور ییلاق و قشلاق می کنند و شب بالای کوهها ساعات طولانی باهم بدوراتش جمع می شوند.

از تمام دوره بچگی خودم جز زد و خوردهای وحشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده آنها، در آرامش یکنواخت و کور و بی خبر از همه جا، چیزی ندارم.

در همان دهکده که متولد شدم خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغ ها دنبال می کرد و بباد شکنجه می گرفت. پاهای نازک مرا به درخت های گزنه دار می بست. با ترکه های بلند می زد و مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولا اهل خانواده دهاتی بهم می نویسند. خودش آنها را بهم چسبانیده و برای من طومار درسی درست کرده بود.

یکسال که به شهر آمده بودم، اقوام نزدیک من، مرا به همیاری برادر از خود کوچکترم "لادین" به یک مدرسه کاتولیک وا داشتند. آنوقت این مدرسه در تهران به مدرسه عالی سن لویی شهرت داشت.

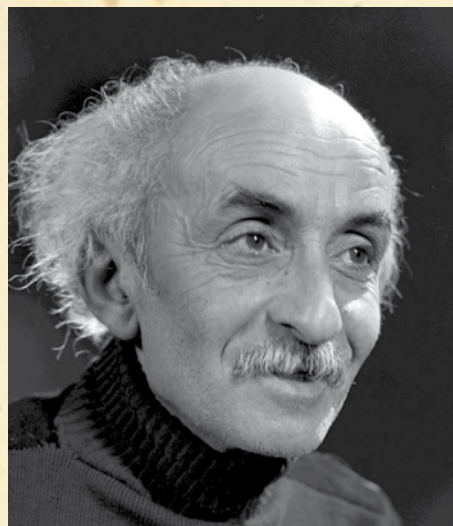
دوره تخصص من از اینجا شروع می شود. سالهای اول زندگی مدرسه من به زد و خورد با بچه ها گذشت. وضع رفتار و سکنت من، کنارگیری و حجبی که مخصوص بچه های تربیت شده در بیرون شهر است؛ موضوعی بود که در مدرسه مسخره برمی داشت. هنر من خوب پریدن و با رفیقم حسین پژمان فرار از مدرسه بود. من در مدرسه خوب کار نمی کردم. فقط نمرات نقاشی به داد من می رسید. اما بعدها، در همان مدرسه، مراقبت و تشویق یک معلم خوشرفتار، که نظام وفا شاعر بنام امروز باشد مرا به خط شعر گفتن انداخت.

این تاریخ مقارن بود با سال هایی که جنگ بین المللی ادامه داشت. من در آنوقت اخبار جنگ را

به زبان فرانسه می توانستم بخوانم. شعرهای من در آنوقت به سبک خراسانی بود. که همه چیز در آن يك جور و بطور کلی دور از طبیعت واقع و کمتر مربوط به خصایص زندگی شخص گوینده وصف می شود.

آشنائی با زبان خارجی راه تازه را در پیش چشم من گذاشت. ثمره کاوش من در این راه، بعد از جدائی از مدرسه و گذراندن دوران دلدادگی بد انجام، ممکن است در منظومه «افسانه» من دیده شود. قسمتی از این منظومه در روزنامه دوست شهید من میرزاده عشقی چاپ شد. ولی قبل از سال ۱۳۰۰ منظومه ای بنام «قصه رنگ پریده» را انتشار داده بودم.

من پیش از آن شعری در دست ندارم. در پانز سال ۱۳۰۱ نمونه دیگر از شیوه کار خود «ای شب» را، که پیش از این تاریخ سروده بودم و دست بدست خوانده و رانده شده بود، در روزنامه هفتگی »



نوبهار» دیدم.

شیوه کار در هر کدام از این قطعات تیرزه را گیتی، مخصوصا در آنزمان بطرف طرفداران سبک قدیم بود. طرفداران سبک قدیم آنها را قابل درج و انتشار نمی دانستند.

با وجود آن، سال ۱۳۴۲ هجری بود که اشعار من صفحات زیاد منتخبات آثار شعری معاصر را پر کرد. عجب آنکه نخستین منظومه من «قصه رنگ پریده» هم که از آثار بچگی بشمار می آید در جزو مندرجات این کتاب و در بین نام آن همه ادبی ریش و سبیل دار خوانده می شد و بطوری قرار گرفته بود که شعرا و ادبا را نسبت به من و مولف دانشمند (کتاب) هشترو دی زاده خشنمک می ساخت. مثل اینکه طبیعت آزاد پرورش یافته من در هر دوره از زندگی من باید با زد و خورد باشد.

انقلابات، حوالی سال های ۹۹ - ۳۰۰ در حدود شمال ایران، مرا از هنر خود پیش از انتشار این کتاب دور کرده بود. من دوباره بطرف هنر خود می آمدم.

این

تاریخ

مقارن بود

با آغاز دوره

سختی و فشار برای

کشور من. ثمره ای که این

مدت برای من داشت این بود که

من روش کار خود را منظم تر

پیدا کنم: روشی که در ادبیات

زبان کشور من نبود و من به

زحمت عمری در زیر بار خودم

و کلمات و شیوه کار کلاسیک راه را صاف و آماده

کرده و اکنون در پیش پای نسل تازه نفس می

اندازم.

در اشعار آزاد من وزن و قافیه به حساب دیگر

گرفته می شوند. کوتاه و بلند شدن مصرع ها

در آنها، بنا بر هوس و فانتزی نیست. من برای بی

نظمی هم به نظمی اعتقاد دارم. هر کلمه من

از روی قاعده دقیق به کلمه دیگر می چسبد.

شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آن است.

مایه اصلی اشعار من رنج من است. به عقیده

من، گوینده واقعی باید آن مایه را داشته باشد.

من برای رنج خود و دیگران شعری گویم. کلمات

و وزن و قافیه درهمه وقت برای من ابزارهایی بوده

اند که مجبور به عوض کردن آنها بوده ام. تا با

رنج من و دیگران بهتر سازگار باشد.

در زندگی من، از جنس رنج های دیگران هم سهم

هائی هست؛ بانوی خانه و بچه دار و ایلخی بان

و چوپان نا قابل نیستند. وقت پاکنویس برای من

کم است. اشعار من متفرق بدست مردم افتاده.

یا در خارج کشور توسط زبان شناس ها خوانده

می شود.

از سال ۱۳۱۷ به بعد در جزو هیئت تحریریه «مجله

موسیقی» بوده ام و به حمایت دوستان خود در

این مجله اشعار خود را مرتبا انتشار داده ام.

من مخالف بسپار دارم - می دانم، چون خودم

بطور روزمره دریافته ام. مردم هم باید روزمره

دریابند. این کیفیت تدریجی و نتیجه کار است.

مخصوصا بعضی از اشعار مخصوص تر بخود

من. برای کسانی که حواس جمع در عالم

شاعری ندارند مبهم است. اما انواع شعرهای

من زیادند. چنان که دیوانی به زبان مادری خود، به

اسم «روجا» دارم. می توانم بگویم من به رودخانه

شبیه هستم، که از هر کجای آن لازم باشد بدون

سروصدا می توان آب برداشت.

خوش آیند نیست اسم بردن از داستانهای

منظوم خود به سبک های مختلف. که هنوز

بدست مردم نیامده است. باقی شرح حال من

همین می شود:

در تهران می گذرانم. زیاد می نویسم. کم

انتشار می دهم و این وضع مرا از دورتنبل جلوه

می دهد.

کانون نویسندگان

محمود سربابی

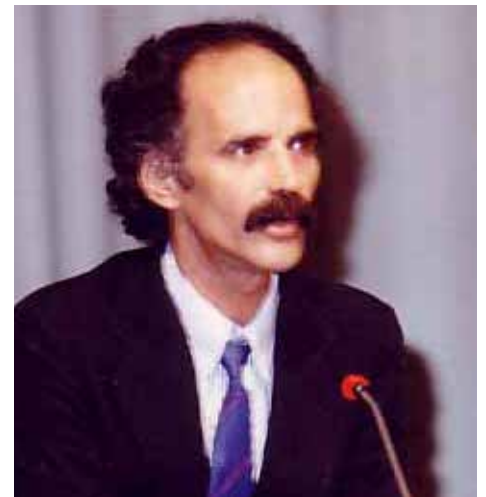
روشنفکران آرمانشهر زمان شاه به اتاقی محقر در

برای کانونی که دیگر خط
تبعید در آن بی رنگ شده!

این نوشته ۸ سال پیش بچاپ رسیده

اولین بیانیه کانون نویسندگان ایران در سال ۴۷ به نام «در باره یک ضرورت» چاپ شد که این در پاسخ دعوت فرح پهلوی شهبانوی سابق ایران از نویسندگان برای کنگره سراسری نویسندگان ایران بود که سمتی از این بیانیه بدین شرح است:

مردم و سازمان های عامله کشور خاصه همه کسانی که با اندیشه و ابداع سروکار دارند باید بیاموزند که بیان یا اندیشه دیگران را خواه مخالف یا موافق تحمل کنند و آزادی را به خود محدود ندارند دایه: قیم یا از آن بدتر گزیده نباشید. چه آزادی اندیشه و بیان



در فطرت آدمی است و هیچ چیز و حکمی قادر به نفی آن نیست آزادی اندیشه و بیان خمیلی نیست ضرورت است ضرورت سرنوشت فرد و اجتماع ما، و در سال ۵۶ در بیانیه دیگری کانون نویسندگان می گویند:

کانون نویسندگان ایران برای اینکه بتواند آزادی اندیشه و بیان و قلم و آزادی چاپ و نشر را به حقوق برساند ناچار است به نحوی استوار در موضع آزادی و دموکراسی قرار گیرد از این رو نیروهای هوادار آزادی و دموکراسی را در ایران و جهان تایید می کند و ضمن پشتیبانی معنوی از آنان خود می خواهد مورد پشتیبانی قرار بگیرد. این دو بیانیه کانون نویسندگان

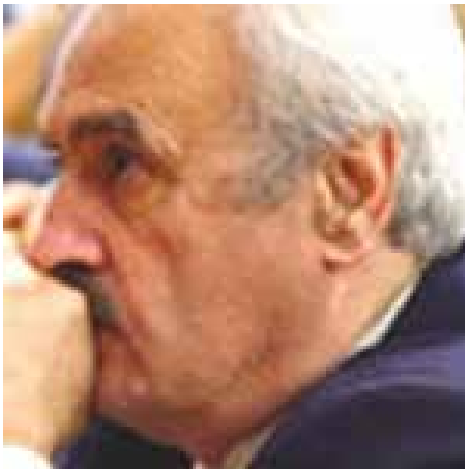
ایران بیانگر دو بخش تاریخی از حضور فعال روشنفکران کشور ماست که اولی شفاف و روشن و قاطع مواضع خود را در مقابل حکومت اعلام می کند و در بیانیه دوم که بفاصله ۹ سال بعد اعلام می شود بیانگر تلاش و کوششی در ارتباط با هواداران و مدافعان آزادی در جهان است و انقلاب ۵۷ و نوید روزهای روشن و ترویج دموکراسی و آزادی چون حبابی لحظه ای شکست وقتی خمینی در اولین یورش خود گفت: بشکنید این قلمها را!

و این دستور سر لوحه رژیم قرار گرفت که بیست سال بی محابا قلمها را شکست زبانها را برید و سینه ها را درید. آزادی اندیشه و بیان را با گلوله و دشنه به سیاه چالهای واپسگرایانه ولایت فقیه بردند. خمینی که بر بال پر قدرت قلم روشنفکران ایران فرود آمده بود مروج آبادانی آرمان شهری بود که روشنفکران ما به دنبالش بودند و امام را در

چیزی به معنای آزادی اندیشه: به
معنی آزادی عقیده یا آزادی دین جزو
اهداف ما نیست و اگر در اساسنامه
کانون نوشتیم اشتباه بوده است و
به نظر من باید اصلاح شود تا ما
منحصر کنیم به بیان و قلم برای
رسمی کردن و قانونی کردن این نهاد
در چهارچوب موجود ملکتمان کاری
بکنیم فقط در چهار چوب موجود
ولاغیر (هوشنگ گلشیری)

چهره منجی آن می دیدند! ولی از شکم اسب تروا دیوی مخوف و آدمخوار متولد شد که خون و کشتار و مرگ و خون، خرسند و راضی می کرد. تا سال ۶۹ حدود ده سال جنگ و گریزی بی امان میان آن گروه از روشنفکران و اعضای کانون نویسندگان که پای بند و معتقد به اهداف خود و کانون بودند جریان داشت که

باعث شد تعداد زیادی جلائی وطن کنند گروهی دچار زندان و شکنجه شوند و گروهی نیز جان بر سر میثاق خود بگذارند. در سال ۶۹ جهت کمک به زلزله زدگان ایران تنی چند از اعضای کانون حرکتی را شروع کردند که این مقدمه ای شد برای احیای کانون و منجر به نوشتن نامه معروف ۱۳۴ نفر شد که بازتابی گسترده و جهانی داشت و موجب شد رژیم یک بار دیگر بر اساس گفته امام و رهبر خود: قلمها را بشکنید وارد میدان شود و با تهدید و ارباب و خشونت فضایی رعب آور به وجود بیورد قتل سعیدی سیرجانی: احمد میر علایی: تفضلی و دستگیری فرح سرکوهی سرآغاز این یورش ددمنشانه رژیم بود که باعث شد بعضی از روشنفکران آرمانشهر زمان شاه به



اتاقی محقر در حکومت اسلامی قانع باشند و بی جهت نیست که هوشنگ گلشیری در گفتگویی رسماً اعلام می کند چیزی به معنی آزادی اندیشه: به معنی آزادی عقیده یا آزادی دین جزو اهداف ما نیست و اگر در اساسنامه کانون نوشتیم اشتباه بوده است و به نظر من باید اصلاح شود تا ما منحصر کنیم به بیان قلم و برای رسمی کردن و قانونی کردن این نهاد در چهارچوب موجود ملکتمان کاری بکنیم فقط در چهارچوب موجود و لا غیر. و این عقب گرد بعضی از کانون ها و روشنفکران از مواضع خود که می توان به اسامی گلشیری: باقر پرهام: چنگیز پهلوان: مسعود بهنود و سیمین بهبهانی اشاره کرد. در این برهه حوادث و رویدادهای سیاسی که باعث شد رژیم تلاش کند تا از انزوای جهانی خارج شود مجبور بود ژست و قیافه ای متفاوت و بر خلاف ذات و باطن خود بسازد و در دوران رفسنجانی این تلاشهای مذبوحانه آغاز شد و شاهد نوعی آشستی و همدوشی غیر علنی تعدادی از روشنفکران و کانونی ها با رژیم بودیم که حتی در جنگ جناحین رژیم نیز این گروه علناً شرکت کردند و به نفع این و آن وارد میدان شدند که مهم ترین آن جانب داری از انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور بود و نامه های علنی و حمایت اعلام شده از سوی برخی از اعضای کانون مانند گلشیری: دولت آبادی

و شرایطی خاص در این برهه چندین ساله داشته است از سویی حفظ موجودیت کانون و پای بند بر اصول اعلام شده و از سویی مقاومت و پایداری در مقابل خودیها و غیر خودیها که تلاشی بسیار بکار رفته است تا کلمه تبعید را حذف کنند و شاید کلمه خوشایند مهاجر را جایگزین آن سازند. از سویی دیگر رژیم با استفاده از دو حربه داخلی و خارجی به جنگ کانون نویسندگان ایران در تبعید آمده است البته با انبانی ملو از پولهای ملت رنجیده ایران که با ایجاد کانونها و انجمن های مختلف بتوانند سدی در مقابل کانون تبعیدی به وجود بیاورند و بعضی از اعضای نیمه دولتی کانون نویسندگان ایران را به این بازی کثیف سیاسی بکشانند که در لندن انجمن سخن یکی از متولیان این خواسته رژیم است و مسافرینی مانند چنگیز پهلوان؛ چهل تن؛ گلشنیری نمونه هایی از این بازی است و عمق فاجعه این ترفندها برخورد عاطفی و انسانی کسانی است که باید شاهد مرگ اخلاقی دوستان سابق خود باشند و از آنان روی برگردانند و این مسافرین فرهنگی چون ماموران معذور می آیند و می روند و سخن پراکن مورد حمایت رژیم می شوند و با حیل و نیرنگ نیز از سوی شبه کانون نویسندگان در ایران اعلام می کنند:

هر گاه عضوی از کانون به خارج از کشور برود عضو «معلقه» محسوب می شود و گفتار و رفتار او شخصی تلقی می گردد و زمانی که به ایران بازگشت مجدداً به صورت عضو کانون محسوب می شوند و از اعضای کانون

کانون نویسندگان در ایران مدافع کرباسچی ؛ کدیور و کسانی که پاره های تن رژیم هستند میشوند ولی در مقابل کشتار بی رحمانه اهل قلم سکوت می کند

نویسندگان ایران در تبعید «معلقه» هستند هر چند در آخرین نشست کانون نویسندگان ایران در تبعید بیانیه صادر شد و اعلام شد کانون نویسندگان ایران در تبعید هیچگونه وابستگی و ارتباطی با کانون نویسندگان در ایران ندارد و به نوعی نقشه مزورانه را خنثی کرد. کانون نویسندگان ایران در تبعید در این برهه از زمان وظیفه ای تاریخی و تاثیر گذار بر عهده دارد که به توان و نیروی خارق العاده نیازمند است و در محاصره اختاپوسی زمان از سوی کسانی قرار دارد که برای مقابله با آنان باید از استقامت و پایداری و پای بندی به اهداف و اصول اعلام شده کانون برخوردار بود مقابل دسیسه ها و ترفندهای آگاهانه عمل کرد و آن را خنثی نمود دچار تله عضوهای



قبل از اینکه دچار توهّمات کانون نیمه دولتی بشود و به نوعی کانون اسلامی نویسندگان را تداعی کند که بگوی دخترم با هیجان گفت بابا ما جوانها برنده شدیم و نماز و روزه هایمان مستجاب شد بر سر سجاده نماز برای پیروزی خاتی دعا میکرد. و سیمین خاتم بهبهانی در سفری به خارج به مانند یک نماینده دولتی اعلام می کند

**سرایت ویروس حکومتی
روشنفکران داخل به خارج از
کشور علاج ناپذیر به نظر می رسد
و سوال بر انگیز تر**

جای نادر پور و خویی در ایران خالی است و چرا نباید اینان به ایران بازگردند؟ و از خاتم بهبهانی سوال این است که : آنان که در ایران کشته شدند و پیکره هایشان قصابی شد مانند: زال زاده؛ شریف؛ غفار حسینی؛ تفضلی؛ پوپنده؛ مختاری و دیگران در کجای ایران جای داشتند و شما با چه مجوز و امنیتی از کسانی دعوت می کنید که به ایران نیامده حکم قتلشان صادر شده است ؟

در سرزمینی که دهانت میبویند مبادا گفته باشی دوستت دارم و قلم در چشمها ؛ زبانها و قلبها می شکنند از شیوه های متداول رژیم است خاتم بهبهانی چگونه می تواند همکاران خود را به قتلگاه دعوت کند؟ حضور کانون نویسندگان ایرانی در خارج از کشور از عمری ۱۷-۱۸ ساله برخوردار است و پسوند تبعید تابلویی است تمام عیار از مبارزات ؛ مرارتها ؛ کشمکشها و مشکلاتی که غربت به مسافران خود اهدا می کند گروهی که عمر بر سر حفظ اصول و اهداف خود مبنی بر آزادی اندیشه به معنی آزادی عقیده بیان و قلم گذارده اند در طول این سالها با خون دل و مرارت از این پایگاه مدافع مواضع والای انسانی حراست کرده اند و با حضور موثر و تاثیر گذار خود چون خاری در چشم غول یک چشم اسلامی بوده اند. کانون نویسندگان ایران در تبعید موقعیت

نشان دهنده این تغییر جهت و مواضع آشتی پذیر با رژیمی است که در دوران حکومت خاتی فجیع ترین و هولناک ترین کشتار را در بین دگر اندیشان و روشنفکران و اعضای کانون نویسندگان انجام گرفت . در خیزش ملی دانشجویی خاتی به عنوان رئیس جمهور به طور قاطع و علنی شمشیر از رو کشید و انقلابیون را تهدید به کشتار دسته جمعی کرد. رژیم اسلامی دچار یک سرگردانی و بر سر چند راهی قرار گرفته و سعی کرده است از این مسیر خطرناک با حمایت و پوشش فعالیت های فرهنگی بگذرد تا هم بتواند با استفاده از چهره هایی مانند بعضی از اعضای کانون نویسندگان و روشنفکران ژست خود را حفظ کرده باشد و به قول وزیر اندیشمند ارشاد رژیم دم فرزذق ها ببیند و هم ژست خود را در مقابل دولتهای خارجی و سازمانهای مدافع حقوق بشر حفظ کند و هم موجب تفرقه و دو دستیگی بین اعضاء و روشنفکران معتقد به اصول آزادی و فرزذق ها باشند.

به قول احمد شاملو که گفته است : می خواهند شبه کانونی بسازند. در واقع هدف رژیم اعمال نظریات و نظارتش بر کانون است و بی دلیل هم نیست که گلشنیری با صراحت می گوید: قانونی کردن این نهاد در چارچوب موجود مملکتیمان باید باشد و لا غیر. کانون نویسندگان در داخل ایران با حضور رژیمی که رحم و مروت سرش نمی شود و براحتی سر از تن مخالفان جدا می کند نمی تواند و نباید هم انتظار داشت کانونی مستقل و مدافع آزادی اندیشه ؛ به معنی آزادی عقیده؛ بیان و قلم باشد مگر این شهادت و دلیری افسانه ای مانند مختاریها ؛ پوپنده ها را داشته باشد کانونی که باید حرفه اش فکر کردن و تولید اندیشه باشد و ترویج آزادی به حربه ای نیمه دولتی تبدیل شده است که ویروس آن به خارج از کشور هم سرایت کرده است و تاسیس و برپایی کانونها و انجمن های ادبی و فرهنگی در کشورهای مختلف اروپا و امریکا در راستای این همخوانی می باشد. قبل از اینکه به فعالیت های خارج از کشور و حضور کانون نویسندگان ایران در تبعید بپردازیم و در باره ایجاد مراکزی در ضدیت با حضور کانون در تبعید و همدوشی با کانون نیمه دولتی در ایران در سال ۵۸ کانون نویسندگان ایران در نشست جمعی از اعضای خود را از جمله جلال سرافراز؛ اعتماد زاده، به آذین؛ سیاوش کسری؛ هوشنگ ابتهاج و احسان طبری را به دلیل عضویت در حزب توده و خط مشی حزبی آن در جهت هواداری از شوروی اخراج کرد و جالب اینکه آقای هوشنگ گلشنیری در آن زمان به ؛ به آذین حمله کرد و گفت حیف از آن ترجمه هایی که من از تو خواندم! این موضع قاطع و روشن گلشنیری در سال ۵۸ بود

که مدعی است همبندش او را بیهوش و لامپ را در شکمش فرو کرده ابراز شک کرد.

استفاده از اسپری عشق برای حل اختلافات!



محققان می گویند به کمک یک اسپری بینی حاوی هورمون عشق می توان اثر استرس زای مشاجره های بین همسران را خنثی کرد. هورمون اکسی توسین که با توانایی حفظ روابط بین افراد و حد و حدود روانشناختی سالم برای روابط با سایرین ارتباط دارد، استرس پیش آمده به هنگام کشمکش و نزاع را کاهش می دهد. به گزارش هلت دی، محققان برای تعیین این موضوع اثر استفاده از یک اسپری بینی حاوی اکسی توسین را بر زوج هایی که در موقعیت استرس زایی قرار داشتند

آسیای مرکزی، دخترها از نوعی شلوار گشاد باصطلاح رنده استفاده میکنند که در اروپا نوعی دامن مد روز بشمار میرود.

لامپ سالم در شکم یک زندانی!



پزشکان پاکستانی طی جراحی نفیگیر موفق شدند لامپ سالم را از شکم یک زندانی بیرون بکشند.

به گزارش سرویس حوادث: فاخ محمد ۴۰ ساله چندی پیش در مولتان پاکستان به جرم قاچاق مشروب الکلی روانه زندان شد. وی دیروز دل درد شدیدی گرفت و در بندش مانند مار به خود پیچید. بنابراین زندانبانان فاخ را به بیمارستان منتقل کردند و پس از عکسبرداری مشخص شد یک لامپ سالم در شکم مجرم، جا خوش کرده است.

دکتر فرخ آفتاب- پزشک معالج فاخ می گوید: عمل سختی بود و باید نهایت تلاشمان را می کردیم تا لامپ را سالم بیرون بکشیم چون در صورت شکسته شدن وضعیت جراحی بسیار سخت تر می شد.

وی همچنین در مورد داستان سرایی این زندانی

شلوار اختراع کیست؟



در آسیا، هم مردان و هم زنان از شلوار استقبال کردند و این رسم و عادت تا به امروز هم به خیلی نقاط سرایت کرده است.

قبایلی که در شمال اروپا و آسیا میزیستند، شلوار را اختراع کردند سپس ساکنین نواحی جنوبی تر، این عقیده را بعاریت گرفتند.

ولی به ظاهر آنکه فرمانروایان روم، از سلطه و قدرت روزافزون این قبایل شمال بیمناک بودند، پوشیدن شلوار را حرم کردند.

بطوریکه هر فرد رومی که جرات پوشیدن آنرا پیدا میکرد، بی درنگ به اعدام محکوم می گردید ولی در طول قرون وسطی این تعصب رومی ها، بتدریج از میان رفت در آسیا، هم مردان و هم زنان از شلوار استقبال کردند و این رسم و عادت تا به امروز هم به خیلی نقاط سرایت کرده است در برخی از قسمتهای

قنادی عسل

تازه ترین و خوشمزه ترین شیرینیجات خشک و تر



انتخاب شیرینی های عسل معرف سلیقه شماست

عسل با بیش از ۳۰ نوع شیرینی هفت روز هفته از ۹ صبح تا ۹ شب در خدمت شما عزیزان می باشد

شیرینی های تروکیک های مراسم مختلف عسل نیاز به تعریف ندارد

14 CONNIUCHT STREET, LONDON W2 2AF

TEL: 020 7706 2905

بلافاصله گزارش دهند.

پلیس اروپا در تعقیب



قاتل جوان ایرانی

چندی پیش ماموران پلیس لیند سبري در شهر اوره برو سوئد با خبر شدند يك جوان ایرانی به نام کاوه زارعي به طرز فجيعي به قتل رسیده است. بلافاصله پلیس در محل حاضر و با جسد غرق در خون کاوه روبرو شد. بیش از ۴۰ ضربه چاقو بر بدن کاوه زده شده بود و کارگر جوان او که بشدت ترسیده بود. در کنار جسد کاوه ایستاده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات پلیس از آرش. جوان ۱۷ ساله آغاز شد.

پسر نوجوان تنها شاهد قتل فجیع کاوه، آرش در بازجویی‌ها گفت. کاوه زارعي پسر جوانی بود که مدیریت يك پیتزا فروشی به نام «فلوگ پارکن» را برعهده داشت. او بسیار خوش اخلاق بود و با کارگزارانش رابطه خوبی داشت. شب حادثه حدود ساعت ۱۲ شب بود که من و کاوه داشتیم به خانه می‌رفتیم يك اتومبیل «فورد» قرمز رنگ روبروي مغازه بود. وقتی ما خارج شدیم، ماشین روشن شد و چند قدم جلوتر از ما ایستاد. کاوه صندوق کوچکی در دستش بود. ما ابتدا فکر کردیم قصد دارند. صندوق را بدزدند. به همین دلیل کاوه سمت دیوار شروع به حرکت کرد. دريك لحظه سه مرد جوان از ماشین پیاده شدند و با چاقو به جان کاوه افتادند. من جلو رفتم تا از کاري که می‌کنند جلوگیری کنم اما نتوانستم. يکي از آن سه نفر، دست‌هاي مرا گرفت. هرچه فریاد می‌زدم فایده‌ي نداشت هیچ‌کس نبود که به دادم برسد. آنها آنقدر بریدن کاوه ضربه زدند که دیگر حتی نمی‌توانست فریاد بزند. کاوه صندوق پول را جلویش گرفت تا بتواند از ضربات جلوگیری کند یا اگر صندوق را می‌خواهند ببرند. اما آنها فقط قصد قتل او را داشتند. وي ادامه داد: بعد از اینکه کاوه غرق در خون

بررسی کردند و دریافتند سطوح کورتیزول (هورمونی که بطور طبیعی در چنین مواقعی سطوح آن افزایش می‌یابد) در این افراد به میزان زیادی کاهش یافت. در واقع در افرادی که اسپری را مورد استفاده قرار دادند سطوح کورتیزول به میزان زیادی کاهش یافت. علاوه زوج های دریافت کننده اکسی توسین قادر به بیان احساسات مثبت و منفی خود بودند. به لحاظ روانشناختی این همان کاری است که ما سعی می‌کنیم در حل کشمکش‌ها انجام دهیم. به گفته سرپرست تحقیق دکتر دیتسن از دانشگاه زوریخ سوئیس بر این اساس اکسی توسین اثر مثبتی دارد اما باید محتاط بود و پیش از نتیجه گیری قطعی مطالعات کاملی را در این مورد انجام داد



بازداشت ۴ پلیکان مست!

چهار پلیکان که در خیابان‌های کالیفرنیا به شدت مست شده بودند و گیج می‌خوردند برای انجام آزمایش سم شناسی به دامپزشکی این ایالت منتقل شدند.

به گزارش سرویس حوادث این چهار پلیکان قهوه‌ای درحالی در خیابان‌های ساحلی لاگونای کالیفرنیا مشاهده شدند که یکی از آنها گیج خورد و ناگهان روی شیشه جلوی خودروی فورد افتاد سپس سه پرنده دیگر تلوتلو خوران در هوا به پرواز درآمدند و شاهدان عینی که بشدت متعجب شده بودند گمان کردند پرنده‌گان مست به اشتباه مشروب الکلی خورده‌اند. بنابراین ماجرا را به پلیس گزارش دادند: پلیکان‌های مست بازداشت و به مرکز پرستاری از حیوانات وحشی منتقل شدند. گزارش می‌افزاید: تحقیقات دامپزشکان دیروز فاش کرد پلیکان‌ها به خاطر خوردن یک نوع جلبک دریایی که از خود سم تولید می‌کند به این حال و روز افتاده‌اند بنابراین لیزا بیرکل - مدیر مرکز پرستاری از حیوانات وحشی کالیفرنیا - از مردم خواست هر جا با پرنده‌ای مست و بی‌حال رو به رو شدند مراتب را

شد و به زمین افتاد مرا رها کردند و پا به فرار گذاشتند آنقدر ترسیده بودم که نمی‌دانستم چه باید بکنم. تنها کاري که به ذهنم رسید این بود که به اورژانس زنگ بزنم. کمتر از سه دقیقه طول کشید تا پرستاران اورژانس رسیدند. وقتی کاوه را مورد معاینه قرار دادند. اعلام کردند. او در دم جان باخته است.

عکس‌های چهره‌نگاری شده تنها سرنخ پلیس پلیس با کمک آرش موفق شد عکس چهره‌نگاری شده هر سه قاتل فراری را تهیه کند و يك ماه بعد از توزیع عکس بین پلیس سراسر اروپا، ماموران ۲ تن از آنها را که قصد عبور از مرز را داشتند دستگیر کردند. در بازجویی‌های اولیه مشخص شد. هر سه مهاجم عراقی هستند. يکي از ۲ مهاجم به پلیس گفت: قاتل اصلي «اودي» عراقی ۲۳ ساله است که مشکل شخصی با کاوه داشت. او مدت‌ها بود که قصد داشت کاوه را بکشد و همیشه می‌گفت. به بدترین شکل ممکن از او انتقام خواهم گرفت. «اودي» فکر می‌کرد يکي از چندین دفعه‌ي که توسط پلیس دستگیر شده. کاوه باعث آن بوده است و او را به پلیس معرفی کرده است. ما هم برای قتل کاوه مقداری پول از «اودي» گرفته بودیم. این مرد ادامه داد: چند روز متوالی در اطراف رستوران کاوه کشیک می‌دادم تا از زمان رفت و آمد و خلوتی آن ساعت اطمینان داشته باشیم. چون کاوه دوستان زیادی داشت و همیشه رستورانش شلوغ بود. بالاخره متوجه شدیم ساعت ۱۲ شب بهترین زمان است. شب حادثه در برابر رستوران در تاریکی ایستادیم و در نهایت زمانی که کاوه و دوستش از رستوران خارج شدند. به آنها حمله کردیم و کاوه را با چاقو زدیم. البته. تنها ضربات را اودي با عصبانیت و حرص تمام وارد می‌کرد.

پس از اعترافات این ۲ نفر دادگاه جنایی لیند سبري آنها را به تحمل ۱۰ سال حبس و اخراج مادام‌العمر از خاک سوئد محکوم کرد و این حکم در دادگاه تجدید نظر هم تایید شد. در حالی‌که تحقیقات پلیس سوئد برای دستگیری اودي ادامه دارد. پلیس در بررسی پرونده این شخص متوجه شد او که عراقی‌الاصل است. فردی شرور و سابقه‌دار است که بیش از ۱۰ بار به اتهام سرقت‌های مسلحانه از بانک و طلافروشی دستگیر و حتی یکبار هم از خاک سوئد اخراج شده است اما باز هم به صورت قاچاق وارد خاک سوئد شده و به کارهای مجرمانه خود ادامه داده است. دادستان «اوره برو» معتقد است اودي در صورت دستگیری به دلیل اعمال مجرمانه و قتل کاوه به حبس ابد محکوم خواهد شد. پلیس سوئد تحقیقات گسترده‌ی را برای دستگیری اودي شرور ۲۳ ساله آغاز کرده و اعلام داشته اگر ظرف يك ماه آینده نتواند او را دستگیر کند. از مردم کمک خواهد خواست



و از تسهیلات استثنایی شرکت کاسادل سو بهره مند شوید



آب و هوای مدیترانه و سواحل رویایی
جنوب اسپانیا به شما اوج آرامش و
آسایش و لذت را هدیه می دهد
فقط با یک تلفن از مشاوره رایگان
شرکت کاسادل سو استفاده کنید

با مشاورین
فارسی زبان با
تلفنهای زیر تماس



TEL: +34 952 574040
FAX: +34 952 574043

GLOBAL INVESTMENT & MANAGEMENT LTD
URB, NUEVA TORREQUEBRADA
C.C. TORRENUEVA, LOCAL13
29630 BENALMADENA, MALAGA, SPAIN

نان های همیشه نصفه

خرید نان برای خانه های ما از جمله وظایف ما بچه های محل بود که معمولاً از یکی از نانوایی های محله نان می خریدیم البته بسیاری از پدران ما با نانوایان قرار و مدارهای هفتگی یا ماهیانه هم داشتند که وقتی ما نان می گرفتیم شاطر آقا تکه چوبی را که به آن چوب خط می گفتند به تعداد نانهای گرفته شده با چاقو علامت می زد که نشان می داد چند نان داده شده است چنین نانوایی در حله ما وجود داشت نان بربری، نان لواش، نان سنگک، نان تافتون و نان خراسانی ولی نکته جالب این نان گرفتن ها زمانی بود که وقتی ما از نانوایی خارج می شدیم و به هر آشنایی می رسیدیم تعارف می زدیم و می گفتیم بفرما. نان تازه که معمولاً هم دوستان محبت داشتند و تکه ای هر چند کوچک از نان را می کردند ولی چون تعداد بفرما نان تازه خورها زیاد بود با تمام ملاحظه ای هم که می کردند همیشه نانها از میانه قطع نخاع شده بود و چون جگر زلیخا نصفه نیمه بود

باران های سرگرم کننده و درآمد ساز

در میدان فوزیه که امروز به آن میدان امام حسین می گویند هر چند فوزیه و حسین هر دو عرب تبار هستند ولی آن کجا و این کجا! وقتی باران زیاد می آمد قسمتهایی از خیابانهای منشعب به میدان پر از آب میشد که گاهی این بالا آمدن آبهای بارانی تا به زیر زانو هم می رسید و عبور و مرور را برای مردم بخصوص زنان و مردان سالند و بچه ها و حتی افرادی که سر و وضعی مرتب داشتند مشکل می کرد در چنین مواقعی چند نفری کفش ها را کنده و پاچه های شلوار را بالا زده و نقش تاکسی باربری انسانی را پیدا می کردند و با گرفتن یک تا دو قران «یک تا دو ریال» افراد را کول می گرفتند و از آن سو خیابان به آن سو می بردند نکته جالب برای بچه های محله این بود در صف کولی دهندگان حاضر شوند ولی بیشتر به دنبال سوار کردن دختر محله یا سایر دخترهای همسن و سال خود باشند و پس از کولی دادن به جای پول گرفتن به تعارف کردن و قابلی ندارد و گفتن خوش و بش های شیطنت آمیز جوانی ختم گردد و چه بسا به دوستیهایی در همان اندازه های متعارف های آن زمان ولی در این سواری کشی انسانی گاهی هم بچه ها شیطنت های خاصی می کردند و وقتی کسی را کول می گرفتند که از خود راضی و به قول بچه ها از خود متشکر بود در وسط خیابان که بیشترین آب جمع شده بود به بهانه اینکه به پایشان چیزی رفته و زخم شده دو لا می شدند که دستی به پایشان بزنند و آن قدر خم می شدند که کت و باسن مسافر خوش نشین به آب می رسید و خیس می شد و چنانچه غرولند و اعتراض می کرد و ادا در می آورد به او می گفتند خیلی ناراحتی همین جا بذارمت پایین!

بی خبر از همه جا هم گونی را کول می کرد و به طرف سر کوچه به راه می افتاد و جند متری نرفته بود که یکی از بچه ها زنگ خانه صاحب گونی را می زد و خبر می داد کسی یک گونی پر از منزل آنان برده است که بعد از آن صحنه پایانی ماجرا بود که صاحبخانه سراسیمه و پرخاش گر به دنبال فرد گونی بدوش می دوید و فریاد می زد آید دزد قیافه هراسان و متعجب عمل گونی بدوش در برابر قیافه عصبانی و معترض صاحبخانه دیدنی بود

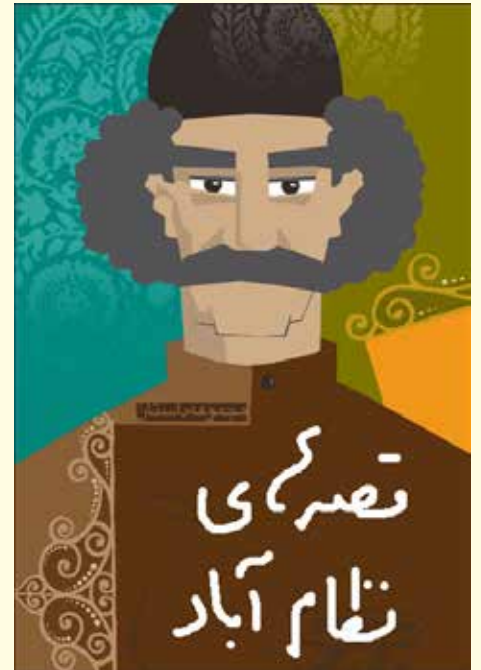
امضاء گرفتن

یکی از قرار داد های مهم و ارزشمند میان بچه های نظام آباد زمانهای مسابقه فوتبال بود وقتی محله ای با محله دیگر مسابقه می داد در پایان بازی کاپیتان تیم بازنده باید کاغذی را امضاء میکرد که اعتراف به شکست کند و برنده این مدرک مهم و غرور را با افتخار حفظ می کردند ولی بسیار اتفاق می افتاد که در پایان بازی بازنده ها پا به فرار می گذاشتند و برندگان آنان را دنبال می کردند و چنانچه دستشان به یکی از بازیکنان فراری می رسید هم امضاء می گرفتند و هم حسابی از خجالت او به جای سایرین هم در می آمدند



کاربیت هوا کردن

بچه ها از مغازه هایی که مصالح فروشی بودند با کمترین پول آزمون مثلاً چند قران تکه هایی مانند ذغال سنگ به نام کاربیت می خریدند سپس در محله در جاهایی که خرابه مانند بود چاله هایی به عمق بیست ، سی متر می کردند و مقداری آب درون چاله ریخته میشد و تکه ای کاربیت درون چاله و آب می انداختند و یک قوطی کوچک به قطر ده: پانزده سانتیمتر و به بلندی حدود سی سانت را که قسمت پایین آن کاملاً باز بود را داخل گودال کوچک قرار می دادند و دور آن را با خاک می پوشاندند در بالای قوطی سوراخی به اندازه قطر یک میخ قرار داشت کاربیت در آب گازی بسیار قوی تولید می کرد و گاز در قوطی و ایجاد حریق میان آتش و گاز قوطی مورد نظر با صدایی انفجاری به هوا پرتاب می شد و گاهی تا ارتفاع دو تا چهار متر به بال می رفت و احساس خوشحالی و شادمانی در بچه های بازیگوش محله ایجاد می کرد



قصه های نظام آباد

مجموعه قصه های نظام آباد که در هر شماره مجله رنگارنگ به چاپ خواهد رسید روایتی ساده از زندگی همه کسانی است که به میانسالی رسیده اند و در دفتر خاطرات ایام زندگیشان در محله های مختلفی که زندگی می کرده اند ملو از این حکایتهای تلخ و شیرین است شما هم می توانید بیانگر قصه های محله های زندگی دوران گذشته خود باشید

عمله کشون

در محله ما واقع در سه را عظیمیه که در نظام آباد قرار داشت یکی از سرگرمیهایی بیکاری برای بچه های شیطون و مردم آزار «عمله کشون» بود قصه بدین ترتیب بود که: در بعضی منازل ، اهالی خانه بعضی از مایحتاج یا وسایل خود را پس از در ورودی زیر پله ها قرار می دادند این وسیله می توانست کونی های ذغال یا خاکه ذغال برای زمستان باشد بسته ها یا گونی ها برنج یا حبوبات یا وسایل دیگر باشد کار ما این بود که سر کوچه می رفتیم و بنده خدایی را که تشخیص می دادیم دنبال کاری است که اندک پولی به دست بیاورد صدا می کردیم و به او می گفتیم آیا حاضر است مثلاً یک گونی را تا سر کوچه بیاورد و مبلغی بگیرد و او هم قبول می کرد و هر مبلغی می گفت ما چانه نمی زدیم و قبول می کردیم که البته دستمزد را پس از انجام کار پپردازیم بعد این بنده خدا را به در یکی از منازل می بردیم که اکثر این خانه ها همیشه درهانشان باز بود و گونی مورد نظر را نشان او می دادیم و عمله

رنگ و ارنگ از همه رنگ

هدف از چاپ پیام های دوست یابی کمک به کسانی است که در غربت زندگی می کنند و به دلایلی امکان ارتباط به مکانهای عمومی ایرانی را ندارند و تنهایی و یافتن هم زبانی می تواند کمکی در جهت بهبود و شرایط سخت تنهایی آنان باشد

مجله رنگارنگ هیچ گونه مسئولیتی در قبال چاپ پیام های دوستیابی ندارد و طریقه این ارتباط تنها از راه ارسال نامه به آدرس مجله است و مسئول این بخش نامه های رسیده را در اختیار کدهای اعلام شده قرار خواهد داد ارسال مشخصات غیر حقیقی یا هر گونه سوء استفاده از این کانال بعهده متقاضی تماس با نامه های دریافتی است که مطمئن باشد انتخاب صحیح را انجام داده است

آدرس ارسال برای بخش دوست یابی

**P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS**

مینو ۳۶ ساله مدت ۱۴ سال است در آلمان زندگی می کنم یک بار ازدواج کرده ام و یک دختر ۸ ساله دارم در یک فروشگاه بزرگ کار می کنم علاقه مند به سیاست و فعالیتهای اجتماعی هستم به دنبال دوستی و آشنایی به قصد ازدواج با آقای با میانگین سنی ۳۸-۴۵ ساله هستم

کد ۷۴۷

محمد رضا ۴۹ ساله ساکن پاریس ۲۰ سال است در فرانسه زندگی می کنم همسر فرانسوی داشته ام ولی متارکه کرده ام فرزندی ندارم صاحب شغلی بسیار خوب هستم به دنبال خانمی تحصیل کرده و جدی جهت زندگی مشترک می باشم.

کد ۸۵۱

شقایق هستم ۳۲ سال دارم مدت ۱۲ سال است در انگلستان در شهر نیوکاسل زندگی می کنم در یک فروشگاه مشغول بکار هستم عاشق موزیک، سینما و ورزش هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با آقای با میانگین سنی ۳۵-۵۰ سال هستم.

کد ۸۵۰

نیلوفر ۴۱ ساله هستم در شهر بیرمنگام زندگی می کنم قبلا ۱۵ سال لندن بودم صاحب خانه و شغل خوبی هستم دو دختر از ازدواج قبلی دارم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با آقای با شخصیت، تحصیل کرده و خانواده دوست هستم با میانگین سنی ۵۵-۴۵

۴۵

کنم علاقه مند به موزیک و سینمای ایرانی می باشم به دنبال دوستی و آشنایی با دختر خانمی ایرانی با میانگین سنی ۲۰-۳۰ ساله هستم

کد ۸۴۵

مرجان ساکن برایتون مدت ۷ سال است به انگلستان آمده ام یک بار ازدواج کرده ام و جدا شده ام فرزندی ندارم اقامت دائم دارم به دنبال دوستی و آشنایی با آقای ایرانی در کشور آلمان هستم و علاقه مندم که در آلمان زندگی کنم علاقه مند به ورزش و همچنین مذهب کاتولیک هستم

کد ۸۴۶

شهریار ۲۲ ساله ساکن شهر کلن در آلمان ۱۱ سال پیش با خانواده ام به آلمان آمدم دوره تخصصی کامپیوتر را می گذرانم عاشق کامپیوتر، موزیک و ورزش می باشم به دنبال دوستی با دختر خانمی ایرانی می باشم.

کد ۸۴۸

المیرا ۲۸ ساله ساکن لندن ۸ سال است در این کشور زندگی می کنم اقامت دائم دارم رشته آرایش و زیبایی را تمام کرده ام در حال حاضر فول تایم مشغول به کار هستم عاشق موزیک، رقص و ورزش می باشم به دنبال آشنایی با آقای ایرانی با شخصیت، مهربان و راستگو می باشم

کد ۸۴۰

دوستیابی



رویا ۵۴ ساله ساکن فرانسه به دنبال دوستی به قصد ازدواج با آقای ایرانی با میانگین سنی ۵۵-۶۵ که علاقه مند به ادبیات و موسیقی باشد هستم.

کد ۷۴۳

سوسن ۳۸ ساله در آمستردام زندگی می کنم از ازدواج اولم یک پسر و یک دختر ۱۸ و ۱۵ ساله دارم شغل مناسب با درآمد کافی دارم به دنبال آشنایی با آقای ایرانی با میانگین سنی ۴۰-۵۰ ساله می باشم تفریحات مورد علاقه من سینما و ورزش و موزیک می باشد

کد ۸۴۳

امید ۳۱ ساله ساکن لندن ۱۱ سال است به انگلستان آمده ام اقامت دائم دارم به کارهای ساختمانی مشغول هستم ازدواج نکرده ام و تجربه دوستی و آشنایی با دختر خانمهای ایرانی را ندارم عاشق صفا، محبت و روراستی هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با خانمی ایرانی با میانگین سنی ۲۰-۳۰ ساله هستم

رها ۲۵ ساله ساکن اسپانیا در شهر ساحلی مالاگا زندگی می کنم ۷ سال است به اسپانیا آمده ام سال دوم دانشگاه علاقه مند به فرهنگ و سیاست و ورزش می باشم به دنبال آشنایی با جوانی ایرانی با میانگین سنی ۲۵-۳۰ سال می باشم

کد ۸۴۴

علی ساکن لیدز انگلستان ۲۹ سال دارم ۴ سال است به انگلستان آمده ام جواب مثبت دارم در یک رستوران انگلیسی شبها کار می

زن آپاندیسش رو عمل کرده بوده. بعد از عمل شوهرش میاد ملاقاتش. منتها زنه هنوز خوب بهوش نیومده بوده و داشته زیر لب هزیون می‌گفته: احمق... بی‌شعور... عوضی! يك دكتري داشته از اتاق رد میشده. میگه: خوب به سلامتی مثل اینکه خاتون به هوش اومده و داره باهاتون حرف میزنه!

نگهبان به رئیس بیمارستان گفت: قربان! سه تا از دیوونه‌ها فرار کردن. رئیس بیمارستان گفت: زیاد ناراحت نباش. هنوز صد تا دیوونه داریم.

غضنفر از یکی میپرسه قبله کدوم طرفه؟! یارو نشونش میده. غضنفر میگه: باید خیلی برم؟!

یه نفر داشته گزارش ترافیک رادیو را گوش میداده. گزارشگره میگفته: راه بهارستان به امام حسین بسته‌است. راه انقلاب هم به امام حسین بسته‌است... طرف میگه: باشه بابا بستس که بستس. دیگه چرا هی به امام حسین قسم میخوری؟!

از غضنفر نوار مغزی میگیرند. میبینند بیست دقیقه اولش خالیه!

به غضنفر میگن: میدونی امام حسین کجا دفن شده؟ میگه: نه. میگن: کربلا. میگه: ای خوشا به سعادتش!

جدی نگیرید واسه خندس !!

یه عاشقی از طبقه صدم به ساختمون می‌پره پایین. به طبقه پنجاهم که میرسه میگه: خب الحمدالله تا اینجا که بخیر گذشت!

یه ندید بدید میره واسه تلفن همراه ثبت نام میکنه. بهش میگن: تا سه ماه دیگه بهت خویل میدیم. آقا با کلاسسه هم رو کمر بندش یه پرچم میزنه: به زودی در این مکان يك عدد موبایل افتتاح خواهد شد!

غضنفر رفته بوده تماشا می‌سابقه دو و میدانی. وسط مسابقه از بغلیش میپرسه: ببخشید. اینا واسه چی دارن میدون؟! یارو میگه: برای اینکه به نفر اول جایزه میدن. بغضنفر یوخده فکر میکنه. میپرسه: پس بقیشون واسه چی دارن میدون؟!

آبادانیه میخواستسته بره خواستگاری. دیرش شده بوده حواسش پرت میشه شلواریش رو پشت و رو میپوشه و با عجله میدوه تو خیابون. یهو يك ماشین میاد میزنه درازش میکنه وسط خیابون. راننده میاد بالا سرش. میگه: طوریت که نشده؟ آبادانیه يك نگاه به سر تا پاش میکنه. چشمش میافته به شلواریش. میگه: چی چیه طوری نشده. ولك زدی حسابی پیچوندی!

یه هواپیما تو قبرستون تبریز سقوط میکنه. فردا رادیو تبریز میگه: شب گذشته يك فروند هواپیمای توپولوف در حومه شهر تبریز سقوط کرده و تا این لحظه ۳۴۵۱۳ جسد کشف شده! عملیات برای یافتن اجساد بقیه قربانیان در قبرستون همچنان ادامه دارد!



داشته باشد بنابر این وقتی مدح شما خوانده میشود و اعمال شما در دوره زندگی بازنگری میشود..... آیا سر افراز خواهید بود از آنچه در باره خط تیره شما خواهند گفت ؟ و بسیار خوشحالم از این که شما را در زندگی خویش و بخشی از خط تیره خود می بینم. با احترام فرید-س

نظری به خط تیره خود بیافکنیم

بیاندیشید آیا چیزهایی در زندگیتان هست که بخواهید تغییرشان دهید؟ چون ابدای دانی چه مدت زمانی باقی مانده که بتوانید آن را نو آری کنید اگر فقط می توانستیم طوری آهسته حرکت کنیم که آنچه را درست و حقیقی است دریابیم و همیشه کوشش کنیم تا بفهمیم که دیگران چه احساسی دارند در خشمگین کردن کمتر چالاک باشیم و قدر دانی را بیشتر از خود نشان دهیم در زندگی به مردم چنان عشق بورزیم که هرگز قبلا عشق نورزیده ایم اگر با یکدیگر با احترام رفتار کنیم و بیشتر لبخند بزنیم..... و به خاطر داشته باشیم که این خط تیره ویژه مکن است فقط مدت کوتاهی ادامه

در مراسم تدفین دوستی به تاریخ های سنگ روی مزارها می نگریم از آغاز تا پایان (۱۳۸۵ - ۱۳۱۳) اولی تاریخ زاد روز است و بعدی تاریخ پایان عمر آنچه بیش از همه اهمیت دارد خط تیره بین آن دو تاریخ است . زیرا این خط تیره تمام مدت زمانی را نشان می دهد که او بر روی زمین می زیست و اکنون فقط کسانی که به آن شخص عشق می ورزند می دانند که ارزش این خط کوچک برای چیست داشتن دارائی هیچ اهمیتی ندارد . آنچه اهمیت دارد این است که چگونه زندگی می کنیم و چگونه عشق می ورزیم و چگونه خط تیره خود را صرف می کنیم بنابر این در این باره سخت و به تفصیل

قابل توجه کلیه تجار و صاحبان کسب و کار در آلمان

پیام تبلیغاتی خود را به منازل هزاران ایرانی در سراسر آلمان و اروپا برسانید

شما می توانید با حداقل هزینه حداکثر استفاده را با درج آگهی خود در مجله رنگارنگ ببرید

۰۰۴۴۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳

جدول کلمات

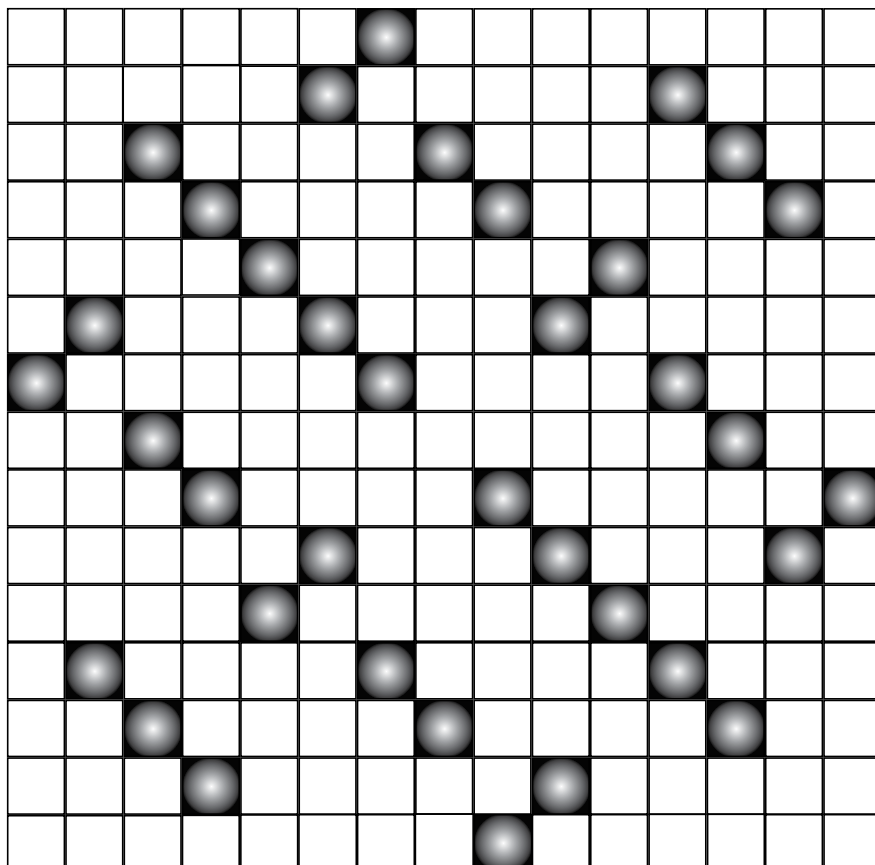
:: افقی ::

- ۱ - اصيل و نجيب - طبق اصل ۳۹ مجلس شوراس اسلامي بدون وجود اين شورا اعتبار قانوني ندارد ۲- مابين - خويشاوندان - روزانه ۳- ماد رعب - صفت بهشت - آب انگليسي - حرف همراهي ۴- روشنائي اندک - فراموشکار - فيلگوش ۵- سرگشته و حيران - مغت و رايجان - انگور خشکيده ۶- گياه خورشي - جان کندن - شايسته و سزاوار ۷- چله کمان - نزديک بين - مالک روستا ۸- به دنيا آوردن - شهرت - کافي ۹- بدهکار - کم وناچيز - سنگدل ۱۰- مقابل کيفي - فلز گلوله - از همسران پيامبر ۱۱- جامه بلند - هوشيار - آواي اسب ۱۲- کلام شگفتي و تعجب - قسمتي از تخم مرغ - شهر انار ۱۳- علامت جمع - ساحل - درخشنده - نت ششم ۱۴- درخت پر شاخ و برگ - قلب قرآن - قوم اتیلا ۱۵- ياهو سرا - اثري از الکساندر دوما

:: عمودی ::

- ۱- ۲۴ ساعت - مجنون و عقل باخته ۲- چرک بدن - پدرمردگان - بخت آزمائي ۳- اشاره به دور - جانور جنگلي - جزئي از جامه - گل خوشبو ۴- جست و جو کنان - آجر نصفه مظهر استقامت ۵- الفت گرفتن - آسماني - چست و چالاک ۶- پايدار - کشور خجسته - تيز و قاطع ۷- حرف خوردني - از جهات اربعه - شهر و بندري در استراليا ۸- بيماري - کسي که د رناز و نعمت بزرگ شده - موجود خيالي ۹- بازدارندگان - پارچه ابريشمي رنگين - سوره بانوان ۱۰- غمگين - فرياد عدالت - پيغامها و نوشته ها ۱۱- دنيا - ثلاثه اش د رمصر است - ابزار خودبيني ۱۲- خورشيد - هدايت کننده از اقوام باستاني ۱۳- شهري در استان کرمان - سزاوارتر - روستا - کلام چوپان ۱۴- شبه جزيره اروپائي يکي از جمهوريها که بعد از فروپاشي شوروي تشکيل شد - پرچم ۱۵- گياهاني که فاقد گل هستند - نام ديگر شونيز

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴



فال اين ماه شما

متولدین این ماه باید در حفظ دوستان خوب خود و در مراقبت و پایداری روابط فامیلی تا حد امکان کوشا باشند . چرا که همین روابط خوب و محکم ، در همه شئونات زندگي آنها و حتي آینده ای که در پیش دارند موثر خواهد بود . اینروزها ریسک برای متولدین این ماه با نتایج خوب همراه است. شرکت در یک میهمانی سبب میشود بسیاری از متولدین این ماه چهره واقعي گروهی از اطرافیان خود را بشناسند و باصطلاح با چنین شناسائی برای آینده خود تصمیم منطقي بگیرند . در این میان بعضي سوء تفاهمات که میان آشنایان کدورت و دلگیری بوجود آورده بود با حوادث تازه برطرف میشود نا آرامی و سر گشتگی بعضي از متولدین این ماه را باید بحساب دوری از عزیزان ، اصولاً "دورافتادن از گذشته ها و خاطرات شیريني که زندگي شان را دربر گرفته بود گذاشت . در مجموع متولدین این ماه آدمهای عاطفي ، پابند گذشته و مسائل بسیار عاطفي هستند .

مدتي است که خيال کمک به کسي را داريد و سرانجام آن را عملي خواهيد ساخت انجام یک عمل خير از طرف کسي که انتظار نداشتيد. موجب ميشود نظر شما نسبت به او عوض شود . ممکن است یک پيشنهاده ازدواج شما را غافلگیر کند .

از افراد خودخواه فاصله بگیرید . برخي از صفات خوب شما در محيط کار باعث ميشود وظايف مهمي به شما ارجاع شود . دو ملاقات مهم خواهيد داشت که يکي در مورد مسائل تحصيلي و شغلي است و ديگري در مورد زندگي آینده تان . به یک سفر کوتاه ولي جالب خواهيد رفت

در مورد مسائل شخصي تان منظم تر باشيد . پيشنهاده یک سفر به شما خواهد شد که هدف قابل توجهي در آن نهفته است . گاهي يکدنده و لجباز ميشويد که اين به نفع شما نيست واز توجه و ارادت ديگران نسبت به شما

فروردین:



اردیبهشت:



خرداد:



تیر:



مرداد:



شهریور:



جدول کلمات

::افقی::

۱- تابلوئی از آل گریکو نقاش چیره دست اسپانیایی
- کشیش وفیلسوف نامدار فرانسوی خالق کتاب
ثروت ملل ۲- اثری از ویلیام شکسپیر انگلیسی -
مجموعه داستانی از منیرو روانی پور ۳- نوعی عدسی
- قوت لایموت - مطابق روز- عشیره ۴- تیر پیکاندار
- طریق - خطیب و سیاستمدار یونانی الاصل رومی
و از طرفداران نظریه رواقیون - صریح اللهجه ۵-
بنیانگذار - کشور مائو مائو - باج و خراج ۶- اثری
از مادام فرانس کوئت - اثر موسیقایی هرب آلبرت
آهنگساز معاصر امریکائی ۷- آزاده - از بازیهای
رایانه ای - صف ۸- مروارید چشم - گازی صنعتی
با بوئی تند که توسط فریتز هابر آلمانی کشف
شد - ابریشم پست ۹- پرند ای با پاهای باریک و
بلند - رود پر آب روسیه که به دریاچه خزر میریزد
- رایحه ۱۰- نوعی کرم و انگل روده ای خطرناک -
نخستین دوره پالئوزویک که از ادوار زمین شناسی
است ۱۱- قطعی - سازمان خواربار و کشاورزی بین
المللی - اندرون ۱۲- عمق - نان شیریت دواتشه -
درون دهان - رودی در استان فارس ۱۳- نوعی زغال
سنگ - مرکز ایتالیا - دوستی خالصانه مشیت زن
مسلمان امریکائی ۱۴- نویسنده رمانیدل مارچ -
مجرب و ماهر ۱۵- موسیقیدان ایرانی مخترع چنگ
- اثر جیمز راسل لاول .

::عمودی::

۱- عنوان اثری از پیر لوتی نویسنده فرانسوی ۲-
درختی با میوه طبعی - متلس بازاری و نوشته ای
الکساندر آستروتسکی ادیب روسی - نت ششم
۳- بدگویی ادبی - میخوش - نامی برای منجنیق
- رمانی از رودیارد کیپلینگ داستانپرداز انگلیسی
۴- خرس آسمانی - آهنگساز ایتالیایی فیلم مرگ
روی نیل - ویتامین انعقاد خون - فیلمی از محسن
مخملباف ۵- ایالتی در اتا زونی که مرکز سنت پل
نام دارد - بخیه هنرمندانه - خط کش مهندسی
۶- بی قید و بند- فیلمی ساخته سام تیلور
۷- پیامبری در کام نهنگ - برداشت محصول -
پسر کیومرث در شاهنامه ۸- بالا آمدن آب دریا -
پیشقراول اعداد - شهری در آلمان - حرف زیادی
- غذای ساده ۹- دارای یک وزن میباشند - سیخ
نانونائی - مهاجم سیه چرده تیم منچستر یونایتد
۱۰- تابلوئی از گوستاو کوربه - حرف زیادی ۱۱-
منقار - از حروف الفبای فارسی - خلبانان انتحاری
ژاپن ۱۲- در حال تشاط - آبدیده - برگزیده از هر
چیز - آژانسو ناپیداست ۱۳- دانشگاهی معتبر
د ر آمریکا - پای افزار چوبی - رود فرانسه - دوش
و کتف ۱۴- زیاده خواهی - در ورزش رسیدن به
مرحله بالاتر را گویند - تمدنی باستانی در جنوب

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
													۱
													۲
													۳
													۴
													۵
													۶
													۷
													۸
													۹
													۱۰
													۱۱
													۱۲
													۱۳
													۱۴
													۱۵

فال این ماه شما

اجازه ندهید خشم بر شما غلبه کند . در این ماه توانایی پیشنهاد کردن طرحهای مختلف را خواهید داشت و در اواخر ماه بهتر است کوشش جدی داشته باشید . وقتی که طرحها و پیشنهادات خود را بیان کردید دیگران شما را تشویق خواهند کرد . پس تلاش خود را افزایش دهید و آماده انجام کارهای سخت باشید با هر چه برخورد میکنید پیش خود بگوئید میتوانم انجام دهم . در این ماه یک دیدگاه مناسب نسبت به چیزهایی که شما را برانگیخته می کنند، خواهید داشت و حتی آن چیزها میتوانند رویاهای شما را برای کمک در اختیار بگیرند . از این که در این موقعیت پیشرو باشید نهراسید و اگر نیازی برای تغییر در زندگی خود و دیگران احساس میکنید، آن را بیان کنید

در این ماه در موقعیت روحی مناسبی قرار دارید و مشتاق انجام کارهای مختلف هستید و برای رسیدن به اهداف خود مسافت های طولانی را طی کنید . جدیت و تلاش خود را گسترش دهید که در این صورت خوبی شما را احاطه خواهد کرد در این ماه به عنوان پاداش و عوض چیزی را که آرزوی آن را داشته اید دریافت خواهید کرد به نفع شماست که راحت از کنار مسائل عبور کنید . هر چند انجام این کار برای شخصی مثل شما بسیار دشوار است . ولی لازم است اجازه دهید که زمان مشکلات زیادی را حل کرده و مسایل راه تدریجی خود را طی کنند . سرنوشت و تقدیر بهترین ها را برایتان رقم میزنند .

در جستجوی زیبایی ها هستید . در اواخر این هفته با تغییر ناگهانی شخصیت مواجه خواهید شد . پس از لحظه لحظه فرصتها نهایت لذت را ببرید .. شما همیشه عاشق خانه و خانواده هستید . حتی المقدور . برای انجام وظایف تان . اوقات خاصی را در نظر بگیرید

ممکن است به همراه شخصی عزیز سفری داشته باشید . شخصی که همیشه به او علاقمند بودید . این سفر یکی از پرحادثه ترین و ماجراجویانه ترین سفرهای عمرتان خواهد بود . این نیمه زمانی بسیار مساعد برای ابراز علاقه به شخص مورد علاقه تان محسوب میشود

مهر:



آبان:



آذر:



دی:



بهمن:



اسفند:



The Iranian Football Academy in London

Iranian sport activities started in 1988, when Mr. Mahmoud Sarabi first founded the Iranian society of sports.

Mahmoud Sarabi is one of the educated and reputed sport features of Iran. He has been an outstanding member of the best football teams in Iran and has been awarded an international coach certificate by FIFA and has been recognised as the best coach in 1985-86 in Iran.

His presence in London and his planning and sports programmes have been tremendously welcomed by Iranians in London which resulted in 1990 when a group of 750 Iranian sports men and women in 16 football teams, 7 volleyball teams of men, 2 volleyball teams of women, football school with 70 members, 5 basketball teams, 2 wrestling teams, a number of martial arts teams taking part in a gathering at Wielsden sports centre on the occasion of the Iranian new year (Norooz).

In 1992, for the first time Iranian Olympics was held in London with the presence of 107 Iranian athletes from Germany, Sweden, Holland, Denmark and France.

In 1993, Mahmoud Sarabi left the sport society which he had founded himself and started activities in media. He founded Rangarang TV in England. The sports society became inactive soon after Sarabi left. Then he started as the coach of Pars football team which was amongst the finalists at Middlesex London matches.

Sarabi set up the Iranian youth academy of football last year and in the last 15 months over hundred youth aged 6-16 have been active in this school. A selected team went to Holland and had competitions with two Dutch teams in a trip of three days.

The aim of the academy is to train Iranian youth in an academic and international standard preparing the best to take part in the English teams.

The academy holds classes on Sundays at Hendon-Brent cross.

All the Iranian families whose children are interested in learning football are invited to contact us. Tel: 020 8731 9333



THE WORLD OF FASHION CAPTURED BY THE IRANIAN

Rangarang the originator of a new movement



Good news for those who want to be a model

Today, the world of fashion is even more active than cinema and music. In this world where the term of the appearance of the models on the stage is short, the Iranian girls have been able to find a special place for themselves. Yasamin Parvaneh, one of the most expensive models who is married to famous singer Lee Penn is one of the pioneers. Behnaz Sarrafpour is a great designer competing with the world's greatest artists. We are also witnessing the presence of the Iranian youth generation in the world of fashion whose biographies and photos are found in different accredited magazines.

Do you know the world of fashion?

These days the fashion market is getting warmer day by day. Over hundred years the world of fashion has created a great amount of profit for the market as well as the designers and producers. Both the supplier and the consumer have been benefited.

Designers and producers equally need advertising to introduce and sell their products. On the other hand consumers need to know as much about the new products and designs for best value of their money. Consumers will be able to choose the best for their taste. Advertisement in a professional and suitable way can introduce new ideas and designs to the consumer. Advertising goods such as cosmetics, clothings, jewelleries, bags and shoes according

to the latest designs and trend of the society can be so useful in giving the society information on the best and latest fashion. Iranian artists along with other world class designers have a big share in presenting new ideas, thoughts and designs to the world.

Rangarang is the pioneer of a new movement in the Iranian



society for promotion of new fashions. All Iranian designers and producers of cosmetic material, clothing and jeweleries are invited to take part in this movement and send us their ideas, suggestions and thoughts. All interested Iranian young girls and boys who categorize themselves as under are also invited to contact us for tests and photos for the archive of the magazine.

Rangarang has registered the first certified fashion agency as HANAA FASHION in England. Those interested may contact us on 02087319333 for more information.



RANGARANG

the most popular magazine in Europe

Editorial

For the first time in the history of a nation thousands years of civilization, Iranians were forced to leave their motherland. This escape to other countries in the last 25 years which includes 6 million Iranians is due to a fanatic regime which is trying to force a great nation back to the dark ages when people were deprived of their basic human rights. This is happening in the 21st. century to a nation which has highly influenced human history and civilization thought out the ages. The 1978 revolution in Iran was designed and planned at Guadalupe in France with the presence of French president Giscard d'Estaing, US president Jimmy Carter British prime minister, Harold Wilson and Helmut Schmidt from Germany. The superpowers had regarded the SHAH of Iran as a threat to their interests, because he had great plans for the country and had repeatedly stated that the nation was not any longer prepared to be oppressed by unfair commerce and demanded bilateral agreements.



A decision was made to overthrow the SHAH.

Later, both Carter and Mitterand confessed to this international plot in their autobiographies. A so-called religious regime, which has spread the shadow of terror over the world, came to power in Iran.

The Iranians who have left their country in the last 25 years have successfully proved to be talented, initiative and hard working, considering thousands of examples all over the world in economics, arts, sports and social activities, some of which are introduced in this issue of Rangarang magazine.

In the English section of Rangarang, we are pursuing two goals.

First to communicate with a young Iranian generation, living out of Iran who do not read and write properly in their mother tongue because of living and studying in a different country and to avail them with knowledge and information about their motherland, as well as their compatriots in other countries.

Our second goal is to present the Iranian community to the citizens of the countries where they live and the people with whom they have made close ties through marriage, commerce, art and social activities.

Rangarang is one of the earliest and most popular Iranian magazines in Europe and the US with more than 18 years of publication in the UK.

We have always had a radical position against the dictator and brutal regime in Iran who is responsible for all problems and miseries in our country yet regrettably supported by some European countries.

More about Iran is in this month's political review.

Rangarang monthly magazine consists of different sections on politics, society, culture, literature, sports, music, cinema, fashion and many other columns. We shall give you more information in the coming issues.

Iranians living in England have gained a considerable power in commerce through over 150 Export-Import firms, computer companies, 500 restaurants, supermarkets, hotels, bars, and tens of exchange bureaux, beauty salons, estate agencies and different offices.

Over 50 concerts tens of movies annually, are evidence of an active, wealthy and well populated community with the average age group of 18 to 35 playing an active and responsible role in the economy of the U.K as British citizens.

LA fitness



Enjoy your
body

Free 5 day pass*

Call to book a place 020 8731 7312

Offer ends 30/09/06

152-154 Golders Green Road
Golders Green
London
NW11 8HE

lafitness.co.uk

*Upon presentation of this advert.
Terms and Conditions apply

Every piece is a Masterpiece.

The Finest, The Ultimate,
The Most Reliable Jewellers Mozafarian,
Only One In Dubai!



MEMBER OF THE
BRITISH JEWELLERS'
ASSOCIATION



MEMBER OF THE
NATIONAL ASSOCIATION
OF GOLDSMITHS

88 Brompton Rd., Knightsbridge, London SW3 1ER

Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Regardless of the value our
quality and service remain undeterred.